

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوال

چون میفرمایند علمای شریعت و طریقت ما اهل السنة و الجماعة در حق کسی که خود را
 از اهل سنت و جماعت و تائید و توثیق خود تفضیل حضرت علی رضی الله
 عنه بر اصحاب ثلاثه اعمی حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر و حضرت عثمان رضی
 الله عنهم و میگوید که تفضیل حضرت اصحاب ثلاثه بر ترتیب خلافت صرف در امور
 سیاست مدنی است نه تفضیل از جهت دیگر فضائل و نه در امور باطنی است
 یا گوید که در ولایت باطنی اصحاب ثلاثه را دخل نیست یا گوید که این اصحاب

التماس
 بکنست تا فرمود
 این توفیق است
 که وقت لازم
 این توفیق
 و این امر از نظر
 عیالست و این
 کبیر است
 از امور باطنی
 و این امر
 است از نظر
 باطنی است
 بکنست تا فرمود
 این توفیق است
 که وقت لازم
 این توفیق
 و این امر از نظر
 عیالست و این
 کبیر است
 از امور باطنی
 و این امر
 است از نظر
 باطنی است

رواه البخاری ترجمه از ابن عمر رضه است گفت بودیم مادر زینب
صلی الله علیه وسلم که برابر نمی کردیم با ابی بکر رضه کسی را پس با عمر رضه
پس با عثمان رضه پس میگذاشتیم اصحاب بنی صلی الله علیه وسلم را
که تفضیل نمیدادیم در میان آنها روایت کرد این حدیث را بخار
انتهی وفي سنن ابی داود قال کنا نقول ورسول الله
صلی الله علیه وسلم حی افضل امة النبی صلی الله علیه وسلم
بعده ابو بکر ثم عثمان رضي الله عنهم هذا ما فی
المشکوّة الشریفة ترجمه ودر سنن ابی داود است گفتیم
در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم زنده بود که فاضلترین است
بنی صلی الله علیه وسلم بعد از وی ابو بکر است پس عمر پس عثمان
رضی الله عنهم این چیز است که در مشکوٰۃ شریف است انتهى و صاحب
سنن ابی داود بابی در تفضیل اصحاب رضی الله عنهم منعقد کرده
و قال باب فی التفضیل ترجمه وگفت این باب در تفضیل است

میں نے اپنے لیے صرف ایک سو روپے کا ایک ٹکٹ لیا ہے۔ اس کے علاوہ کسی اور ٹکٹ کی ضرورت نہیں ہے۔

ترجمه حدیث: و یا راجع بن احمد بن صالح حدیث کرد و ما را عنبسه حدیث کرد و ما را
یونس از ابن شهاب گفت گفت سالم بن عبد الله از ابن عمر گفت
میگفتیم در حال رسول الله صلی الله علیه و سلم که فاضلترین است بنا
صلی الله علیه و سلم بعد از ان ابو بکر است پس عمر پس عثمان رضی الله
عنه انشی حد ثنا محمد بن مسکین حد ثنا محمد یحیی
الفریابی قال سمعت سفیان یقول من زعم ان علیاً رضی الله
عنه کون احق بالولاية منهما فقد خطأ أبابکر و عمر و
المهاجرین و الانصار و ما اسراة ان یرتفع له مع هذا عمل
الی السماء ترجمه حدیث کرد و ما را محمد بن مسکین حدیث کرد
و ما را محمد یعنی الفریابی گفت شنیدیم سفیان را که میگفت هر که گمان برد که
علی رضی الله عنه اولی و مستحق تربولایت بود از ان پسر و یعنی شیخین پس
بدرستی که بخطا منسوب کرد ابو بکر و عمر و مهاجرین و انصار را و نمی بینیم آن
کس را که بر داشته شود برای او یا این عقیده که امی عمل بسوی آسمان

ابن مقام
 قندوباد
 اشتهاد
 قوشی
 دیار
 یار
 صفت
 در
 قدر
 علی
 جبار
 منور
 تعالی

دیار بہشت یافتنی باب
 الامام کاظم علیہ السلام
 این معراج جاری
 شد و مستند علی
 اعلام و مجتہدین
 عظام شد یکدیگر
 مستند و محبت کرد
 کرد و نشست مخدوم
 جان آقا سید
 محمد حسن

وأمثال این احادیث ماطلق بمراسی فضل کلی اصحاب ثلاثه غیر آنها در
عین زمان حضرت نبوت صلی الله علیه وسلم و بهم حدیث عبد الرحمن بن
عوف رضی الله عنه وقت بیعت با عثمان رضی الله عنه صاحب صحیح بخاری
روایت فرمود و مراحه مطلق با فضیلت حضرت عثمان رضی الله عنه
عبد الله بن محمد بن اسماء حدثننا جویریة عن مالك عن
الزهري عن حميد بن عبد الرحمن اخبره ان السويدي بن محمرة
اخبره ان الرهط الذين ولاهم العجم اجتمعوا فقتلوا و اقال
لهم عبد الرحمن لست بالذي انا فكم على هذا الامر ولكنكم
ان شئتم اخترت لكم منكم فجعلو اذلك الى عبد الرحمن فلما اولوا
عبد الرحمن امرهم فقال الناس بلى عبد الرحمن حتى ما ارى احدا
من الناس يتبع اولئك الرهط ولا يطاء عقبه و مال الناس على
عبد الرحمن يشاء و رونه تلك الليالي حتى اذا كانت الليلة الستة
اصبحنا من ابناء ايمان عثمان قال السويدي طرقني عبد الرحمن بعد

[illegible][illegible]

فجاء من الليل فضرب الباب حتى استيقظت فقال اراك نائماً
 فوالله ما اكنحلت هذه الثلث بكثير نوم انطلق فادع الزبير
 وسعداً فدعوتهم اياه فشا وصرها ثم دعاني فقال ادع علي عليا
 فدعوتاه فاجابه حتى ابها بالليل ثم قام علي من عنده وهو على ظهر
 وقد كان عبد الرحمن يخشى من علي شيئاً ثم قال ادع لي عثمان فاجابني
 حتى فرق بيني هما المتوخذن بالصبح فلما صلى الناس الصبح واجتمع
 اولئك الرهط عند المنبر فارسل الي من كان حاضراً من المهاجرين
 والانصار وارسل الي اصراء الاجناد وكانوا اوفوا تلك الحجة مع عمر
 فلما اجتمعوا تشهد عبد الرحمن ثم قال اما بعد يا علي اني قد نظرت
 في امر الناس فلم اراهم يعبدون بعثمان فلا تجعل علي نفسك
 سبيلاً فقال ابايعك على سنة الله ورسوله والخليفتين من بعده
 فبايعه عبد الرحمن وبايعه الناس المهاجرون والانصار واما الاجناد المسلوبون
 فترحمهم حديث كروا لعبد الله بن محمد بن اسامه حديث كروا لابي جبريل ناكلك زهرى ازجيد

[illegible]

خداوند را شکر

بیت بیدار من خبر داد و در تحقیق رسول بن خمر خیر داد و در تحقیق گوچی والی گردانید و بدویش از
 عمر رضی الله عنه شدند پس با هم مشورت کردند گفت آنها را حضرت عبدالرحمن بن
 که بنی هاشمی و در غبت کنتم شمارا برین امر ولیکن شما اگر خواهید پس بخند کرده و بهم
 از شما پس حواله کردند این امر را بیدار الرحمن پس چون والی گردانید بیدار الرحمن را
 در امر خود با پس مائل شدند مردمان جانب عبدالرحمن تا آنکه ندیدیم کسی را از
 مردمان که پیروی کند آن قوم را در میرفت پس وی در غبت کردند مردمان طبرستان
 عبدالرحمن که مشورت میکردند با او درین شبها تا که آمد آن شب که صبحش
 بیت کردیم با عثمان رضی الله عنه گفت رسول آمد نزد من عبدالرحمن بعد گذشتن پاره
 از شب پس زد دست در باب تا آنکه بیدار شدم پس فرمود عبد الرحمن که
 می بینم ترا خفته و الله سیر خفته ام درین شبهای ثلاثه برو پس بطلب بیز
 سعد را پس طلبیدم هر دو را نزد او پس مشورت کرد بان هر دو پس از آن طلبید
 مرا پس گفت عبدالرحمن بطلب علی رضی الله عنه طلبیدم او را پس خفیه سخن کرد
 عبدالرحمن با علی تا آنکه گذشت نیم از شب پس خاست علی از نزد عبدالرحمن در حایکه علی

طبع داشت و بود و عبد الرحمن که می نرسید از علی بن ابی طالب گفت عبد الرحمن اطلب عثمان
 پیش من کن کرد عبد الرحمن با عثمان تا آنکه تفریق کرد در میان هر کس مؤذن صبح پسر
 هرگاه نماز صبح خواندند مردمان و جمع شدند آن گروه نزد منبر پس فرستاد
 عبد الرحمن طرف حاضرین مهاجرین و انصار و امرای اجناد و بودند
 که گذارده بودند این حج را با عمر رضی پس چون جمع شدند همه خطبه خواندند
 عبد الرحمن بعد از آن گفت اما بعد که ای علی رضی خوب نظر کردم در شان
 مردمان پس ندیدم آنها را که برابر دارند کسی را با عثمان رضی پس گردان
 برای نفس خود سبیلی پس گفت عبد الرحمن بیعت میکنم با تو ای عثمان رضی
 بر سنت خدا و رسول او و بید و خلیفه او پس از آن بیعت کرد عبد الرحمن و
 جمیع مهاجرین و انصار و امرای اجناد و جمله مسلمانان آن تهمی و آلی هذا
 شارح صاحب شروح العقائد بقوله على هذا وجدنا السلف انهم و هكذا قال
 صاحب المواقف و شارح المواقف لکن وجدنا السلف قالوا بان لا نقول
 ابو بکر ثم عمر ثم عثمان ثم علي و حسن ظنا بهم يقتضي بانهم

لو لم دیر فعا ذلک لما اطبقوا علیه فوجب علینا اتباعهم فی
 ذلک القول **مترجم** و بسوی همین معنی اشاره کرد صاحب شرح عقائد ^{نفسه}
 بقول خود که بر همین یافتیم سلف را آنجا همچنین گفت صاحب توقف
 و شارح موافق که لیکن ما یافتیم سلف را که می گفتند که فاضله ابو بکر
 است پسر عمر رضی الله عنهما پسر عثمان پسر علی رضی الله عنهما و حسن ظن ما با آن اصحاب رضی
 سلف مقتضی است که آنها اگر نشناختند ی این امر را بر آئینه اتفاق نکردند
 بروی پس واجب شد بر ما اتباع آنها درین قول انتهی پس بر امریکه
 اصحاب رضی الله عنهم از مهاجرین و انصار اتفاق کردند و جمهور بر این
 استند و الجماعه و بر چهار امامان مذکور بران اعتقاد دارند از آن ^{رض} امر
 و انکار نباید و افراط و تفریط شاید در مشکوٰۃ بروایت امام احمد بن
 رحمه الله آورده **عن علی** قال قال لی رسول الله صلی الله
 علیه و سلم فیک مثل من عیبت ابغضته الیهود حتی یهتق امه
 و احبته النصارى حتی انزلوه بالمنزلة التي لیست له ثم

[illegible]

فان يهلك. في رجل ان يحب مفرط يقرظني بما ليس في
منه يفضي حمله شنانى على ان يبهتني ترجمه از علی رضی
گفت فرمود مرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم کہ در تو ای علی رضی
از عیسی است کہ بغض داشتند از وی یهود تا آنکہ بہتان بستند بر او
و دوست داشتند او را نصاری تا آنکہ در آوردند او را بنزد منی کہ
غیبت برای او پس گفت علی رضی ہلاک عیشو و سبب من دوم در کی
سبب مفرط دستایش کند مرا با آنکہ غیبت در من و دیگر بغض دارندہ
بر این گنجتہ میفند و را دشمنی من بر اینکہ بہتان بندد بر من انتہی و آیات
را روایت و استقصاوات کثیرہ برین حقیقہ اہل السنۃ و الجماعہ بموجب
کند محض نمودند کہ گویاند و از امثال این احادیث و از روایات آتبہ
اجماع بر افضلیت آنها و سابقیت و بفضل و از جہت افضلیت
خاتمہ شدن آنها یکی بعد دیگری منقذ گشت باقیما ند اطلاق تفضیلیہ
و خالصی و مخالف الا جماع بر تفضیل دیندہ حضرت علی رضی رضی

[illegible][illegible]

در حدیثی است که از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: *ما من عبد الا وله حظ من الجنة* هر کس است که از خداوند چیزی را نگیرد، او را نصیبی از بهشت نیست.

باید دانست که اسحاق تفضیلیه را کم می پرسد اطلاق شیعه و راغنی و بدهد
 در مرکب کبیره در کتب کلام و فقه و تنبیه الطالبین و غیره آمده در
 تمهید ابو شکر و سائمی است و بعض کلام هر دو اعم و
 لا یكون كفرا وهو تنویر بان علیا رضی الله عنه کان
 افضل من ابی بکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم و حرارة ان
 خلافه جواز است با اجماع و منهم من قال ان علیا
 رضی الله عنه کان اسلمة من ابی بکر و عمر و عثمان
 رضی الله عنهم و یحیی من قال بان حب علی و اهل
 البیت رضی الله عنهم بعد اول و احق ترجمه بعض کلام
 روافض بدعت است و غیر نمیشود و آن قول ایشان است که علی
 رضی الله عنه بود افضل از ابی بکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم مگر اینکه خلافت
 ایشان جائز نشد باجماع و بعض از آنها آنکس است که میگوید علی
 رضی الله عنه بود عالم تر از ابی بکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم و بعض

است که می گویند که در حدیثی است که از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: *ما من عبد الا وله حظ من الجنة* هر کس است که از خداوند چیزی را نگیرد، او را نصیبی از بهشت نیست.

در حدیثی است که از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: *ما من عبد الا وله حظ من الجنة* هر کس است که از خداوند چیزی را نگیرد، او را نصیبی از بهشت نیست.

علی رضی الله عنه
 در بیان فضیلت
 و زهد و تقوی
 و در بیان فضیلت
 و زهد و تقوی
 و در بیان فضیلت
 و زهد و تقوی

از آنها آنکه میگویند بایستی که محبت علی و اهل بیت رضی الله عنهم
 اولی و سزاوارتر است انتهى در شرح مواقف گفته افضل الناس
 بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم عندنا و اکثر قد ماء
 المعذلة ابو بکر رضی و عند الشيعة و اکثر متأخری المعتزلة
 علی رضی الله عنه ترجمه فاضلترین خلق الله بعد رسول الله
 صلی الله علیه و سلم نزد ما اهل سنت و جماعت و نزد اکثر از قدما و متأخرین
 ابو بکر است رضی الله عنه و نزد شیعه و نزد اکثر از متأخرین معتزله علی رضی الله
 عنه است انتهى قال خاتمة المحققین سند العلماء و المتكلمین
 مولانا شاه عبد العزيز رحمه الله في التحفة
 دوم فرقه شیه تفضیلیه که جناب مرتضوی را بر جمیع صحابه تفضیل میدهند
 و این فرقه از ادعای ثلاثه آن لعین شدند و شمه از سوسه و قبول کردند
 و جناب مرتضوی در حق اینها تمهید فرمود که اگر کسی را خواهم شنید که مرا
 بر شیخین تفضیل میدهد و را حدیثی که هشتاد و یک است نخواهم شنید

بعده می فرماید و اما تفضیلی پس با نجات که از دو طرف رانده در وسط
 مانده بودند سبیه و تبرائیة ایشانرا از خود نمی شمردند و در اعدا و شیعہ
 علی رضی آن آوردند که داو مجتهد پس بیت که بزعمشان منحصر در سب و
 تبرای صحابه و از واج است نمیدهند و جماعه مخلصین آنها را بخیر و
 جناب مرتضوی دانسته و مورد وعید و نجات انگاهشته تحقیق و دلیل
 میکردند لافی العیر و لافی النقییر در حق ایشان راست آمد و بعده
 میفرماید پس غلاة سبیه را الواصب دانند و سبیه تفضیلی را
 سبیه شیعه اولی را و خوش حال شیعه ای که مورد طعن و ملامت
 جمیع فرق ضالک از شیعه و نواصب گردیده اند و بایر همه آنها مخافت
 گزیده گو یا ایشانرا بوردشت جناب مرتضوی مجابده کبری و غربت
 عظمی نصیب شده و ان الدین بدل اغریا و سبیه دغریا
 فطوبی للغریاء مصداق حال ایشان و کشف مال او شان آمد
 قال صاحب الاشباہ والنظائر فی فتاوی الزینیه

و اما تفضیلی
 و اما سبیه

تفضیلی
 از حق

خانه

۱۴

سبیه
 مورد طعن و ملامت

را

علم

پراگس که سوای ایشان بودند از صحابه و بنود خلافت به تیغ و زبردستی و
 غلبه و نبود بگرفتن از آن کس که اوفای صلت بود از آن و گفت در فصل آخر
 اما شیعه پس آنها را ناماست و نیست جز اینکه گفته شد آنها را شیعه برای
 اینکه ایشان پیروی کرده اند علی رضا و تفضیل داده اند او را بر همه یاران
 و گفت در آن فصل نیز گفته شده است که شیعه کسی است که تفضیل نهد بر عثمان
 را بر علی رضی الله عنهما و بدرستی که تفضیل کسی است که تفضیل کند علی رضا بر عثمان
 و گفت رضی الله عنه در فصلهای آخر و جز این نیست که آوردم من بیان
 سخنهای ایشان تنها از دلائل از جهت گریختن از این پناه و بدرخواستی
 تعالی دشمار از بدی این مذیها و از بدی اهل ایشان و بمیراند مرادین
 اسلام و طریقه مصطفویه در گروهی که نجات یابنده است بر حجت او پس
 سابقیت در فصل اصحاب اربعه را رضی الله عنهم و آن وجه حقوق خلافت
 باجماع اصحاب و اهل سنت و اجماع نهیم اربعه و مذایب اربعه را
 در اخلاند ثابت و نیز منکرش که تفضیلیه است مصداق تفضیلیه و مخالف

الاجتماع وشيعة ورافضی از فتوای او بیا و سر حلقه اصفیاء رضی الله عنه
 گردید و اگر ازین زیاده صراحت کمال و تفضیل خلفای ثلاثه رضی الله عنهم
 در باطن میجویی پس بعد یادداشتن عبارت غنیة الطالبین از حجة الاسلام
 مستند اولیای کرام حضرت امام محمد غزالی رحمه الله علیه باید شنید در احیاء
 در جلد اول کتاب العلم فی الباب الثانی فی القسم الثانی زما افضل
 ابو بکر رضی الله عنه الذکر بکثرة صیام ولا بکثرة صلوة
 ولا بکثرة سواية ولا فتوی ولا کلام و لکن شیخ و قسری صدق
 حکما شهد له سید المرسلین صلی الله علیه وسلم انتهى ترجمه
 و فاضل نشر ابو بکر رضی الله عنه از مردمان بسبب کثرت روزها و نه
 کثرت نماز و نه بسبب کثرت روایت و نه بسبب فتوی و نه کلام و لکن
 بسبب چیزیکه آن شد در سینه وی رضی الله عنه گواهی داد برای وی رضی
 سید المرسلین صلی الله علیه وسلم انتهى و الاضافیه در همان قسم فاعلم
 ان ما ینال به الفضل عند الله شیء مما ینال به الشهرة

۴۱
 هذا تفضیل
 من جهة الباب
 والعلم و
 الصدق و
 التفضیل
 بسبب بیان
 و الاضافیه
 است که در
 نسخ نسخ
 صدق و نه
 علم فاضل

بعد نبی صلی الله علیه وسلم ابو بکر پس عمر پس عثمان پس علی رضی الله
 تعالی عنهم و اینکه نیک گمان برد با جمیع صحابه و ناکند بر آنها چنانکه شنا
 کرده است الله تعالی و رسول او صلی الله علیه وسلم بر جمیع اصحاب
 و اینهمه از انجمله است که وارد شد به آن اخبار و شاید شد بروی آثار
 پس هر که اعتقاد کند اینهمه را در مالیکه یقین کننده باشد بر آن باشد
 آنکس از اهل حق و عصابت سنت و مفارقت کرد آن شخص گروه ضلال
 و گروه بدعت را پس میخواهم از خدای تعالی کمال یقین را و ثبات را
 دین برای خود و برای جمیع مسلمین بدرستی که او تعالی ارحم الراحمین است
 انشی و ایضاً فیہ در همان کتاب در فصل ثالث ان فضل الصحابة علی
 حسب ترتیبهم ترجمه بدرستی که فضیلت صحابه بر حسب
 ترتیب آنهاست انشی و ایضاً فیہ در همان کتاب در رکن این اصل
 نامن ان فضل الصحابة رضوا لله عنهم علی حسب ترتیبهم
 فی الخلافة اذ حقيقة الفضل ما هو فضل عند الله

عز وجل وذلک لا یطعم علیہ الا رسول اللہ صلی اللہ علیہ
 وسلم وقد ورد فی الثناء علی جمیعہ آیات و اخبار
 کثیرة و اما یدرک دقایق الفضل و الترتیب فیہ لمشاہد
 الوحی و التذیل بقرائن الاحوال و دقایق التفضیل فلولا
 فہمہم ذلک لما ترتبوا الامر کذلک اذ کان لا تأخذہم
 فی اللہ لومة لا تأخذ ولا یجیر فہم عن الحق صارف
 ترجمہ بدرستی کہ فضیلت صحابہ رضی اللہ عنہم بحسب ترتیب آنہا
 در خلافت چہ حقیقت فضل بہانست کہ او فضل نزدیک خدا
 عزوجل باشد و مطلع نیست بروی بجز رسول خدا صلی اللہ علیہ
 و آہستیکہ وارد شدہ است در ثناء بر جمیع آنہا آیات و احادیث
 بسیارہ جزین نیست کہ می یابند دقایق فضل و ترتیب او فضل
 آنانکہ مشاہدہ کردہ اندوحی و تذیل را بقرائنہای حوالہ و دقایق
 تفضیل پس اگر نبودی فہم آنہا بخشن بر آئینہ زریہ منیہ او فہم

امرای پچنین چرا که بود که نیک گرفت او شان را در راه خدا نکو بهش
 نکو بندگان و برگشته نیک در آنها را از امر حق کدامی برگشته کنند
 انشی آنچه این امام حجة الاسلام درین مقام استدلال یادرک
 اصحاب رضی الله عنهم بوجه مشایده وحی و تنزیل و بقرائن احوال
 فرموده در دیگر مقامات نیز از جهت قوت و حقیقت این مسلک
 بهمین منوال دلیل آورده قال فی الاحیاء فی بیان العلم
 الذي هو فرض الكفاية من الباب الثاني في العلم
 المحمود والمذموم وكذا الاثر فانه ايضا يدل على
 السنة لان الصحابة رضي الله عنهم قد شاهدوا الوحي
 والتنزيل وادركوا بقرائن الاحوال ما غاب عن غيرهم
 سيما في سر ما لا تحيط العبارات بما ادرك بالقرائن
 فمن هذا الوجه رأيت العلماء الاقتصار بهم والتمسك
 بانفسهم **ترجمہ** گفت در احیاء العلوم در بیان علمیکه

این مندرج کفایه است از باب ثانی در علم محمود و مذموم و همچنین
 از صحابه پس بدرستی که آن بهم دلالت دارد بر سنت چرا که صحابه
 رضی الله عنهم بدرستی که مشاهده میکردند وی و تنزیل را و دریا
 میکردند بقرآن احوال آنچیز را که غائب شد از غیر آنها دیدن او و
 گاهی احاطه کردن نتواند عبارات آنچیز را که دریافت شد بقرین
 پس ازین سبب پسندیدند علمای اقتدای را باصحاب و تسک را
 آثار اصحاب اتمی و ایضاً فیه قال فی الفصل الثانی فی وجه
 التدریج الی الامر شاد و ترتیب درجات الاعتقاد
 و علی هذا استمر الصحابة رضی الله عنهم فالزيادة علی الاستاذ
 طغیان و ظلم و هو الاستاذون و القدوة و نحن الانبياء
 و التلامذة ترجمه و نیز در آن کتاب گفت در فصل ثانی در
 تدریج بسوی ارشاد و ترتیب در جمای اعتقاد و بر همین گذشتند
 صحابه رضی الله عنهم پس زیادتى بر استاذ طغیان و ظلم سنت

حالا آنکه آن صحابه استاذان اند و پیشوایان و ایمان تابعان و شاگردان
 انتی و ایضا قال بعیدٌ هذا قال صلی الله علیه و سلم ما
 فضلكم ابو بکر بکثرة صیام و لا صلوة و لکن بسیر و قدر
 فی صدره رضی الله عنه و لا شک فی ان ذلک السیر
 کان متعلقاً بقواعد الدین غیر خارج منها ترجمه
 نیست گفت ترتیب این فرمود صلی الله علیه و سلم فاضل نشد
 بر شما ابو بکر رضی بسبب کثرت روزه ها و نه بسبب نماز و لیکن بسبب
 سیر که گران شد در سینه وی رضی الله عنه و شک نیست در اینکه
 این سیر و متعلق بقواعد دین نه خارج از قواعد دین انتی ملاحظه
 فرمایند که اعتقاد افضلیت خلفای اربعه رضی ترتیب خلافت چه
 ضروری در دین نزد این اولیاء المذست که این اعتقاد را از جمله
 اعتقاد معنی کلمه ثانیه قرار داده و معتقدش را از اهل حق و عصای سنت
 فرموده و منکرش را از اهل ضلال و اهل بدعت شمرده و دعای یزید

وثبات برین عقائد برای خود و جمیع مسلمین نموده رضی الله عنهم و نیز
 گفت در جلد رابع فی بیان ان وجوب التوبة عام في الاشخاص
 نيس از بیان توبه حضرت عیسی علیه السلام از توشه حج و نيس از بیان
 توبه شفيع المذنبين خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و
 آله و اصحابه اجمعین از توبه کیه در ان علم بود و از شرک نوین
 با باده شرک کنند آفریدی ان الصديق رضي الله عنه بعد ان
 شرب اللبن و علم انه على غير وجهه ادخل اصبعه في حلقه
 ليخرجه حتى كاد يخرج معه روحه ما علم من الفقه هذا
 القدر و هو ان ما اكله عن جهل فهو غير اثم به ولا يجب
 في فتوى الفقه اخراجه فلم تاب عن شربه بالتدارك
 على حسب امكانه بتخلية المعدة عنه و هل كان ذلك
 الا لسر و قر في صدره عرفه ذلك السر ان فتوى العامة
 حديث اخر و ان خطر طريق الاخرة لا يعرفه الا

الصلّٰی یقون فتأمل احوال هؤلاء الذین هم اعرف
 خلق الله بالله وبطریق الله وبمکر الله وبمکامن الغرور
 بالله الخ ترجمه آیا پس دیدی تو صدیق را رضی الله عنه بعد از آنکه
 نوشید شیر و دانست که آن شیر بر غیر وجه اوست داخل کرد گشت
 خود را در خلق خود تا که خارج نماید و را تا آنکه قریب بود که بر آمدی
 با او روح او آید دانست که بود از فقه این قدر مسأله که بدرستی که
 هر چه بخورد مردم بناد انگلی پس او گندگار نیست و واجب نیست
 در فتوای فقه بیرون انداختن انجیر را پس چرا توبه کرد صدیق رض
 از نوشیدن آن شیر تبارک حتی الامکان خود بخالی کردن معده را
 از شیر و بنود این امر مگر بسبب سترکیه بزرگ شد در سینه وی که شناسا
 کرد او را این سر بدرستی که فتوی عامه امر دیگرست و خطر راه آخرت
 کسی نشنا سد بجز صدیقان پس تأمل کن در احوال اینهمه که آنها عارفین
 اند از جمله خلق الله بخدای تعالی و براه او تعالی و بمکر او تعالی و

صل
 حضرت صدیق
 رضی الله عنه
 را این انجیر
 فرمودند ۱۲
 ۳۰
 منقذ
 خلاصه کلام

الحمد لله
مفتي محمد صالح المنجد

الشيخ
آية الله العظمى
عبدالله بن محمد
الطباطبائي

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

یکمیت

میں نے اسے

مفتی محمد شفیع

و
کے لئے اور
نہیں

توضیح

3

بقدر ضرورت نقل کرده ام پی با فضیلت حضرت صدیق اکبر رضی
 امر باطن و ولایت بردن میتوانند و نیز در بسیاری جا علاوه بر
 مشقوله بیان معارف و محامد اصحاب ثلاثه رضی الله عنهم نموده است
 کما لا یخفى علی من طالع احیاء العلوم و از آنجمله است در جلد اول
 فی الباب الخامس فی آداب المتعلم والمعلم فی الوظيفة السادسة
 و از آنجمله است در همین جلد فی کتاب قواعد العقائد فی الفصل الثانی
 فی وجه التدریج الی الاشرشاد و از آنجمله است در همین کتاب
 وفصل فی القسم الاول و از آنجمله است در همین جلد فی کتاب
 اسرار الزکوة فی بیان دقائق الاداب الباطنة فی الزکوة
 فی الوظيفة الاولى و از آنجمله است در جلد دوم فی کتاب
 الاخوة والصحة فی الباب الاول فی القسم الرابع
 و از آنجمله است در همین مقام بعدیک صفحه که در آن نزول آیه
 وَلَا یَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ یَسْخَرُوا مِنْ قُلُوبِهِمْ

نوشته است و هم در اینجا افاده فرموده که هر دو انفعالی اظهر هر
البعض للظلمة والمبتدعة الخ ترجمه جميع فقهاء ائمة
کرده اند بر اظهر بعض ظالمان و بجهت بيان و از انجمله است و
همين جلد در باب ثالث في حق المسلم والرجوع والجوارس و از انجمله
است در جلد چهارم في كتاب الفقر والنهي في الحالة الخ
و از انجمله است در همين جلد في كتاب التوحيد في بيان حقيقة
التوحيد الذي هو اصل التوكل و برينقدر انحصار رئيسيت
که ما و رای اين مستندات و نشانهها مستندات ديگر ميرد در کتاب
مستطابست و حضرت شيخ اکبر خاتم الولاية المحمديه صاحب
الفصوص و الفتوحات الملية شيخ محي الدين بن عربي رقوقات
کلی میفرمايد في الفصل الاول من الباب الثاني في معرفة الحروف
و الحركات من العالم الخ نوادي عليه السلام في ليله
اسرائيه في استيماشه بلغة ابي بكر قف ان ربك يصلي

فانس بصوت ابی یکم خلق رسول الله صلی الله علیه وسلم
 و ابو بکر من طینة واحدة الخ ترجمہ در فصل اول از باب ثانی
 در معرفت حروف و حرکات از عالم تا آخر ندا کرده شد آنحضرت علیہ
 السلام در شب معراج بوقت استیحاں او صلعم لغت ابی بکر رضی
 تعالیٰ عنہ فرمایید محقق پروردگار تو نماز میگزارد پس انس گرفت
 او صلعم با و از ابی بکر رضی که پیدا کرده شد رسول خدا صلی اللہ علیہ
 وسلم و صدیق اکبر رضی از طینت واحدہ همچنین گفت شیخ عبد
 محبت دہلوی در مدارج النبوة جلد اول در واقعات معراج و اما
 شنوانیدن من ترا و از یار ترا کہ ابی بکر است ضعیف الدعۃ برای آنست
 کہ انس گیزی تو و بحال خود بیایی درین مقام پرستی یا محمد چون
 خواستیم ما کہ کلام نسیم برادر ترا موسی پس گرفت او را یحییٰ عظیم پس
 پرسیم او را و ما تِلْكَ بِمَیْنِکَ یا موسی پس حاصل شد او را انس
 بذر عصا و کمال خود را همچنین فرمایید محمد خواستم کہ انس گیزی با و از یار تو

که پیدا کرده شده تو و وی از یک طینت و وی انیس تست در دنیا و
آخرت پس پیدا کردم فرشته برابر صورت وی که بزرگتر از بافت و
تا زایل گردد از تو استیضاش انعم و ایضا فی الفتیحات

فی الباب الثالث فی تنزیه الحق تعالی عما فی طی الکلمات
و ترتیب النقطتین و لما لم یصح اجتماع صاعدین مما لک
لم یقم ابو بکر فی حال النبی صلی الله علیه و سلم و ثبت مع
صدقه فلو فقد النبی صلی الله علیه و سلم فی ذلک الموضع
و حضرة ابو بکر لقام فی ذلک المقام الذی اقبل فیہ رسول
صلی الله علیه و سلم لانه لیس ثما علی منة یحجه عن
ذلک فهو صادق ذلک الوقت و حیثه و کسوة تحت حله
ترجمه و ہم در فتوحات کمی در باب ثالث در بابی حق تعالی از آنچه
طی کلمات و ترتیب و نقطه و هر گاه صحیح نیست اجتماع دو صادق با هم
بدین سبب نه قائم شد ابو بکر در حال نبی صلی الله علیه و سلم و ثاب

با صدق خود پس اگر نبودی نبی صلی الله علیه وسلم درین مقام و حاضر
 بودی ابو بکر رضی الله عنه قائم شدی در مقامیکه قائم کرده شد و بود در آن
 مقام رسول خدا صلی الله علیه وسلم زیرا چه نبود کسی را بخارج از صدیق اکبر
 که محبوب کند او را ازین مرتبه پس او صادق این وقت است و حکیم اوست
 و دیگران زیر حکم او هستند و در باب ثالث و ثلثین فی اقطاب
 النبیات و اسرارهم و هذه الطائفة فی الرجال قليلون فانه
 مقام ضیق جدا محتاج صاحبیه الی حضور مد الله و اکثر
 من كان فيه ابو بکر صدیق رضی الله عنه و لهذا قال
 عجل الخطاب رضی الله عنه ترجمه و این طائفة در مردان خفرا قلیل اند
 پس بدرستی که این مقام تنگ است یقیناً محتاج میگردد صاحب این مقام
 بسوی حضور نامی که سیکه زیاده تر در آن مقام نماند صدیق اکبر بود رضی الله عنه و این
 گفت عمر بن الخطاب رضی الله عنه و در جلد ثانی در باب ثالث و مسمون
 فی معرفة عدد ما تحصل من الاسرار للشاهد الخ لکن

الذي هي مقام القربة وهو الافراد وهو دون نبوة الشريعة
 في المنزلة عند الله وفوق الصديقية في المنزلة عند الله وهو
 المشار اليه بالسرا الذي وقر في صدر ابي بكر ففضل به
 الصديقين اذا حصل له في قلبه ما ليس في شرط الصديقية
 ولا من لوازمها فليس بين ابي بكر وبين رسول الله صلى
 الله عليه وسلم رجل لانه صاحب صديقية وصاحب
 سر محمد وحين مقاميت كه ثابت كردم اثر او در میان صديقت
 ونبوت تشريعي كنام آن مقام قربت است واثبات است بر اى افراد
 وآن كتر از نبوت تشريعي است در منزلت نزد خداى تعالى وبالاى
 صديقت است در منزلت نزد خداوند تعالى وآن همان است كه اشاره
 كرده شده است بسوى نوى بستر كيه بزرگ شد در سينه ابو بكر پس فاضل
 شد بسبب آن مقام از جمله صديقان هرگاه كه حاصل شد او را در قلب او
 چيز كيه نيست در شرط صديقت و نه اثر لوازم آن پس نيست در میان

ابو بكر ودر میان رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسی شخص چرا که او را در میان
 صدیقین است و صاحب سرست انتهی و فی الباب الحادی و
 الستین و مائة فی معرفة المقام بین الصدیقیة والنبوة
 و من هذا المقام حصل لابی بكر الصدیق السر الذي
 وقر فی نفسه وظهرت قوته ذلك السر مع وقته و قول
 عائشة رضي الله عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فی مرضه
 حين امره ان یصل بالناس انه رجل أسيف و رسول الله
 صلى الله عليه وسلم یعرف منه بالسر الذي حصل عند
 ما لا تعرفه الجماعة فما بقی احد یوم مات رسول الله
 صلى الله عليه وسلم الا و هل فی ذلك الیوم و خولاطی
 عقله و تكلم بما لیس الامر علیه الا ابو بكر و الصدیق
 فما طرأ علیه فی ذلك الامر بل رقی المنبر و خطب للناس
 و ذكر موت النبی صلى الله علیه وسلم فقال من كان منكم

اسفند ۱۳۰۲

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
انما نعبدہ ونعوذ بہ
انما نعبدہ ونعوذ بہ
انما نعبدہ ونعوذ بہ

یعبدهم اغان محمد اقد مات ومن كان يعبد الله فان الله
حي لا يموت ثم لا انك ميت وانهم ميتون وما محمد الا
رسول في فمك فاسكن جاش الناس حتى قال عمر رضي الله عنه
والله ما كانني سمعت هذه الاية الا في ذلك اليوم ثم
واربهم مقام حاصل شد عراقی بکر صدیق رضاسترکیه عظیم شد
نفس وی وظایر شد قوت این سرور وقت او و گفتن عایشه رض
از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مرض او صلی الله علیه وسلم ویکه
ان فرمود او را برای نماز گزاردن بامردان که او مردیت رقیق لقلب
و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم شناسخت انجام آن از او
بسبب سرکه حاصل شد بود نزد او صندم صدیق را انچه شناخته
بودند حاجت پس باقی نماند کسی بر روز وفات رسول خدا صلی الله
علیه و آله که بیکه سوره غلط کرد درین روز و اختلاط در عقل و
شده

جنگل برین
دل زلفه
درت بیخاک
عزیزان
آه ای دل
و زلفه

آنحالت اختلاطیه بروی رخ درین امر بلکه برآمد بر منبر و خطبه خواند
 مردمان را و بیان کرد وفات نبی صلی الله علیه و سلم را پس گفت رخ
 کسکه از شامی پرستند محمد صلعم را پس بتحقیق محمد صلعم وفات نمود
 و هر که می پرستند خدای تعالی را پس بدرستی که خدا زنده است که
 هرگز نمی میرد پس بخواند این آیه را که بدرستی که تو ای محمد میت هستی
 و آنها هم میت هستند و نیست محمد صلعم مگر رسول الله پس تسکین یافت
 اضطراب عظیم دلهای مردمان تا آنکه گفت عمر رضی الله عنه که والله گویا
 نشنیده بودم این نیت را سوای امروز انتهی و ایضاً فی الجلد الثانی
 فی الباب الموفی سبعین و مائتین فی معرفة منزل القطب
 و الامامین محمد صلی الله علیه و سلم و عبد الجامع و ما من
 قطب الا وله اسم یخصه نرائد علی الاسماء العام الذي
 هو عبد الله سواء كان القطب نبیاً فی زمان النبوة
 انقطوعة او ولیاً فی زمان شریعة هیهات صلی الله علیه و سلم

وكذلك الامامان لكل واحد منهما اسم يخصه ينادى
 به كل امام في وقته هناك والامام الايسر عبد الملك و
 الامام الايمن عبد ربّه وهما للقطب الوزيران فكان ابوبكر
 رضي الله عنه عبد الملك وعمر رضي الله عنه عبد ربّه
 في زمان رسول الله صلى الله عليه وسلم الى ان مات
 صلى الله عليه وسلم فسمي ابوبكر عبد الله وسمي عمر
 عبد الملك وسمي الامام الذي ورث مقام عمر عبد ربّه
 ولا يزال الامر على ذلك الى يوم القيمة انخ ترجمه
 محمد صلى الله عليه وسلم عبد جامع بود و قطبي نيست مگر اينکه مراوراسمي
 خاص باشد زانکه بر اسم عام که او عبد الله است برابرست که باشد
 آن قطب نبی در زمان نبوت مقطوعه يا ولي در زمان شریعت محمد
 صلى الله عليه وسلم و همچنین دو امام اند که برای هر یک از ایشان اسمیت
 مخصوص که اندا کرده میشوند بآن اسم هر امام در وقت خود انجا و آنجا

عبد الملك و امام راست عبد الرب و آن پسر دوازده ساله بر می قطب دو وزیر
 باشند پس بود ابو بکر رضی الله عنه عبد الملك و بود عمر رضی الله عنه
 عبد الرب در زمان رسول خدا صلی الله علیه و سلم تا آنکه وفات فرمود
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس نام نهاده شد ابو بکر رضی الله عنه
 مسی شد عمر رضی الله عنه عبد الملك و موسوم شد امام سیکه و ارث شده بود در
 مقام عمر رضی الله عنه و همیشه باشد این امر برین انتظام تا روز قیامت
 قتال ببحر العلوم ملک العلم اسند الفضل اعرف
 العرفا مولانا عبد العلی رحمة الله علیه فی
 حاشیته علی حاشیة السید الزاهد المعلقة علی
 رسالة التصویر والتصدیق و ذکر فی کتاب التجلیات
 من لقی منهم خليفة رسول الله صلی الله علیه و سلم
 امیر المؤمنین ابابکر الصدیق رضی الله عنه و امیر المؤمنین
 عمر رضی الله عنه و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه و ذکر

۳۴

اس
 صلب
 الفصوص
 و التوحید
 ۱۲

حكايات لطيفة وذكران امير المؤمنين علياً رضي الله عنه
 قال انت اخي قلت نعم فواخيه قلت اين ابوك قال امام
 قلت اسريد الحاق به حتى اسأله ما سألتك قال انظر
 في النور الابيض خلف سرادق الغيب فتركه وانصرف
 ودخلت في النور الابيض خلف سرادق الغيب
 فالتقيت ابا بكر بن الصديق رضى على راس الدرجة
 مستنداً ناظراً الى الغرب عليه حلة من الذهب
 الابهى له شعاع يأخذ الابصار قد اكتنفه النور
 ضارباً بذقنه نحو مقعده ساكتاً لا يتكلم ولا يحر
 كانه الميهوت فناديته بمرتبتين ليعرفني فاذا انت
 اعرف بي مني بنفسى فرفع رأسه الى قلت كيف الامر
 قال هوذا ينظر في قلت له اذ ليلاً قال كذا وكذا قال
 صدق علي وصدقنا وصدقنا انت قلت فيما افهم

ضارباً
 بذقنه
 نحو مقعده
 يقال فخر
 بغير
 كلام
 لا يتكلم

قال ما قال لك رسول الله صلى الله عليه وسلم قلت هو ممقأ
 قال هو مقامه صلى الله عليه وسلم قلت قد وهبه لك
 قال فقد هبته لك قلت هو بيدك قال خذ فخذ هبته
 لك الخ ترجمہ و ذکر کرد شیخ اکبر رضا در کتاب تجلیات آن کسان
 کہ ملاقات کرد از انہا کہ خلیفہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اندیسنے
 امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی و امیر المومنین عمر رضی و امیر المومنین علی
 و بیان کرد حکایات لطیف و ذکر کرد کہ امیر المومنین علی رضی اللہ عنہ فرمود
 کہ تو برادر منی گفتم بی پس مواخات کردم از وی رضی پر رسیدم کجا ست ابو بکر
 گفت پیش ازین ست گفتم کہ منیخا ہم لحوق را با وی تا کہ پرسم از وی انچه
 پرسیدم از تو گفت علی رضی کہ بین در نور ابیض پس پردہای غیب پس
 گذاشتم علی رضی را و برگشتم و داخل شدم در نور ابیض پس پردہای
 غیب پس دیدار کردم با بکر صدیق رضی را بر علی درجہ در حالیکہ تکیہ زدہ
 بینندہ بود بجانب مغرب بروی حلقہ بود از زیر پیش بہا فاخرہ کہ اورا شعا

بود که خیره میکرد و چشمان را بدرستی که محیط شد و او را رضای نور در حالیکه ترسان
 و ساکت بود که کلام نمیفروغ و حرکت نمینمود گویا که او را در مقام تحیر است
 پس اندا کردم او را رضای دوبار تا ثابت نماند مرا پس دفعه ظاهر شد که تحقیق او
 رضای من است و ما را از این نفس بپای برداشت سر خود را سوی من عرض کردم
 که حال چیست فرمود که آن خداوند تعالی که اینست می بیند در من گفتم
 از وی بدرستی که علی رضای فرمود چنین چنین فرمود رضای است گفت علی رضای
 گفتم من و راست گفتی تو پرسیدم پس چه کنم من فرمود آنچه فرمود ترا رسول الله
 صلی الله علیه و سلم گفتم که آن مقام خاص تست فرمود آن مقام آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم است گفتم که تحقیق عطا فرموده است آن مقام را بر
 خاص تو فرمود که حال تحقیق بخشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار تست فرمود
 بگیر آنرا پس بیشک بخشیدم من او را بتو و از امام اجل شیخ
ابونجیب سهروردی رح در آداب المریدین در
 مقام عقاید متصوفین بشنوا فضل البشر بعده ابو بکر رضای و غیره

این حدیث از ابونجیب سهروردی است که در آداب المریدین در مقام عقاید متصوفین
 نقل کرده است و در آنجا فرموده است که این مقام را بر خاص تو فرمود که حال تحقیق
 بخشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار تست فرمود و این حدیث از ابونجیب سهروردی است
 که در آداب المریدین در مقام عقاید متصوفین نقل کرده است و در آنجا فرموده است
 که این مقام را بر خاص تو فرمود که حال تحقیق بخشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار
 تست فرمود و این حدیث از ابونجیب سهروردی است که در آداب المریدین در مقام عقاید
 متصوفین نقل کرده است و در آنجا فرموده است که این مقام را بر خاص تو فرمود که حال
 تحقیق بخشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار تست فرمود

این حدیث از ابونجیب سهروردی است که در آداب المریدین در مقام عقاید متصوفین
 نقل کرده است و در آنجا فرموده است که این مقام را بر خاص تو فرمود که حال تحقیق
 بخشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار تست فرمود و این حدیث از ابونجیب سهروردی است
 که در آداب المریدین در مقام عقاید متصوفین نقل کرده است و در آنجا فرموده است
 که این مقام را بر خاص تو فرمود که حال تحقیق بخشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار
 تست فرمود

حضرت مخدوم جهان شیخ الزمان شیخ شرف الدین احمد مجتبیٰ امیر
 روح میفرماید بهترین آدمیان بعد پیغمبر علیه السلام ابو بکر صدیق رضت
 زیرا که پیغامبر فرموده است بر نیاید آفتاب و فرود تر نور و بعد از
 پیغامبر آن علیم السلام بر هیچ ذاتی بهتر از ابو بکر رضت و در خبر آمده است
 لم یفضل کما ابو بکر بکثرة صیام ولا صلوة انما فضلکم
 بشیء و قرنی صدره فاضل نشده است بر شما ابو بکر رضت بر بسیار
 صیام و ثبه بسیاری نماز بدستی و راستی که فاضل شده است
 بچیزیکه بزرگ گشته است در سینه او و آن تعظیم خداوند تعالی
 است الخ و معقول چنین گفته اند اول کسی که پیغامبر علیه السلام را
 تصدیق کرده است و بدو ایمان آورده ابو بکر صدیق بود رضی الله
 تعالی عنه پس سنت حسنه در عالم او نهاده است پس هر که تصدیق
 میکند پیغامبر علیه السلام را و ایمان بدو می آورد کار بر سنت و
 میکند پس آنچه مؤمنان را برین تصدیق و برین ایمان آوردن بدو

حضرت مخدوم جهان شیخ الزمان شیخ شرف الدین احمد مجتبیٰ امیر
 روح میفرماید بهترین آدمیان بعد پیغمبر علیه السلام ابو بکر صدیق رضت
 زیرا که پیغامبر فرموده است بر نیاید آفتاب و فرود تر نور و بعد از
 پیغامبر آن علیم السلام بر هیچ ذاتی بهتر از ابو بکر رضت و در خبر آمده است
 لم یفضل کما ابو بکر بکثرة صیام ولا صلوة انما فضلکم
 بشیء و قرنی صدره فاضل نشده است بر شما ابو بکر رضت بر بسیار
 صیام و ثبه بسیاری نماز بدستی و راستی که فاضل شده است
 بچیزیکه بزرگ گشته است در سینه او و آن تعظیم خداوند تعالی
 است الخ و معقول چنین گفته اند اول کسی که پیغامبر علیه السلام را
 تصدیق کرده است و بدو ایمان آورده ابو بکر صدیق بود رضی الله
 تعالی عنه پس سنت حسنه در عالم او نهاده است پس هر که تصدیق
 میکند پیغامبر علیه السلام را و ایمان بدو می آورد کار بر سنت و
 میکند پس آنچه مؤمنان را برین تصدیق و برین ایمان آوردن بدو

حضرت مخدوم جهان شیخ الزمان شیخ شرف الدین احمد مجتبیٰ امیر
 روح میفرماید بهترین آدمیان بعد پیغمبر علیه السلام ابو بکر صدیق رضت
 زیرا که پیغامبر فرموده است بر نیاید آفتاب و فرود تر نور و بعد از
 پیغامبر آن علیم السلام بر هیچ ذاتی بهتر از ابو بکر رضت و در خبر آمده است
 لم یفضل کما ابو بکر بکثرة صیام ولا صلوة انما فضلکم
 بشیء و قرنی صدره فاضل نشده است بر شما ابو بکر رضت بر بسیار
 صیام و ثبه بسیاری نماز بدستی و راستی که فاضل شده است
 بچیزیکه بزرگ گشته است در سینه او و آن تعظیم خداوند تعالی
 است الخ و معقول چنین گفته اند اول کسی که پیغامبر علیه السلام را
 تصدیق کرده است و بدو ایمان آورده ابو بکر صدیق بود رضی الله
 تعالی عنه پس سنت حسنه در عالم او نهاده است پس هر که تصدیق
 میکند پیغامبر علیه السلام را و ایمان بدو می آورد کار بر سنت و
 میکند پس آنچه مؤمنان را برین تصدیق و برین ایمان آوردن بدو

و اعطانی مثل ایمان کل من آمن به من ولد آدم یعنی فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم هر صدیق رضت را تحقیق

تنها اورا بدینند که این سنت و سنت پس ازینجا بر آئینه فضل بر همه
 بعد از انبیا و رسل علیم السلام اورا بود بر جمله امت انتهى ازینجا فضل
 بجمیع الوجوه صدیق رض را مستنبط میشود چه ثواب هر قسم فضائل
 که دیگران را بود جمله مجموعه صدیق اکبر رض را تنها بود و علاوه است از ان
 فضائل ذاتیه مخصوصه که بآنها حضرت صدیق رض ممتاز و متفرد است
 و ایضا قول هذا كما قال صاحب الاشیاء والنظار
 فی فضائل الامام الاعظم ابی حنیفه رحمه
 وهو كالصديق رضي الله عنه وله اجرة واجر من دون
 الفقه والفقه وفرع احكامه على اصوله الى يوم القيامة
 فقط ترجمه و نیز میگویم این چنانست که گفت صاحب اشیا
 و نظائر در فضائل امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله که اور رحمه الله تعالى
 مثل صدیق اکبر است رضی الله عنه و برای او اجر است و اجر آن
 کس که تدوین کرد فقه را و تالیف کرد او را و بر آورد احکام فقه را بر اصول

فضل ابی حنیفه
 و باطن این تقریر
 پیوسته است
 فی فضائل
 اکبر و علوم و دیگر
 فضائل حضرت
 صدیق اکبر رض
 از حضرت علی رضی
 الله عنه
 ترجمه
 از نظام الدین محمد
 خاکی
 کجا را از اشیا
 و نظائر
 با حقیقت
 و تدوین
 کما فی فضائل
 و در مقام تفصیل
 و در مقام تفصیل

و در مقام تفصیل
 و در مقام تفصیل
 و در مقام تفصیل
 و در مقام تفصیل

تار و زحشر انتی بر همین نسق حضرت شیخ الاسلام شیخ فرید گنج شکر
 در راحت القلوب در مجلس سیزدهم ماه ذیحجه شصت و شش
 صد و پنجاه و پنج هجریه میفرماید که مردم را بدید که درین چهار نذر
 بیخ شک نیارد تا مسلمان سنی باشد آما بالقطع و یقین بدانند و بدان
 اعتقاد کنند که مذہب امام عظم ابوحنیفه کوفی روح بر حق و از همه فاضلتر
 و دیگران پس روند مذہب اویند زیرا چه اول مذہبیکه در عالم بنا کرد
 امام عظم روح بود و الفضل للمتقدمین عند الله تعالی و مذہبیکه
 ما داریم مذہب ابوحنیفه کوفی است رحمة الله علیه اقول مذہب امام
 ابوحنیفه روح و اعتقادش در فقه اکبر که تصنیف اوست رضی الله عنه
 نیست افضل الناس بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم
 ابو بکر الصدیق ثم عمر بن الخطاب ثم عثمان بن عفان
 ثم علي بن ابي طالب رضي الله تعالى عنهم اجمعين
 افضلترین مردمان بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم ابو بکر صدیق است

سلسله عالیہ اوتو باحضرت علی مرتضیٰ میسر جہان انوارہ فرمودہ
بہتر از علی بن ابی طالب و پیچیدہ تر غوث الثقلین و حضرت شیخ الشیخ
سلطان الاولیا نظام الدین اولیا و دیگر ائمہ طریقت کہ سلسلہ جلیلہ
این اولیای کبار بحضرت امام متقین علی مرتضیٰ زین العابدین است ہمہ حق
بین و متفق و حق پسند و متفق درین عقیدہ اند باز حضرت محی و الملک
در بیان شرح آداب المریدین میفرماید بر کسی ازین بی دیگر محال
بودہ ظاهر فی باطن تفاوت بود و باطن بی ظاہر زندہ بود و ظاہر شریعت
بی باطن نقص در باطن بی ظاہر عیسیٰ اتمی پس بگوید نہ انکار در مرتب
باطنی و اقرار در مرتب ظاہری نہ حضرت از اصحاب کبار رضی اللہ عنہما
بہر حق آید نہ بہ این مگر کہ درین سہ صاحب کبار رضی اللہ عنہما
ذات کتب و سخنت محی و جمہان در بیان شرح میفرماید فی
ذکر آداب فی حال ابدیۃ قوائمه قال علیہ السلام ہوا
ایمان ای بگو مع ایمان امتی اهل الارض لوجہ و قال ۱۱ لیسلا

ما فاق ابو بکر بکثرة العملوة والصيام لکن بشیء وقع فی قلبه
 خدمت شیخ رحمۃ اللہ علیہ دلیل می آرد این خبر را بدانکہ عمل بحركات دل
 برترست از اعمال بحركات جوارح زیرا کہ حضرت رسالت صلی اللہ علیہ
 وسلم فرمودہ است اگر وزن کردہ شود ایمان ابی بکر با ایمان اہل بیت
 زمین بر آئینہ ایمان ابی بکر بر ایمان ہمہ راجع آید و دلیل دیگر مے آرد
 پیغمبر علیہ السلام گفتہ است برتر نشد ابو بکر بپاری نماز و روزه و
 لیکن برتر شد بچیزیکہ آن بزرگ شدہ است و گران گشتہ است در دل
 موی پس ثابت شد کہ عمل بحركات قلوب برترست از عمل بحركات جوارح
 و اگر نہ در عمل جوارح ہمہ اصحاب پیغمبر علیہ السلام برابر بودند اند چنانکہ
 ابو بکر را بود دیگران را بچنان بود قوی لہ و لہذا اظہر من حالہ بعد
 وفات رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ما اظہر من حالہ بعد
 غیرہ حین صعد المنبر فحمد اللہ واثینہ علیہ ثم قال من کان منکم
 یعبد محمدًا فان محمدًا قد مات ومن کان یعبد رب محمدًا فان

الله حي لا يموت واین تائید است که خدمت شیعی می آید بر آنکه فوقیت ابو بکر
 بر همه خلق بدان بود که ساکن شده بود در دل وی تنهائی که ظاهر شد از
 حال وی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلم آنچه ظاهر شد از حال دیگر
 از صحابه رضی الله عنهم تا آنکه گویند آن روزی و سه هزار صحابه بوده اند آنگاه
 که ابو بکر صدیق رضی الله عنه بر منبر برآمد پس خداوند تعالی را حمد گفت و
 بروی شاکر دلپس گفت هر که از شما می پرستید محمد را پس بدرستی و راستی
 که محمد مرد و هر که از شما می پرستید خداوند محمد را پس بدرستی و راستی که
 پروردگار محمد زنده است که برگزیده و بزرگان اینجا میگویند که داند آن
 صدیق رضی الله عنه دیده بود تا ستروی چنان مشغول آن بود که هیچ چیز ویرا
 جای نبردی فشتان بدین التوقیدین پس بدین وجه فرق بود در میان
 دو تعظیم کی تعظیم است که او را از جای می برد فوت دوستی یا فرزند مذبح
 و یکی تعظیمی است که او را آنچه مانند فوت سید هر دو جهان اما اگر کسی کوتاهی
 بگوید ظاهر این لفظ فسطر کند گمان برود که استصغار شرح است و نه چنین است

فضل خلق
 بر همه
 خداوند
 خود
 اهل سنت
 آنست که
 بر او
 عظمی
 چنان
 علی رضی الله عنه
 فسطر کند گمان
 برود که استصغار
 شرح است و نه چنین است

کہ قدر و خطر خلق با صاف قدر حق ہمہ خودست در تحقیق اقوال حضرت
 مولانا روم قدس سرہ در مثنوی شریف در دفتر ششم
 در معنی حدیث معاقل قبل ان تموتوا سے فرماید
 مصطفیٰ زین گفت کای اسرار جو + مردہ را خواہی کہ بینی زندہ تو +
 میر و چون زندگان برخاکدان + مردہ و جاناش شدہ ہر آسمان +
 بہ کہ خواہد کو بہ بیند بر زمین + مردہ کو مسیہ و دغا بین +
 سرا جو بکشت کہو بہ بین + شد ز صدیقی امیر اصواتین +
 اندرین نشاۃ نگر صدیقی را + تا بحشر افزون کنی تصدیق را +
 ایضا و دفتر ایضاً در قصہ بلال رضی فرماید + پنچہ اندم از لب صدیق
 جست + گر گویم کم کنی تو پا و دست + آن ینایع الحکم همچون فرات +
 از دمان اوروان از جہات + بجواز سنگی کہ آبی شد روان + نے
 ز پہلو مایہ دارد نو میان + اسیر خود کرد و حق آن سنگ را نہ کشادہ
 آپ مینارنگ را + همچنان کہ چشمہ چشم تو نور + اوروان کردست بی محفل و فخر +

۵۳
 این حدیث
 در دفتر ششم
 مثنوی شریف
 مولانا روم
 قدس سرہ

فی زبیه آن مایه وارد فی زبوست چو روشی پوششی کرده و زیجا دوست
باز حضرت محمد دوم جهان در میان شرح میفرماید قوله
وقاتل اهل الردة حتى حفظ الاسلام و کارزار کرد ابو بکر
صدیق برغ با اهل ردت تا نگاهداشت بدان کارزار کردن اسلام را
و این دیگر نمایند که خدمت شیخ رحمت الله علیه آورده است که از
امیرالمؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه در حدیثی است که روایت
باز اهل ردت بعد از نقل این حدیث است که بعد از آنکه حضرت
صدیق اکبر رضی الله عنه در مسجد و راه رسید فاصلة بين الساجدة كانت
بیشتر آمد چنین چند بار گفت بیشتر می باشد و بیشتر است آنرا از آن
صدیق از انوی سید عالم علیه السلام برآمد از عربی ریافت
و گفت یا رسول الله صدیق رضی الله عنه میفرماید بدان آنکه چو سحر
وینا پریشان داد و چهل هزار آتش کار داد اگر باین بیشتر وینا برتریم
بدین محل رسید سید عالم علیه السلام میفرماید که اگر

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

دو بشتاد و دهم سیم سید عالم علیه السلام گفت نه اگر ده بشتاد و یک
باین محل نرسیده اعلیٰ گفت چرا خیر محمل او که بزرگ است نه بران
اینار مال است بلکه محمل او بخیر نیست و قری فی قلبه و آن غلظت و حلال
^{بیخیزند از روی زمین الله عنه}
خداوندست که در ستروئی پدید آمده است معلوم شد که اورا محمل
خاص بود که دیگر انرا نبود رضی الله عنه انتهى باز همین شیخ الاسلام
مخدوم جهان در مکتوبات است و هشت که در فاضل
حل مشککات و معاملات حضرت مخدوم مناظر بلخی است و اطهار آن
نکاتیست را منع فرمود که موجب افشای سرربوبیت است این حد
نوشته در مکتوب و مجامع یغضر بو بکه بکثرة صلوة ولا کثرة
صوم اما فضل بشی و قر فی صدره هر چه بوبکر نه را بود ازین
بود و بعده در اینجا میفرماید آنگاه نوشته بود در باب شانۀ سرچ که در مکتوب
باید خواند همه در شانۀ فروخواندم گوئی این شانۀ در پیش ولی من
چیزی بیان میکند نشانهای مخدوم آنچه نشانها بمن میرسد

۱۵
 انصافیت مطلقہ
 خصوصیت مطلقہ
 ۱۶
 ہندو مت
 ۱۷
 ہندو مت
 ۱۸
 ہندو مت
 ۱۹
 ہندو مت
 ۲۰
 ہندو مت
 ۲۱
 ہندو مت
 ۲۲
 ہندو مت
 ۲۳
 ہندو مت
 ۲۴
 ہندو مت
 ۲۵
 ہندو مت
 ۲۶
 ہندو مت
 ۲۷
 ہندو مت
 ۲۸
 ہندو مت
 ۲۹
 ہندو مت
 ۳۰
 ہندو مت
 ۳۱
 ہندو مت
 ۳۲
 ہندو مت
 ۳۳
 ہندو مت
 ۳۴
 ہندو مت
 ۳۵
 ہندو مت
 ۳۶
 ہندو مت
 ۳۷
 ہندو مت
 ۳۸
 ہندو مت
 ۳۹
 ہندو مت
 ۴۰
 ہندو مت
 ۴۱
 ہندو مت
 ۴۲
 ہندو مت
 ۴۳
 ہندو مت
 ۴۴
 ہندو مت
 ۴۵
 ہندو مت
 ۴۶
 ہندو مت
 ۴۷
 ہندو مت
 ۴۸
 ہندو مت
 ۴۹
 ہندو مت
 ۵۰
 ہندو مت
 ۵۱
 ہندو مت
 ۵۲
 ہندو مت
 ۵۳
 ہندو مت
 ۵۴
 ہندو مت
 ۵۵
 ہندو مت
 ۵۶
 ہندو مت
 ۵۷
 ہندو مت
 ۵۸
 ہندو مت
 ۵۹
 ہندو مت
 ۶۰
 ہندو مت
 ۶۱
 ہندو مت
 ۶۲
 ہندو مت
 ۶۳
 ہندو مت
 ۶۴
 ہندو مت
 ۶۵
 ہندو مت
 ۶۶
 ہندو مت
 ۶۷
 ہندو مت
 ۶۸
 ہندو مت
 ۶۹
 ہندو مت
 ۷۰
 ہندو مت
 ۷۱
 ہندو مت
 ۷۲
 ہندو مت
 ۷۳
 ہندو مت
 ۷۴
 ہندو مت
 ۷۵
 ہندو مت
 ۷۶
 ہندو مت
 ۷۷
 ہندو مت
 ۷۸
 ہندو مت
 ۷۹
 ہندو مت
 ۸۰
 ہندو مت
 ۸۱
 ہندو مت
 ۸۲
 ہندو مت
 ۸۳
 ہندو مت
 ۸۴
 ہندو مت
 ۸۵
 ہندو مت
 ۸۶
 ہندو مت
 ۸۷
 ہندو مت
 ۸۸
 ہندو مت
 ۸۹
 ہندو مت
 ۹۰
 ہندو مت
 ۹۱
 ہندو مت
 ۹۲
 ہندو مت
 ۹۳
 ہندو مت
 ۹۴
 ہندو مت
 ۹۵
 ہندو مت
 ۹۶
 ہندو مت
 ۹۷
 ہندو مت
 ۹۸
 ہندو مت
 ۹۹
 ہندو مت
 ۱۰۰
 ہندو مت

اراکین و ارباب دولت و علم و ادب
 و در مقامات و کسب و تجارت
 از خود و صدای و خبر
 فاضل و زانیا
 محمد علی مستطیع
 ابو کبر صدیق علی
 الله عز و ارحم
 مستطیع و مستطیع
 نقالی

فصل اول در بیان احوال و حال

مخبروم جهان در مکتوب ہفتاد و چہارم میفرماید صدیق

آنکه بر خا آن در باب ادب که حدود بست و چهار هزار و چندین نامبر آمدند

و رفتند بیخس رام میی چون صدیق راضی بود و نیز حضرت مخی و موم حبا

در فوائد راضی میفرماید پیر چون محمد مصطفی علیه السلام باید که تا بگوید

معصی اللہ تبارک و تعالیٰ لاؤقد صحبت فی صدر ای نبی
محمد بنیوت مومنین

از جمله ریح حادی معالی پیریز در سینه من من تحقیق بر یک در یک

نهی مرید و زی پیر تا عالم بود مرگ نه جنین پیر دیده بود و نه جنین مرید

شنبه انتہی تویر جھپٹ جاہٹ آسٹیل برتریب خلافت درملنوطا

و بلند و دیگر کتب و ایامین مخدوم جهان موجود است و در شرح تعرف

نیز: مثال این حدیث موجود است فی فضل بوبکر بکثرت صیام و

لا صوة لنا قصدكم بشي وقر في صدره ای عظمی

صدره انتهى وبنبرور راج النبوة شيخ عبدالحق محدث

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و بلوئی چند جا این شهر و حدیث بعینه و در بعضی جا معاضدین آورده
قلب اوقت حضرت شیخ عبد القدوس گنگوهری قدس سره در کتب
چهل و نهم از مکتوبات قدوسی میفرماید در خدمت کفش صدق
باید شد و گفتوآمعه الصادقین و فرانت و حکمت را این نشان ست
که در حضرت سلطان بی احانت خواصان بی مصاحبت ایشان
بار دشوار ست اگر چه کردار و حسن هزار ست و آن صدیق رضی الله
عنه درین عهد مصطفی صلی الله علیه سلم بعد از متابعان اویندا رخ
و در مکتوب هشتم و سوم میفرماید صدیق اکبر رضایا غار
بود کمال و جمال او این مقدار بود که هیچکس از اولیای اولین و
آخرین بر تبه او نمیرسد از رخ و در مکتوب هشتم و چهارم میفرماید
نشسته بودند که گاه گاهی بنده صورت خود را طریق صورت حضرت
پیر دستگیر می بیند ای برادر این دولت مفتاح کنوز تجلیات
احدیت و انوار صمدیت ست درین مقام صدیق اکبر رضایان

بمذرفت که دست هیچ ولی از ابتدای عالم تا انتها گرد و این اعلائی
نگشت صورت او بصورت محمد صلعم در صحرائی دل پدید گشت که
شعشع و قرنی قلبه اشارت بدانست لوگنت متخذ اخلیلاً
لا تخذلت اباً بکر خلیلاً بیان آنست که وی از صورت خود
بر گذشته بود بصورت پسر خود خود را نموده بود و با پسر خود یکی گشته
محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم در قاف قوسین او ادا نه
و با وی بیک صورت و بیک معنی لاجرم اتحاد غلت بصورت حات
یا مدنه در معنی بر و بیک معنی آمد فکفی خلة الله محمد صلی الله
عنه و سلم و ابو بکر هو لا هو الا هو فهو هو فذلک المعنی
ایستاد فی الشیخ و البقاء به ای برادر این دولت بکمال سعادت
ربند قلب باشیخ بود که هر چند خود را بگوید شیخ را بیا بد تا بجای رسد
که خود را علی بن ابی طالب بداند و در مکتوب خود و سوم میفرماید هر چه
از حق تعالی آید و در دنفرق جمال ایشان کردند که ما صلی الله علیه و آله

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فی صد ساری الا وقد صیبتہ فی صد ساری بکرا منخو و در مکتوب
 صد و پنجم میفرماید حضرت صدیق اکبر رضه قدم کمال رسانید و در
 غار یار غار شد و گفت من خدای تعالی را در میان محمد مصطفی
 صلی اللہ علیہ وسلم دیدم سبحان اللہ قدر پریشان مریدان چه دانند که گفته
 بر که ایشانرا شناخت خدای تعالی را یافت و هر که خدای تعالی را
 یافت ایشانرا شناخت الخ و نیز در همین مکتوب میفرماید فقرای
 اہل صفہ را معلوم است کہ چنان برایشان فقر بود و ابو بکر و علی
 رضی اللہ عنہما را بر فقر داشتہ و عثمان و عبد الرحمن بن عوف را
 بخنا و یسر گماشتہ چون بفرمان پیروی هیچ زیان نداشت و هیچ نقصان
 نمی یافت بلکہ ہمہ کمال بر کمال بود و ہمہ جمال بر جمال و افزود الخ
 و نیز در همین مکتوب میفرماید غیر صحابی اگر چه در مرتبہ رفیع رسد و صاحب
 ولایت و صاحب تصرف و عطا گردد بمرتبہ صحابہ کرام رضی اللہ عنہم
 نرسد کہ فضل صحبت فضل کلی است و آن فضل جزئی و فضل جزئی

بافضل کلی برابر بنور اینجاست که صدیق اکبر را بر جمله اولیای عالم
 فضل بزرگتر بدو است آنها فضل صحبت یافت ما صلی الله علیه و آله
 فی صدر ری که لا و قد صحبت فی صدر ای بکر شافیه الخ
 و در مکتوب **موسی و چهارم** میفرماید مع ذلك تنزی از
 ضلالت بر اعتقاد این شرط راه مردان خدا و اهل حق است و سن
 علامه است: **لجماعة فضل الشيخين وحب المختلين** فمن
 نزل على شيخين فشيئا كان او عبدنيك و كان او عبد
 نوح من اهل حضرة و انما خرج من اهل الهداية و اصغر
 العصيان الذي مرث سلب الايد و عيب دابة من ذلك
 فاین مقدمه و انکار خبره در مکتوب **صد و شصت و هجتم**
 میفرماید و حقیر را به صاحب فضل دهد و آن را فضیلت است
 تسبیح بر بزرگوار بر بند بر و برای مسیح کند و آن شیعه است الخ
 در فقه اجماعی و شیعه نیز از تمهید گفته علمای سنت و جماعت گفته اند

حضرت امیر خیر و علیه الرحمه است میفرماید در بیان آنکه امیر المؤمنین
 ابو بکر صدیق رضی الله عنه را صدیق از آنجا گویند بر لفظ مبارک اند که فاضلترین جمله یا
 پیغمبر بود و نیز چون رسول علیه السلام از معراج بازگشت هر چه فرمود
 تصدیق نمود و استوار داشت و نیز صدق او بسیار بود بعد از آن
 فرمود که چون رسول علیه السلام بدولت رسالت مشرف گشت
 اول کسی که پیش آمد ابو بکر رضی الله عنه بر مالت رسول صلی الله علیه
 و سلم تصدیق آورد و بیک سخن ایمان آورد و گفتگو نیفتاد و نام
 امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه بر قرص آفتاب نبشته اند از آنکه
 آفتاب بر بام کعبه می رسد از آنجا نمیگذرد چنانچه فرشتگان بنا
 امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه سوگند میدهند که آفتاب از آنجا نمیگذرد
 انشی بلخصاً و در فوائدها و الفوائد همین سلطان الاولیاء میفرماید
 در مجلس روز یکشنبه است یکم ذیحجه ششم به قصد و هشت حجرت
 جبرئیل علیه السلام حضرت رسالت آمد صلی الله علیه و سلم کلیم پوشید

و سخنی بران زده رسول علیه السلام و التیحه پرسید که این چه لباس است
 جبرئیل علیه السلام گفت یا رسول الله امروز جمله ملائکه را فرمان شده است
 که برهوافتند ابو بکر صدیق رضی الله عنه پوشید و بنجه بران زنند از منی در
 رشحات که ملفوظ حضرت خواجہ محمد بن عبدالحق است قدس سره
 سره در مقصد دوم در فصل اول در ششمین پیچید پیچید که در معنی حدیث
 لیوم تسد کل فرجة الخ میفرمودند مسجد کیه حضرت نبی صلی الله
 علیه وسلم در آن نماز میگزاردند چندین درواشت آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم در مرض اخیر فرمودند تا اکثر فرجها را بستند و آن در که برخانه
 حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه بود باز گذاشتند پس فرمودند الیوم تسد
 کل فرجة الا فرجة ابی بکر رضی الله عنه آری اب تحقیق درین باب
 نسخ دارند و آن اینست که حضرت صدیق رضی الله عنه را کمال نسبتی
 بحضرت رسول صلی الله علیه وسلم ثابت بود آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم درین حدیث اشارت بآن معنی کردند که همه نسبتها و طریقها در

نسبت جمعی سه دوست را آنکه موصل به موصل مقصود است جز این
نسبت نمی نیست و رابطه جبارت از بن نسبت جمعی است بصاحب^{لته}
آن اعتقاد و واسطی را این باشد و رتبه خواجگان قدس السلام
که بمحضرت صدیق اکبر رسیده است از نسبت این نسبت جمعی است
و بعد از آن نیز بن حقیقت آمده بدین نسبت حقیقت است و قیاس
ایمان تحصیل این نسبت جمعی را باین خوانند که همیشه
هم در پیچ و منی یوسف پارس و زر سگانش فرستاده از کربلا
پنجین پنج عباد حق است و در این نسبت جمعی در جلد
اول در وصل بیان وقار آنحضرت صلی الله علیه و سلم شده و در کتاب
دیگر آمده است که ابو بکر رضی الله عنه در پیش آنحضرت صلی الله علیه
سنگریزه در دهن گرفته نشسته تا دم نتواند زد و سخن کرد و نظر
بر حجاب آنحضرت صلی الله علیه و سلم دوخته رابطه محبت را نگاه میداشت
و نیز در وقایع سال نهم از هجرت مثل این آورده در مقامات حضرت

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تأليف: محمد باقر خاوری
موضوع: فقه و حقوق

مرزا جاجانان قدس سره در بیان استفاده حضرت ایشان از
حضرت شیخ محمد عابد رحمه الله علیه نوشته ضمنیت کبری که مقام
بس عالی و مخصوص بحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه چنانچه این حدیث
شریف ماصح الله فی صدری شیئا الا صلبته فی صدری بکبر
شعر نمینست الخ ایضا در مکتوب نور و هم در بیان خلفا بدانند که
لفظ خلافت اعم است از آنکه ظاهری باشد یا باطنی و خلفای آنحضرت
بسیارند که جامع خلافتین باشند الخ در مثنوی شریف مولانا
جلال الدین رومی قدس الله سره هم چندین حکایات و احادیث
رضی الله عنهم مشتمل بر احوال و مقامات و قوت باطنی و شیخی ایشان دارد
که احصای آن دشوار است اما چند اشعار از دفتر اول مقام تفسیر جعنا
من جمیع الاصفیاء الی جهاد الاکابر از حکایت آمدن سید

آبِ حَرِّ رُومِ نَزْدِ عَمْرِؤَ بَرِ سَالَتِ بِرِ حَنِيمِ

معنی التکرار و تکرار گوشت کن

است و اما این که در بعضی از نسخه ها آمده است که در بعضی از نسخه ها آمده است که در بعضی از نسخه ها آمده است

کاشچنین مردے بود اندر جهان
 دید اعرابے زنی اوراد خیل
 زیر خرابان ز خلقان او جدا
 آمد آنجا و از دور ایستاد
 بیست و زان خفته آما بر رسول
 بی صلح این مرد خفته بر زمین
 بیست حق است این از خلق نیست
 بر سر رسید از حق و تقوی گزید
 اندرین قدرت بحمت دست
 سر و خدمت مرعرا و سلام
 پس علیکش گفت و او را پیش خواند
 خاندان را بشمار باد کرد
 پانزده و شصت و شصت و شصت و شصت

و ز جهان مانند جان باشد نهان
 گفت عمر تک بزیرون کنین
 زیر سایه خفته بین سایه خدا
 مرغی را دید و در زیره دست
 ادالتی بخوش کرد بر چرخ
 امن بدست نداشتند هیچ
 بسیدت آن مرد صاحب دین نیست
 سر سازد می بن واسر نه بر گزید
 بعد یک ساعت عمر از باستانست
 گشت پیغمبر سلام انگه کلام
 اینش کرد و نرو خود نشاند
 آن دل از جان رفته را دشا کرد
 در صفاتی پاک حق غم از رفتن

استیاب از دست بیکر بوزر
حالی و منیر و یحیی و لایق
و محمد و قتیبه و حسن
و عزیز و علی و عسکری
و زمران و حسین
مستور و علی و لایق
و محمد و حسن و یحیی
و زمران و لایق

۶۵
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

حال و قتالی از و رای مال و قال	غرقه گشته در جمال ذوالجلال
غرقی که غلاصه باشدش	یا بجز دریا کس بشناشدش

انج علان ازین اسناد منقول بسیار اسناد دیگر درین مثنوی شریف
 و کتب و ملفوظات اولیاء اللہ تعالی موجودست که بنحون طوالت نتوان
 و ملالت علما مندرج نکردم و برقرار که نوشته شد برای تشنگان
 بدایت و سالکان طریقه اولیای سنت و جماعت کافی و وافیست
 و با اینهمه قاعده کلیه که شفق علیہ تمامہ شاخ و برای بگنان عصا
 بدایتست از ملفوظات شیخ الاسلام حضرت فرید گنج شکر جمع کرده
 شیخ المشائخ حضرت نظام الدین اولیا قدس سرها و سب
 بر راحت القلوبست و در مجلس نهم ماه شعبان ۱۰۵۶
 شش صد و پنجاه و پنج نوشته است مینویسم که فرمود هر که از مرید
 و شیخ بر قانون مذیب اہل سنت و جماعت نباشد و حکایت او با حق
 کتاب اللہ و سنت رسول اللہ نباشد او در معنی یکے از راه زنانست

[illegible]

الحج و جفرت مولانا روم قدس سره در مشنوی شریف بقصه

من غزو مرج با صیاد و در حدیث کلام هبانیة فی الاسلام سیف مایه

آنکه منت با هراعت ترک کرد

فیق
اور وہ لے کر فتنہ مضمر

پس از آنکه باینکه چون در این کتاب

راوست باجماعت بیرون
اسپ بااسیان یقین کو مسترد

تیس میری مقام و نشان پنج مقصود و مہیو در مذہب اہل سنت و

الجماعة ودر کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و انهم

سرطان بنی رستمی نزد رسول خدا در کعبه آن سحر و آسان شد که

درست عقیده است. میثداونه میثده میثده از خدا اگر بر صد ادا

[illegible]

لا ینجی احد من قومہ الا بعد ما یتب علیہ تحقیق یمیز انہما در

مکتبہ اسلامیہ

قصه همان که بر سبزه ریخت چون خللات یافت بشناید

بعد از آن برجی خطبه آن نمود تا به قرب عصر لب خاموش بود

نہایت کا شوق ہے

قد أسلم قوماً من بني النضير إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم فأسلمهم

[illegible][illegible]

نمبر ہنی کس کہ گوید میں بخوان
ہیبتی بنشستہ بدر خاصہ عالم
ہر کہ دنیا ناطق را آن نور بود
تا ز گرمی فہم کردے آن ضریر
لیک این گرمی کشاید دیدہ را
کور چون شد گرم از نور قدم
این نصیب کور باشد از آفتاب
وانکہ او این نور را بعین بود

یابرون آید ز مسجد آن زمان
پیشدہ از نوریزدان صحن و نام
کور را زان تاب ہم گرمے فرود
کہ برآمد آفتاب بس خیر
تا بہ بعیند عین ہر شنیدہ را
از فرج گوید کہ من بینا شدم
صد خن و اللہ اعلم بالصواب
شرح او کے کار بوسینا بود

و حضرت شیخ محمد الدین بن عربی در فتوحات مکی
در باب ثامن و در بعون در معرفت مقام فراست می فرماید
کما اتفق لعثمان رضي الله عنه ذلك انه دخل عليه رجل فمناه
ما وقعت عينه عليه قال يا سبحان الله ما بال رجل لا
يفضون ابصارهم عن محارم الله وكان ذلك الرجل

نہرونی کس اگر کویدین بخوان
 بیستی نیست بد بر خاص عالم
 ہر کہ بنیاناظر آن نور بود
 تا ز گریه فہم کردے آن ضرر
 لیک این گریه کشاید دیدہ را
 کور چون شد گرم از نور قدم
 این نصیب کور باشد ز آفتاب
 دانکہ او این نور را بعین بود

یابرون آید ز مسجد آن زمان
 پر شدہ از نوریزدان صحن و مام
 کور را زان تاب ہم گریے فرو
 تا بہ بید عین ہر روشنی را
 از فرج گوید کہ من بینا شدم
 صد چنین والدہ اعلم بالاصواب
 شرح او کے کار بوسینا بود

و حضرت شیخ محی الدین بن عربی در فتوحات مکی
 در باب ثامن و اربعون در معرفت مقام فرستے فرماید
 کما اتفق لعثمان رضي الله عنه ذلك انه دخل عليه رجل فعنده
 ما وقعت عينه عليه قال يا سبحان الله ما بال رجال لا
 يعضون ابصارهم عن محارم الله وكان ذلك الرجل

قد ارسل نظره فيما لا يحل له أما في نظرة الى عوارة
 انسان او نظره في تعرب بيت مسكون وما اشبه ذلك
 فقال له الرجل أوجي بعذر رسول الله صلى الله عليه
 وسلم فقال لا ولكن افراسة الم تسع قول رسول الله صلى الله
 عليه وسلم اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله الخ
 ترجمه چنانچه اتفاق افتاد عثمان راضی الله عنه و این چنانست که آمد
 نزد او رض مدی پس و قبیله افتاد نظر او بر آن شخص گفت عثمان یا سبحان
 الله چه حال است آن مردان را که پوشند چشمهای خود را از محارم خدای
 تعالی و بود این مرد که تحقیق نظر کرده بود در آن که حلال نبود او را یاد در نظر
 کردنش بسوی ستر انسانی یا در دیدنش اندرون خانه مسکون کسی
 و آنچه مشابه باشد این را پس گفت آن مرد عثمان راضی آید و چي کرده شد
 بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم پس گفت عثمان رض که نمی آید و لیکن
 این فرست است آیا نشنیده قول رسول الله صلى الله عليه وسلم پیریز

از فراست مومن که تحقیق می بیند مومن از نور خدا است
 و حضرت مخدوم جهان در مکتوبات صد در مکتوب
 هر مقام و بهشت میفرماید نقل است چون اهل بهشت در
 بهشت فرود آیند بحور و قصور و بشارت ظهور فرارگیرند ناگاه برقه
 بتابد جمله اهل بهشت چنان سنور گردند که همه در سجده افتند و گویند
 أَجَبْنَا رَأَيْتُ طَاعَ عَلَيْنَا + خداوند ما را تعجب کرده است گویند هیات
 نه چنین است که امیر المؤمنین عثمان از حجه مجزه نقل فرموده است
 گوشه ردای او بود که بتافت انتی احوال دلالت و قطبیت این جهان
 تلاشه رن و کرامات و خرق عادات ایشان بسیارست درین فتوی چگونگی
 در کتب و ملفوظات اولیا الله و از الله الخفا عن خلافة الخلفاء
 ملاحظه فرمایند وقت کاتب این اوراق از احصای آن قانمست +
 علی الخصوص درین علامت فقرس که اینقدر هم بدشواری من انجام
 یافت و از آنجا که مستفتی را از افضلیت باطن و ولایت این خلفاء

ثلاثه ۳۰ استفسارست که انداز تقریر فیض تخریر حضرت اولیاء اللہ تعالیٰ
 بیشتر سندا آورده شد و اللہ الهادی لے سواء السبیل و
 الصلوٰۃ والسلام علی حبیبہ الحمید الجمیل و علی آلہ و
 اصحابہ الافاضل العرفاء و علی اہلبیتہ و انزلواہ
 العظماء الاتقیاء فقط

کاتب ہذا الاوراق المفتقر علی الاطلاق
 الی اللہ الغنی العزیز الخلاق **سید علی اعظم**
 عفا عنہ اللہ الاکرم الحسینی الحنفی القادری
 النعمتی الغلواری لعظیم آبادی الیہا رسی

صحیح الجواب از علمای چلواری و نواح آن

منعم و مکرم انجی مولوی سید علی اعظم صاحب دام مجدکم
 از تقریر تقریر محمد منی حبیب بعد تحیت و تسلیم آنکے جواب استفتار
 دیدیم ہمیں پسندیدیم و موافق عقائد اہل سنت و الجماعہ فی اعتماد و فی اعتبار

الحبيب مصيب والحوار صوب
جنتی ہے۔ اور جو شخص اس کو پڑھ کر
جنتی ہو گا۔ اور جو شخص اس کو پڑھ کر

الرحیٰ بشفاعة النبی
محمد وصى احمد نعمتی قلوبی
انعمه الله بنعمته ۵۵

وصی احمد نعمتی پہلواروی
نعمه الله بنعمته

عليه مشائخنا سيد محمد وجیه
رضوی قلوبا روى

سید
الذین

أجواب صواب

محمد
بدر الدین
مہلواروی

أجواب خواجہ الامام الصالحی بن علیہ السلام
رضی اللہ عنہ

صدق احمد قادری
غوث پوری پہلواروی
عفا اللہ عنہ

مریت الفتویٰ فوجدت قریباتی
مصابقاً بالکتاب وموافقاً
لمذهب اهل السنة والجماعة
وعقائد الصوفیة رضوان الله
عليهم اجمعین وعليہ اسرافنا

ولسم
سید
محمد و جید الحق
قد درت

أجواب اصواتی شهد بذلك السنة والکتاب

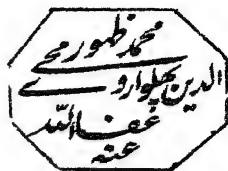
العبد المذنب الی رحمة ربه

السجدة أن السید ابونعمان

محمد
عبد الرحمن
انقلوا روى

عليه اجماع اهل السنة والجماعة
ويعيد الله على الجماعة من شدة

شد في الناس



ما احسن هذا الجواب لموافق

المعنى والكتاب ومن انكر ذلك

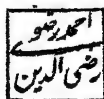
فليتبوأ مقعده من النار يوم الحساب

محمد تقي حسن الحسيني

الغلواري عفا عنه الدياري

تفصيلت خلفاى راشدين على ترتيب

الخلافه حتى وصل من هبل سنت والجماعة



رضى الدين احمد رضا عفا الله عنه

تفضيل الخلفاء الراشدين على

ترتيب الخلافة حق وعليه علماء

اهل السنة والجماعة ومن فضل

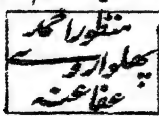
عليهم كرم الله وجهه عليهم

فهو البتة مبتدع كما قال في

الاشباه والنظائر

وان فضل عليا رضي الله عنه

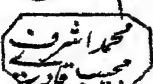
عليهما فمبتدع كذا في الخلافة



هكذا ثبت بالكتاب السنة والجماعة

الاصحاب والائمة ومن سلك على غير

اجماعهم فهو ضال مضل الجيب



تظرت وامعنت في تقرير الجواب فوجدت كله على الحق والصواب كما يشهد عليه السنة والكتاب لا بد لأهل السنة والجماعة أن يعتقدوا بفضلية الخلفاء الراشدين على ترتيب الخلافة لأنه أسن خير القرون على هذه

محمد بن عيسى
المدني

العقيدة فمخالفته بدعة وضلالة

لله در الحبيب من اجاب فقوا صواب الحق يعلموا ولا يجعل

ابوالمجاد شجر صفة الله
قادر على كل شيء

٨

لا ريب لأمرين ان فضل الصحابة على ترتيب الخلافة

محمد بن
عيسى

عند علماء أهل السنة والجماعة حق

تظرت ورأيت السؤال والجواب فوجدت حق واكمل بالصواب

لا ريب في تفضيل الخلفاء الراشدين على سبيل الترتيب

واسم فقيه محمد
حسن قادري

تفصيل الشيخين والخبثين

من عند أهل السنة والجماعة

وعليه مشأنا خري لله تعا

عنه

محمد يحيى

محمد يحيى

من اجاب بداب الكتاب

فاصد بجد الشواب

شاه محمد

والله لله الوهاب جرم اجاب الضوا

شهاب الدين احمد الصديقي

الشيخ النمسو المحمود

قد ارشدنا الاديب الذي

جأب طريق الحق والصواب

فطوبى لمن اهتدى وبشرى

لمن اقتدى وثبت لاهل الانفس

والاهواء وويل لاصحاب

الغواية والاعواء

٢٨٣

محمد قصود على النمسو الفلواو

ولما انحنى مذبحا عفا الله عنه

الجبب الذي اعل على اعداء

اعظم الله عظمتة وانعم عليه

نعمته ما طبق الاهري لسنة

والكتاب وما اوفق بقول

الشارح ولا قطاب فمما انفردت من اجاب هذه المسألة فهو
 عنه نقد خطاب الاجماع و اعلم واعظم علماً واكمل فهماً
 الاصول اب وحم الذين دلوا على ديننا جوابه صحيح لا يحتاج
 على فضلهم بخير القرون توفيق فيه لانكار من انكر ذلك
 ثم الذين يلوونهم ثم الذين فبوا دنى واقل علماً وانقص فهماً
 يلوونهم بلا ترتيب ومنهم اضعف ديناً انكاراً خطاء
 انتسب اليهم الخطاء الا لا قابل للاعتبار

المعتمد بالله احمد
 الاحد السيد الدين محمد
 عفي عنه خفي كره يوي
 عظيم ابادي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فَمِنْ بَقِيَّتِهِمْ قَبِيضٌ مِمَّنْ يَفْقَهُونَ
يَقَالُ عَنْهُمْ لَقِيَوا وَكَانَ

آجواب كل حسن صواب
بلا شك وارتياح + وهو
موافق للحديث والكتاب +

عبد الضعیف : تمسک بید
 الصمد السید محمد الدین احمد
 عفا عنه : اللہ الاحد
 انکفی عیشتی الکفر بکرمی
 العظیم آبادی

٢٤
٢٥
٢٦
٢٧
٢٨
٢٩
٣٠
٣١
٣٢
٣٣
٣٤
٣٥
٣٦
٣٧
٣٨
٣٩
٤٠
٤١
٤٢
٤٣
٤٤
٤٥
٤٦
٤٧
٤٨
٤٩
٥٠
٥١
٥٢
٥٣
٥٤
٥٥
٥٦
٥٧
٥٨
٥٩
٦٠
٦١
٦٢
٦٣
٦٤
٦٥
٦٦
٦٧
٦٨
٦٩
٧٠
٧١
٧٢
٧٣
٧٤
٧٥
٧٦
٧٧
٧٨
٧٩
٨٠
٨١
٨٢
٨٣
٨٤
٨٥
٨٦
٨٧
٨٨
٨٩
٩٠
٩١
٩٢
٩٣
٩٤
٩٥
٩٦
٩٧
٩٨
٩٩
١٠٠

ولم ينكره إلا المسي الكذاب ^{١٢٨٨} المتفقة عليها فقد ذهب
ولم يخالفه إلا من لم يجد العلى ^{١٢٨٨} الى الضلالة والغواية فقط

محمد اوعلى
عنه

والصواب ^{١٢٨٨} فأقمن عليا يسميع
الندعوات الى يوم الحساب

وهب للمجيب المدقق في ^{١٢٨٨} قدر أيت جواب استاذنا
الكونين احسن ثواب ^{١٢٨٨} العلامة بالاستيعاب فوجد

٨٣

اللهم انت مالكي انك اعلم ^{١٢٨٨} بحسن الآداب اصوب
وعلمك اعم واليك المآب ^{١٢٨٨} الجواب وظننت كاذل رؤس

حرره محمد منير عفا عنه ^{١٢٨٨} الضالين اشد القيقاب
السلام الوهاب ^{١٢٨٨}

السلام
بشارت حسين عفا عنه
رب المغر من فقط

هذا الجواب موافق لعقائد
اهل السنة والجماعة فمن ذهب

الى خلاف هذه العقائد ^{١٢٨٨} لا اله الا هو سبحانه عما

يشركون + يريدون ان يطفئوا نور الله بافعالهم وبابا الله
الا ان يتم نوره ووكرة الكافرون هو ان ذى ارسال
رسوله باهدى ودين الحق يظهر على اديب كماله
ولو كره المشركون ، والله اخرجكم من بطون ايهاكم
لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار لا فائدة لعلكم
تشكرون + انبا باطل يؤمنون وبنعمة الله يكفرون
اذ سئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون + **فهذه** اكتاب
انيق ونظم رشيق مبانيه يسيرة ومعانيه كثيرة قد
احتوى على ما اجمع عليه ائمة اهل السنة وانجماعة
واستوفى اسانيد وثيقة لا المرية فيها ولا الشناعة
ظهر امر الله بما اودع فيه لا الريبة تعذريه ولا الباطل
يأنيه قيا من حرره وايد الدين القويم ويا من هو على
بيته بمنزلة رب السموات السبع ورب العرش العظيم +

قد هديت جماهير عتُلّ وزنيم واتيت بقبيس لكل متد
 اثيرم وانتك لتدعوهم الى صراط مستقيم ولكن ذرني ففصر
 الله يوتييه من يشاء والله ذو الفضل العظيم فان الذين
 لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لنا يكون بل نجوا في
 طغيا نهم يعبرهون والذين امنوا و عملوا الصالحات طوبا
 لهم وحسن ما اب هو ربّي لا اله الا هو عليه ترحمت
 اليه متاب بمثل الفريقين كالاشياء البصيرة وما استوف
 الاعى والبصيرة ولا الظلمت ولا النور ولا الضل ولا
 المحرور فمن اعتقد افضلية اخلفاء الاربعة عن
 الترتيب المشهور بين اوى الابواب المذكور في
 والكتاب فقد اهتدى ومن اعرض عنه فانه مدد عبر
 السبيل واضل وضل وغوى افلا يتدبرون نعم ان
 احمل على قلوب اقفالها ما اسوأ نفسا احزن مست

من قبل فما بالها فعليكم يا اولي الابصار بكلمة حقة في
 هذا الكتاب فانها كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت
 وفرعها في السماء واياكم واقاويل الغاوين فانها كسر اب
 بقية يحسبه الظمان ماء حتى اذا جاءه لم يجده
 شيئاً ولا تقف الذين يبتغون البلى ويتبعون
 الا هواء تلك الامثال ما يعقلها الا العالمون انما
 يخشى الله من عباده العلماء ومن يطع الله ورسوله
 يخشى الله ويتقه فاولئك هم الفائزون اللهم احشرنا مع
 العلماء والصدّيقين والشهداء والصالحين واجعل
 اخر دعوانا ان الحمد لله رب العلمين ط

كُتِبَ السَّيِّدُ
 مُحَمَّدٌ فَضِيلُ خَسِينِ
 عَفَا عَنْهُ رَبُّ الشُّرَّاقِينِ

العجیب هو المصیب شکر الله سعیم و اعاد الینا نفعهم
 علاوه ازین از اقوال صوفیه صافیہ و احادیث نبوی و آیات قرآنی
 فضیلت شیخین مقبول کونین ثابت ست چنانچه در جوهر الحقائق
 مولوی محمد باقر مدرسی رحمۃ اللہ علیہ در ایقاظ العاقلین از
 شیخ محی الدین بن عربی قدس سرہ نقل مینماید کہ در طبقات صحابہ
 بعضی مروج باطن سیدانام بودند همچو خلفای اشدین و بعضی دیگر
 مروج ظاہر آن حضرت شدند همچو بقیہ آن زمرہ عالیشان رضی اللہ عنہم
 خلاصہ آنکہ علوم طریقت و رموز حقیقت در او اعلیٰ معنی صحابہ و تابعین
 و تبع تابعین کہ مصدوق و محکوم حایت خیر القرونند بصفت کثرت
 و اولویت ثابت و مستحق بود اگرچہ اعلام ملقب تصوف مشتہر بودند
 در او آخر قرن ثانی باین لقب ملقب گردیدند انشی مخصوصاً و باین محبت
 ازین چه خواهد شد کہ آن شیخ ابوالای منبر یا منار نام آن شیخین یاد
 کردند و منقبت و فضیلت ایشان بترتیب بیان فرمودند چنانکہ فی

بستان المحدثين في الباب الخامس والعشرين روي
 عن علي بن ابي طالب كرم الله وجهه الله قال على المنبر يخبر
 هذه الامة بعد نبينا ابوبكر وخيرها بعد ابي بكر عمر النخعي
 وازايات قرآني ثاني اثنين اذهما في الغار اذ يقول لصاحبه
 لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سكينته عليه اجمع
 المسلمون على ان صاحب المذکور ابوبكر وازا انجمله
 والليل اذ يغشى ابي قوله ان سعيكم لشتى وازا انجمله الا احد
 عنده من نعمة تجزي الى اخر السورة في ابي بكر ان الصدق
 وازا انجمله ولين خاف مقام ربه جنتان في ابي بكر وازا انجمله
 صدق المؤمنين في ابي بكر وعمر وازا انجمله ونزعنا ما في
 صدورهم من غل اخوانا على سرر متقابلين نزلت في ابي بكر
 وعمر وعلي وازا انجمله ووصيين الانسان بوالديه احسانا
 الى قوله وعد الصدق الذي كانوا يعدون في ابي بكر

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَتُوبُ اِلَيْكَ وَاَزْأَنجِلْهُ سَيِّئَاتِهَا اَلَا تَقْبَلُ مِنْ رَّوْعِيْهَا بِاَجْمَلِ مَفْسَرِيْنَ يَمُوجِبُهَا
 تَقْبِيْرُ عَزِيْزِيْ وَتُفْسِيْرُ كَبِيْرٍ وَدِيْكَرُ تَفَاسِيْرِ ابُو بَكْرٍ صَدِيْقٍ سَتَ كِهْ اِيْنَ سُوْرَتِهْمَا
 دَر شَانِ اِيْشَانِ اَزَلْ شُدُوْا اِلِى سُنَّتِ وَجَمَاعَتِ يَمِيْنِ جَا تَفْضِيْلِ حَضْرَتِ
 ابُو بَكْرٍ صَدِيْقٍ بَعْدَ اَزْوَاجِ بَرِيْئَاتِ مَسْكُ جَسْتِ اَنْدِيْشِ فَضِيْلَتِ
 شَيْخِيْنَ اَزِيْنَ اَيْتِمَا بِمُوجِبِ شَكْلِ اَوَّلِ بَدِيْهِ الْاِنْسَانِ سَتَ لَا اَنْ الْمُرَادُ مِنْهُ
 ابُو بَكْرٍ اَفْضَلُ لَانِ الْمُرَادُ مِنْ هَذَا اَلَا تَقْبَلُ اَفْضَلُ الْخَلْقِ
 لِقَوْلِهِ تَعَالٰى اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ وَاَكْرَمُكُمْ هُوَ
 اَلَا فَضْلُ فَكُلِّ مَنْ كَانَ اَتَقٰى وَجِبَ اَنْ يَكُوْنَ اَفْضَلُ فَيَنْتَجِىْ اَبُو بَكْرٍ
 اَفْضَلُ هُوَ الْمَدْعٰى اِلٰى فَضِيْلَتِ حَضْرَتِ ابُو بَكْرٍ قَطْعِيْ سَتَ وَاِنْجِيْ
 بَعْضُ ظَنِّ وَخِلَافِ اَنْ نُوْشْتِهْ اَنْدَرِ مَرْجُلِ خُوْدِ صَحِيْحٍ دَرِ سَتِ تَفْصِيْلِشِ
 اِيْنَكِهْ نَظَرِ مَرِيْكَ اِيْشَانِ بَرِ خَيْرِ اَمَادِ سَتِ وَخَيْرِ اَمَادِ مُفِيْذِ سَتِ وَاِنْجِيْ
 دَرِ كَرَامَتِيْ كِهْ سَوَاتِرِ سَتِ وَاقِعِ شُدُوْ مُثَلِّ مِثْرَايْ مَذْكُوْرِهْ مَحْتَمَلِ اَلْاَوَّلِ
 اَبُو بَكْرٍ اَلْاَوَّلِ اَمَّا بَعْدُ اَلَا اَمَّا بَعْدُ اَلَا اَمَّا بَعْدُ اَلَا اَمَّا بَعْدُ اَلَا اَمَّا بَعْدُ

مفيد قطع يكره وروايات كبريل كرمي فان كرمي مجموع واما
 مفيد قطع كرمي في المتواتر فان الاحاد لا يفيد الا الظن وجموعها
 ذابغت حدنا لنواخر يفيد القطع هكذا في كتاب
 انزال الخفا واقع شده كبريل ان غور بران مبعث شبهه ^{فقط} ^{فقط}
 اين مطلب نماند اينست مذهب اهل سنت وجماعت وكره خلاف
 ايشان عقيمت واما يداير خارج از جاده اعتدال اهل سنت وجماعت
 اندر و قطع بحجة النبي المختار و آله الاطهار و صحبه
 الاخير لا سيما صدقته الصديقين الذي منيع العباد
 عن الغل و الاغلا - - - - - روى في الجلال و في التوفيق

من ان و مولى المولى - - - - - حقايق حسين بن صالح

عن الحسين بن الحسين
 الحسين بن الحسين

روى في التوفيق و آله الاطهار و صحبه

غل و الاغلا - - - - - روى في الجلال و في التوفيق

والفقهاء ومن اعتقد خلاف **بلدة عظيم آباد** واسم **بلدة عظيم آباد** واسم
 ذلك فهو ما حال حول حق **قد رأيت هذا** الاولاد من **بلدة عظيم آباد**
 بل هو في ضلال مبين، الى آخرها فوجدتها موافقة
 لعقائد أهل السنة والجماعة

اراستم

عبد الله
ولاسي

عظيم

المؤمنين في **بلدة عظيم آباد**

٩١

هذا جواب حق و رشتا من **بلدة عظيم آباد** من كتب **بلدة عظيم آباد**
 بله سيرة و طهارة من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**
 في رشتا من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**
 و رشتا من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**
 و رشتا من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**
 و رشتا من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**

عبد

و رشتا من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**
 و رشتا من **بلدة عظيم آباد** و رشتا من **بلدة عظيم آباد**

عبد

اهل السنة والجماعة فمن كان
من اهل السنة والجماعة
فتلزم عليه هذه العقيدة
ولا يفارق الجماعة فيها شيئاً
فان من فارق الجماعة شيئاً
فقد خلع ربة الاسلام
عن عنقه كما رواه ابو ذر عن
النبي صلى الله عليه وسلم
ولا يكون شاذاً ولا قاصياً
لاناً حياً ولا يأخذ الشيطان
لان الشيطان ذئب للانسان
كذئب الغنم يأخذ الشاذة و
القاصية والناحية واياكم و

اشاب وعليكم يا ايها
والجماعة كما رواه معاذ بن بل
عن النبي صلى الله عليه وسلم

عنه عن
محمد بن

الجواب صواب

الحمد لله
الذي اراد

من اجاب فقد اصاب
امين الله عني عنه

قد اصاب من اجاب والله اعلم
بالصدق والصواب

العبد

عبد الله عفي عنه الجاني
عبد من نار على اسكول عظيم آباد

التي راصاب من اجاب وهو موافق

للوحى والكتاب

اسد الله
من عنه

ما حرسه المحجب ناكلاً من

كتب الاحاديث والفقهاء و

العقائد كتبت المشايخ الكرام

عليهم افضل التحية والسلام

حق وموافق لعقائد اهل السنة

ونجاعة وخلافه باطل و

ضلال من الفتن المستترة بالجماع

محمد بن محمد بن
عنه

التي راصاب من اجاب وهو موافق

للكتاب والسنة والاجماع فمن

انكره باغواء الشيطان فهو

من الضالين خارج من اهل

السلامة لا يمكن ولايات

والاحاديث الدالة على فضلهم

انهم من الله عليهم من كل

الوجوه ظاهرة وباطنة مبرحة

ويخفى على من تدبّر من خات

هذا افتقد ضل سواء السبيل

المعروف
بـ
بـ
بـ
بـ

بجوابه وافق كلامه بقوله تعالى
 تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا
 الآية وسلك على المسلك
 المشار اليه بقوله تعالى هذا
 صراطى مستقيماً فاتبعوا
 وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ
 عَنْ سَبِيلِهِ وَلَمْ يَدْخُلْ مَخَالَفَ
 فِي الْمَصْدَقِ عَلَيْهِ قَوْلُهُ تَعَالَى
 وَمَنْ يَتَّبِعْ حُدُودَ اللَّهِ فَإِنَّكَ
 هُوَ الظَّالِمُونَ وانحرافه عن المشار
 بقوله تعالى هذا صراطى الخ
 حتى تفرق عن سبيل الله وخرق
 في بحر الرفض وتخالفه لقوله

عليه السلام عليكم بالسواد الاعظم
 كانه شذو في الشار
 امير الدين محمد
 كسارو
 الجواب صحيح لا يرتاب فيه
 الا الرافض والشيعية و
 المنافقون
 محمد طفت
 عليه وجدنا السلف وهو الضوا
 ودل عليه الكتاب
 ارشاد حسين عفا عنه
 عليهما السلام
 الحق الحق ان يتبع

غیاث احمد
عظیم آبادی

ذوالفقار علی
عفی عنہ

بلدہ کلکتہ و مونگیر

الجواب مطابق للکتاب

ذلک الکتاب لاریب فیہ

۴۱
محرم غیاث

کتاب

فقیر محمد غیاث حسین غنوی انجمی القادر

۳۱
عبدالبار

۴۲
محبوب

النجیب مصیب

لا اری تیاب فی صحت الجواب

علامہ حسین بکالی
صوبہ بازار ری

و هو مذہب جمہور اولی الالباب

محمد الہ داد غفرلہ
یوم التصاد

قد اصاب من اجاب

۴۶
رحمت

الجواب صحیح

جوابہای ابن رسالہ ہمہ صحیح و راست

محمد عبد الحق
عفی عنہ

ما علینا هل الحق هو الحق ابی کم و کاست موافق احادیث

۹۵

ابن دگر
بیت پور
فضل حق
زید آباد
چشمہ اللہ
علیہ ۱۴
صند سکہ

سيد غير صلي الله عليه وسلم ويا حي يا قيوم
بحسب اجماع علماء راسخين و الامام المستق بعد رسول الله
برطبق اتفاق فضلاء كالمدين فقط صلى الله عليه وسلم ابو بكر
ما هو مرقوم هو حكم الكتاب ثم عمر ثم عثمان ثم علي
رضي الله عنهم يجب على كل

غنايت الله

برو و اني محرم الي كورث كلته اخواننا و حبيبنا المسلمين
اجواب صحيح مطابق لما في الكتب الخفية ان يعتقدوا و او
المعتبرة و مذهب علماء اهل السنة يشهدوا بهذا الترتيب و
و جماعة و موافق كما في التركيب فمن ذنبا الى
الشيخ لا يراه الاذ هو حجت لا سد احادنه فهو ليس من الفرقة
و بدلا نورع و شمس شرع اعلمنا حجية في سنة واجه است

محمد غزالي رحمه الله عليه
في كتابه المعروف بالعلوم

تمت
ضممت الى حجة الله
لغرض التوفيق و تحديا لباري
عقل الله رزقه و سعة عيوبه

هَذَا هُوَ الْحَقُّ وَالْحَقُّ لَا تَبَأُ حَقٌّ

فَضْلٌ عَلَى غَفَى عَنْهُ

يَمِينٌ مَنَاسِبٌ حَقٌّ وَصَرَّاحٌ مُسْتَقِيمٌ

فَرَحٌ عَلَى غَفَى عَنْهُ

جَوَابٌ بِاصْوَابٍ وَوَأَفْقٌ

اجْمَاعُ اَهْلِ حَقٍّ

مَحْمَدٌ شَاوٍ عَلَى غَفَى عَنْهُ

كَتَمَ مَجْزُوبٌ الْمَجِيدِينَ الْحَقُّ أَقْدَاءُ

الْمُحَمَّدِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ

كَتَمَ بِالْعِلْمَاءِ الْمَجِيدِينَ رَحِمَهُمُ اللَّهُ

قَدْرُهُ وَجَنَابُهُ مَا زُوِيَ بَدِيدُهُ بِفَيْسَمٍ

وَنَاسٍ بِأَيْدٍ يَشْرَطُ نَظَرُ حَقٍّ لِقَبِ بَوْدٍ

بِقَبِ صِدْقٍ صِدْقِي رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ

اللَّهُمَّ احْشُرْنَا مَعَهُ ثَابِتٌ قَلَمٌ وَ

صِدْقٌ يَقِيتُ قَرِيبٌ وَرَجَاءٌ يَنْبُتُ مِنْ

النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ الْآيَةُ

فَوْقَ دَرَجَتَيْنِ بَعْدَ نَبِيِّ بَوَكْرٍ بَرْكَ

قَصَّةٍ مُخْتَصِرَةٍ بِبَلِّ حَدِيثٍ نَبِيٍّ

وَأَيُّ قُرْآنِي كُنْتُ حَيًّا أُمَّةً أَحْيَا

لِلنَّاسِ لَآيَةُ وَفَخَدَّكَ رَسُولُ اللَّهِ

وَالَّذِينَ مَعَهُ الْآيَةُ كَفَى بِهِ الْقَدْرَ

أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ

مُحَمَّدٌ جَالٍ بِلَدَيْنِ

الْحَقُّ إِنَّ أَفْضَلَ الصَّحَابَةِ يَدُ

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ

وَأَهْلِيهِ وَوَأَهْلِيَّتِهِ وَوَأَهْلِيَّتِهِ

اجمعين ابو بكر الصديق ثم عمر
 الفاروق ثم عثمان ذو النورين
 ثم علي ثم رضوان الله
 تعالى عليهم اجمعين على ترتيب
 علي الاجماع عليه ابو منصور
 خلافتهم كما هو مصرح في
 الكتب المعتمدة من بلاد الاما
 ن وضوء المعاني تكميل الايمان
 شرح العقائد النسفي او الناس خير بعد رسول الله
 وشرح العقائد للعضدي صلى الله عليه وسلم قال ابو بكر
 وغيرك قال السيوطي قلت ثم من قال عمر وخشيت
 جعل الله الجنة مثواه في تاريخ
 الخلفاء في ترجمة الصديق قال ما انا الا رجل من المسلمين
 جمعها السنة ان افضل ومعنى الافضلية اكثرية

الله

لنأس بعد رسول الله صلى

عليه وسلم ابو بكر ثم عمر ثم

عثمان ثم علي الى قوله هكذا

علي الاجماع عليه ابو منصور

البغدادى واخبر

البخاري عن محمد بن علي

بن ابي طالب قال قلت لابي

الناس خير بعد رسول الله

صلى الله عليه وسلم قال ابو بكر

قلت ثم من قال عمر وخشيت

عثمان قلت ثم انت

قال ما انا الا رجل من المسلمين

ومعنى الافضلية اكثرية

<p> الثواب عند الله تعالى لثنا الخير هكذا حكم الكتاب والله اعلم بالصواب المسألة صحيحة المتوسل الى الله الكريم عبد الرحيم قال سيدنا ومولانا امامنا الاعظم ابي حنيفة نعمان بن ثابت الكوفي رضي الله تعالى عنه رضوانا تاما كاملا في كتابه المسمى بالنقطة الكبرى ما نصه وفضل الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم </p>	<p> ابوبكره الصديق ثم عمر بن الخطاب ثم عثمان بن عفان ثم علي بن ابي طالب رضوان الله تعالى عليهم اجمعين ويجب على سائر اخواننا الحنفيين ان يعتقدوا بهذا الترتيب فمن كانت عقيدته بخلافه فهو ليس منا وليس علينا ان نتكلم في شأنه بل نتركه ونخليه مع اخوانه كتبه العبد الراجي الى رحمة خاتم الانبياء ابو القاسم عبد الحكيم رضي عنه ربه اكرام هو التامه عبد الحكيم </p>
---	--

٥٩

قصبة بهار و اطرافش

ومن يضل الله فلا هادي له

آي ارسن تحييتنا بترقيهم هذا واذا ذكر شيئاً يسيراً عسى ان

الجواب فانه احسن الهدية ليكون تذكاراً قال الامام

وهو اثبات البداة وان له ابو عبد الله المازني

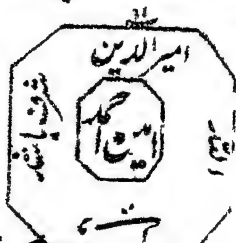
لحسن المآب وهل جزاء اخلاف الناس في تفضيل

الاحسان الا الاحسان بعض الصحابة على بعض

يا ايها الاحباب فقلت طائفة لا تفاضل بل

نفسك عن ذلك وقال بجمهورية

بالتفضيل ثم اخلفوا فقال



هذا الجواب موافق للكتاب اهل السنة افضلهم ابو بكر

واسنة وما ذكر فيه من الصادق وقال الخطابية

دلائل كاف لمن كان على افضلهم عمر بن الخطاب وقال

هدي من سربه وصراط مستقيم الراوندية افضلهم العباس

له

عليه السلام

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

في الحديث

١٠٠

وقالت الشيعة علياً واتفق اهل
السنة على ان افضلهم ابو بكر
ثم عمر قال جمهورهم ثم عثمان
ثم علي وقال بعض اهل السنة
من اهل الكوفة بتقديده علي
علي عثمان والصحيح المشهور
تقديم عثمان قال ابو منصور
البغدادى صحابى فى شرح مسلم هذه
مجموعى بن على ان افضلهم عقيدة اهل السنة فمن
الخلفاء الاربعة على الترتيب كان يؤمن بالله واليوم الآخر
المذكور ثم تمام العشرة ثم فيلتزم هذه الطريقة السنية
اهل بدر ثم احدث ثمانية العلية التي لا يحوم حولها
الرضوان ومن له منية اهل باطل وليخرج من اختلاف

اهل البدع الذين في قلوبهم زيغ	للسنة والكتاب وموافق لعقله
بعبارة حسنة يوم يرد الله المؤمنين	اهل الحق واولى الالباب ومن
ما في هذه الكراسة حق	اعتقد بخلافه فقد وقع في العصية
حقيق وتحقيق رشيق من حزم	والعقاب لانه اختار خلاف
الابا خيل بالعدوان القوي	انصدق والصواب
في مواقف الحزم والخذلان	سريعاً تحت علي قاضي مجددي
لاهل الاسلام ان يربوا	قصيدة آرمي
نفوسهم من الضلالة والخراب	والله يمدد هوى والشمس
لسالك المسدة والجماعة	اخفى والله ثم بالله العلي الاعلى
وحيد الحق البار	ان هذا جواب فتوى ام لب
قال الفقير نور الدين قادمي	ما في الزبالة ولي بشير لمن كان
تنزل الرحمة والقبولية على	عن الهادي نذير لمن ضل غوى
هذا الجواب لانه مطابق	كتاب قل ودل ولما كان شتيكاً

يكافؤ
سنة
والله يمدد
سريعاً تحت
علي قاضي
مجددي

في المطولات شمل كما ترى الناظر فيه ما نطق عن الهوى كانه
 دارة يتيمة أبي لا توجد مثلها وحي يوحى علمه شديد القوى
 قيمة الأكتاب على تلاوته يزيد كتاب كاف ولا سقام القلوب
 حلاوة واملأ زمرة على عادته شاف وبخجر اهل الحق وان
 به جب شعبة وطلاوة كما ولا باطيل ائوال اهل النغي و
 لا يخفى سطوها سابل النور الحمد لان ذاك كانه كشاول
 ولا يقان ام انها ينجري فيها الارباب النهي ولن كان من به
 شير اعرفان وآي والله ما اعظم على الهدى فيه شفاء الغليل
 شأن السيد السند الجوهري وارواء الغليل واما من كان
 الفرد اعظم العظماء اعلم في هذه اعمى فوق في الآخرة
 العلماء هادي السبل استاذ اعمى وفيه يحاكت شريعة
 الحل البيب السديد البارع نكت لطيفة وتقريرات
 البحر النظم المحيب انه ما نطق رائقة وتقريرات شائقة

بحيث تدلّحت منه عقول	ام كوكب دري ام في الليل لهم
اهل النهي وهو حر حصين	الطويل مصباح وبرور نسيمه
كأهم مبدن لا تحوم حوم حمى	يروح الروح فهو قوة القلوب
تحقيقه حائل شبيهات لا يظلم	ام قرعة العيون ام شفاء الصدور
جأه لاحكم العقائد حاو لا حسن	ام غذاء الارواح فطوبى لمن
الاقاويل فآفيه تعلما من هتة	عمل به واتقى عباد الله والله الله
و زمام من كان من ربه على	ثم الحذر الحذر في اصحاب
اهدى وتبكيته لمن نكل بالاهل	رسول الله صلى الله عليه وعلى
واسم كاذب شياطين الانس و	اله وصحبه وسلم وعليكم
من نفوة بالهوى ولطما على	بالاتباع وآياكم والاختراع لا
وجوه الذين اسودت وجوههم	لا شيء شر من الابتداع والجماعة
بضل سعيهم في الحياة الدنيا	احكم الحصون وخير البقاع و
بين والله متون في ايه كتاب	يد الله فوق الجماعة ولا يجمع

امتي على الضلالة ومن شذ	شمس الضحى سيدنا علي ^{رضي} الله عنه
فقد ضل وغوى ولا يخفى على	وهو كما ترى وفي المصاحف
من له اذ مسكة من العلم	الدنية واصحابه كلهم عدو
هو من ربه على الهدى ان	لظواهر الكتاب والسنة فلا ^{يتجش}
الا نساب لا تعطى المرء نفعا	عن عدالة احد منهم كما يبحث
فان الاكرم عند الله من هو	عن سائر الرواة وافضلهم
اتقى وان مدارا لافضلية	عند اهل السنة اجماعا ^{ابوكبر}
عند الله ليس الا على التقى و	شعر عمر ^{رضي} الله عنه وما بعدهما فاجمعا
لو كان على اقرب اولى القربى	على انه عثمان ^{رضي} الله عنه علي ^{رضي} الله عنه
فسيدنا ومولانا ابو محمد الحسن ^{رضي} الله عنه	انتهى وفي الفاسي شرح
سبط النبي احرى بان يكون	دلائل الخيرات والاجماع على
افضل واولى من سيدنا ومولانا	افضلية سيدنا ابي بكر
امير المؤمنين نور الهدى	الصديق ^{رضي} الله عنه على سائر الصحابة

ولا يعتد بخلاف الرافض و
 من قال بقولهم وهذا مذهب
 الأكثر وقد سئل رسول الله
 صلى الله عليه وسلم عن حب
 الناس اليه فقال عايشة ^{رضي} قيل
 من الرجال قال ابوها رواه
البخاري وغيره وسئل
مالك رحمه الله في المدينت
 من خيرا الناس بعد النبي صلى
 عليه وسلم فقال ابوبكر ثم
 عمر رضي الله عنهما ثم قال او
 في ذلك شك انتهى وفي
الصواعق المحرقة قال
 صلى الله عليه وسلم سألت
 الله ان يقدمك يا علي فانه
 الا تقدير ابي بكر وفي **نفحة**
اليمن والله دُرٌّ قائله
 ان اردت الفوائد بالامل
 لذبطة سيّد الرسل
 ويقوم صاحب ودهم
 جاء فيه النص وهو جلي
 اهل فضل خاب منكروهم
 دعو لالة الجهل والخطل
 هم نجوم للهدى ولهم
 خير مدح في الكتاب تلى
 افضل الاصحاب اولهم

خذته في الغار خيرو لي	ذرحبني عصبة رفقت
بعده انقار ووق صاحبه	سنة اخذنا اسرا مثل
من سمايا العلم والعمل	هو طغاة لا ملاق لهم
ثم ذوالنورين ثا التهم	تجوا في مساو المل
جامع القرآن شمر علي	كنية العبد اعقب
فارس عبيد الحسن	<div data-bbox="311 639 616 777" data-label="Text"> <p>الحمد لله الذي جعل في الدنيا الارواح في ربيع الاخرى سنة تجزيه يوم احمس</p> </div>
فجل عم المصطفى البطل	عبد ضعيف في الدين احمد
جهم قرض وبغضهم	اروي عفا الله عنه
موجب الايقاع في الزلل	علماء السنة والجماعة قد
ضل من بالرفض ملازم	افتوا على تفضيل الشيخين
داخضا للحق بالجدل	نحن نقصد عليه
كيف من ذم الصحاب يرى	<div data-bbox="300 1201 600 1301" data-label="Text"> <p>الرافع محمد نور الحسن الاسوي</p> </div>
انه في اقوام السبل	كانت حيون مداد اوقد

عالم فاضل
 صاحب
 تصانيف
 مشهورة
 الخامسة

الآجام اقل ما ملأ امكني احصاء	لا بل كما يروى لا يكاد ان يصغى
ثناء هذا القسيس الاحدس	الى ابا طيلهم واما نيتهم فانها
فانه قد واطى السائقين وضاً	بجنتها سفسطة او جزيرة
السابقين وخرّب اعناق المبتدئين	هذياناً للذين تصدوا والتشيد
بأسياك كلمات حقيقة وقطع	اعلام الدين وتبائل الذين تلقوا
دواب الضالين بصمما صيماً	باطماس سراياته ورحبالذين
انبقة ولعمري مذمومة عن	تفكر وفي نجوم القرآن وويل
اللة اثم وحيث بنى الغنائم واقف	الذين خاضوا كالذين خاضوا
دفعه اذاني مثل هذا الارب	في آياته فهو لاء على عرش لسته
النحر يا احد من الاقاصي والاداني	والجماعة وهو لاء على شفا حفرة
فليهد بهذا الاعلام اوليد خرفي	من الرض فهل يستوى ماء
الجبوب والاكمام فما بال الذين	عذب سائق شرابه وملك الجاج
ناظر واحد الخبر لا بل جادلوا	فمن جسر على تفضيل الصحابة

الأعلى ترتيب الخلافة بالأدلة المدحضين حرره الطبيب

الواحدة كيوت لعناكب الشاغل بالرازيانجه والشربيب

ابتغاء مرضاة الله فقد ^ع محمد عبد السلام ابن توفيق

خسرا مبینا و وقع فی عنایہ فہو و ذہ و حیۃ السکن فہو سکنت

الجهالة ومن ابل الضلالة | بلدة كانيور

قوسى تىلچىلىق اويۇنۇشنىڭ يىتەكچىسى
ھۇمامىيەت

تقدميه وسينكس على عقبه اقداص رب مجيب ورائه

ابن مثله کمثل من اجري زورقه انجی عنده ایسیب ربی تله ما

قوله سية لا يجدان لها ولا خطأ في تكميل الآية فهو هذا و

في بحر خطم فاذا اشتدت بهما الخلفاء الاربعه افضل الامم

اسیر خیر فی یوم عاصف و قشت اچار یا رب صفا که خفا می رسد دین

اجزاء ہا فلا یای ہو والدین وجانشین مصطفیٰ ہند صلی اللہ

اتبعوه الى عاصم بن كاثوم عليه وسلم ورضي الله عنهما فانه

1914

اسحاب و نزدیکترین احباب او میزد

الی ان قال و فضلهم علی ترتیب

اختلافه و المراد بالافضلية

اكثرية الثواب بدانکه اینجا و مقام

ست مقام اول آنکه خلیفه برحق

بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم

ابو بکر صدیق ست بعد از وی عمر فاروق

بعد از وی عثمان ذوالنورین بعد از وی

علی مرتضی رضوان الله تعالی علیهم

اجمعین و این سائله نزد اهل سنت

از یقینیات ست آنکه بقدر الجاد فضل الخلفاء الراشدين علی

والله الموفق و هو اعلم بالصواب ترتیب اختلافه فلا یصغی الی

وعنده ام الكتاب مقالته من سلك مسلكاً

حزرة العبد الخامل محمد عادل

عالمه الله سبحانه بفضله الشا

وجعله من الأمنین يوم الرجین

والنزال و اصل حاله بلطفه

الکامل فی العاجل و الآجل

محمد عادل

الجواب صحیح کتبه

عبدالحق کانپوری

لا ینحرف علی من تتبع الکتب

الکلامیة ان الحق المتبع هو

از یقینیات ست آنکه بقدر الجاد فضل الخلفاء الراشدين علی

والله الموفق و هو اعلم بالصواب ترتیب اختلافه فلا یصغی الی

وعنده ام الكتاب مقالته من سلك مسلكاً

آخر واختار خلافه كتبه

محمد طه الله

من دقائق فضائلهم وليس

الاما كان عند الله تعالى بالقر

من قال تفضيل اخلفاء على

اليه وهو اهل بيته الا هو لا سبيل

الخلافه فهو فاضل ومن خالفه

للعقل اليه الا بما يوحى الى من

فخلف وفضول كتبه

اصطفاه رسولا وكو من امر

جلالتي مخفي عنه

لا يعلم من المقال الا بدلالة

بلدية سهار بنور

فهم اعلم بنطوق النصوص

احمد على كل حال

الصريحة والمكتوبة في القصة

احمد على سهار بنور مخفي عنه

بالقرائن والحواء الى حضرة

ما قرر المحجب حواب سلبك

صلى الله عليه وسلم وليس

من الاحباب رضوان الله عليهم

الفضيلة بحسن الا لا تظاه

اجمعين ولهم بذلك علم الما اتوا

الملكية والسياسة المدنية

ايشاهدون من احوالهم يعرفون

فانها للملوك الذين في اية

عالم اكمل
فاضل في الدين
عالم في الفقه
مجتهد في الفقه
الذي ايدى الى هذا
عالم وسليم

<p>میفروند و کفی بالصدیقین شهادة فقط</p>	<p>مأمولم الدنيا وما فيها وانا كهي</p>
<p>كتبه له الشيخ</p>	<p>بوجوه اخر فاجامعهم على ذلك</p>
<p>عبد الرحمن عفى عنه</p>	<p>جدة قوية لا يتردد اليه ظم في</p>
<p>عبد الرحمن</p>	<p>احقر الخلاق عبد الحق</p>
<p>فتمسكت عليه مدارا فضليت برا</p>	<p>السمي رنفور خادم</p>
<p>نيت مكر صدق اكبر راجع صح</p>	<p>بلدة ياني پت</p>
<p>برجيه فضائل خبريه در ديكر ان هم يا</p>	<p>افضليت منقذى راشدين على</p>
<p>يشوند و هذا الجمال ما فصله</p>	<p>الخلافة مطلقا بين ست نديب</p>
<p>المحدث استاذ الهند الشيخ</p>	<p>ابن سنت مؤيد با حديث صحيح و</p>
<p>الوالي الله ابن الشيخ</p>	<p>اجمع است و تر حضرت على رضى</p>
<p>عبد الرحيم في قرعة العين في</p>	<p>عنه و تفصيل حضرت على نرم القوم</p>
<p>تفصيل الشيخين و ازاله الخفا</p>	<p>مخافتهم من قول حضرت على</p>
<p>عن خلافة الخلفا</p>	<p>رضى الله عنه را كه تفصيل و بيده را كذا</p>

١٤
 محمد محفوظ الله
 من حفظه بقاضي
 تدرسه بـ بي بي
 ١٣٣٠

حق ثابت لان خلاصتهم و تعنتهم بالجماع
 وما يفتي بالاجماع ي باجماع الصالحين
 فان الكلام فيه خطأ بل ضلالة

تفضيل على رضي الله عنه بر أصحابه ثم
 ظاهر وباهرست كه خلاف كتب عقائد
 لا يحكمه عني على ضرورة ولذا

ابن سنت و جماعت ست شاه
 عبدالعزیز و بلوی در تحفه مشتمل
 (السنة والجماعة الى رحمة الله)

١١٣

بلدة مراد آباد
 تحریق فرموده اند كه حضرت علي رضي الله عنه
 عنده في مؤلفه بكبره ابره بجا بانه فضل بيا
 بزخم اورا همشاد و دره بهتان

والله اعلم بالصواب
 (الهدية)

وقضيه على ترتيب الخلافة
 (الهدية)

الهدية

بلدة دہلی

الحق لا يتجاوز عما في هذا السبيل
فماذا بعد الحق الا الضلال +

محمد بن حسين
سيد

الحق ان تفضيل الخلفاء الاربعة ثابت و
متيقن على ترتيب خلافة عند اهل
السنة

والجماعة كما كان في زمن النبي صلى الله
عليه وسلم فمن تفضل العلي على الخلفاء الثلاثة

فهو بدع ومخالف صحاب رسول صلى الله
عليه وسلم ولا اهل السنة والجماعة

كتبه في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٩٩

محمد

شفيع بن محمد بن عبد الله

قالذي كان عليا اهل السنة والجماعة

ان خلفاء الاربعة افضل الاربعة

الانبياء عليهم السلام على ترتيب الخلافة

عند الله في كثرة الثواب

حرره الحنفية النسب محمد شاك

او صلاه الله اليه بركضاه

ورد بها شا
١٢٨٩
سنة ١٢٨٩

اصاب المجيب القهيد اعطاه

الله الاحسن العظيم

محمد بن حسين
١٢٨٩
سنة ١٢٨٩

دہلی

بلدة لکھنؤ و اطرافش

در حقیقت کسیکے تفضیل حضرت علی

بر حضرات اصحاب ثلاثه رضی اللہ عنہم	فارسی فقه اکبر شاد میناید و بر
اعتقاد نماید برو اطلاق تفضیل بجای	تفضیل شیخین جمیع اہل سنت و جماعت
می آید صاحب تحفۃ الثمنا عشریہ	اتفاق دارند و آنچه از امام مالک در
سفر باید فرقه دوم تفضیلیہ مذہب	نقل میکنند افضل احد علی
ایشان اینست کہ مرتضی افضل	بضعۃ رسول اللہ صلی اللہ علیہ و علیہ
الناس بعد الرسول است و صحابہ	وسلم مخصوص بعالیہ نسوان است
گرام را بخیر یاد میکنند و نسبت بظلم	بقرینہ سوال کہ فاطمہ زہرا افضل است
و غصب و ضلال نمی نمایند و در پیچ	یا عائشہ صدیقہ و زہرا امام مالک در
مسالہ مخالف فرقہ اول نمیشوند مگر	نص کرده اند بر آنکہ ابو بکر افضل
در تفضیل فقط انتہی کلام مختصرا و او مخالف	اصحاب است پس عموما پیروی اہل سنت
اجماع است حضرت ملک اعلم مولانا	و جماعت شنیدہ نشد کہ تفضیل
بحر العلوم قدس اللہ علیہ الاعلی	شیخین را سنکر باشد و مخالف
سواء علی الی یوم معلوم در شرح	نیستند درین مسالہ مگر شیعہ و از

امام بهام ابی حنیفه رح پر سید شریف می نگار و عرجی ای حرج الافضلیه
 که مذہب اہل سنت و جماعت است التي نحن بصددها الى كثرة الثواب
 امام جواب داد ان تفضیل الشیخین والکرامة عند الله تعالى و
 وحب الختین فرمود تفضیل ان ذلک يعود الى الکتاب
 شیخین را و محبت دشتن ختین را للطاعات والاخلاص فیہما
 اتمی و تفضیل حضرات اصحاب ثلاثہ انتهى و حضرت بحر العلوم در
 رضی اللہ عنہم ترتیب خلافت من شرح فقہ اکبر میفرماید بدانکہ
 و امور سیاست مدنی نیست بلکہ مراد از افضلیت اکثریت ثواب
 از حجت دیگر فضائل و امور باطنی است اعطیت مرتبہ است نزد اللہ تعالی
 شارح مقاصد می آرد الکلام چه مناط مدح در عاجل و استحقاق
 فی الافضلیة بمعنی الکرامة ثواب در اجل برین است و شیخ
 عند الله تعالى و كثرة الثواب ابن بهام در شرح ہدایہ رب
 نعم و شارح مواقف امامت گفتہ کہ ابو بکر رضی اللہ عنہ علم صحابہ بود

و شیخ عبدالحق دلبوی شرح

مشکوٰۃ نیز تقریر این کرده و اما فخر الاسلام

بزرگ و می قدس سره در کلام خود نیز

بر این نصر کرده و شیخ ابن تیمیہ

که از اصحاب امام احمد است گفت که

اہل سنت و جماعت بر این اتفاق دارند

که ابو بکر افضل اصحاب بود و با تفضیل

الشیخین ثوابا و علما مذکور جمهور

اہل سنت و جماعت و انسجہ در

عقائد و مضامین واقع شده است

که مراد از فضیلت اکثریت ثواب است

نه اکثریت علم و شرف اعتبار باین نیست

که از ظلم ناسخ باشد اتمی و در ولایت

بالحنیہ حضرت اصحاب ثلاثہ را می

عنہم و نقل تمام از سابقیم و منقول آرا

بود چنانکہ مجیبہ و ان تصحیح کامل نمید

اعظم العلی الاعظم ابوہریرہ

یوم الحساب کما بذل سبب

الجمیل فی اظہار الحق و تحسیر

الجواب و اللہ اعلم بالصواب و

عندہ حسن الثواب و کتب

الفقیر الی العلی الرب الحذیم

ابو الاحیاء محمد دامد عوبانغیہ

تجا و نزلہ عن سنیاتہ و کتب

فی التہذیب حسناتہ

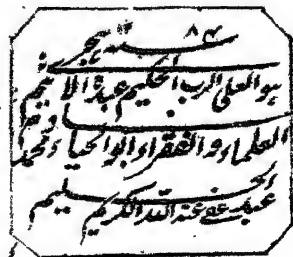
هو العلی الرب الحذیم جواب

الاول صحيح اصح وهو مقرن	اهل السنة والجماعة من السلف
بالحق والصواب والمجيد الاول	والخلف فمن خالف بهذا الاعتقاد
نجيد انحر وهو مصيب عند	القويم فقد ضل عن الصراط
الالباب جزاء الله تعالى خير	السوي المستقيم كما في شرح
الجزء يوم الحساب لما نظرت	العقائد النسفي افضل
وامعنت في تقرير الجواب فوق	البشر بعد نبينا ابو بكر الصديق
كله على الحق والصواب كما يشهد	ثم عمر القاروق ثم عثمان بن
عليه السنة والكتاب فمن يدعي	ثم علي بن ابي طالب وخلافهم على هذا
خلافه فهو رافض مفتر كذاب	التوتيب ايضا والله اعلم وحكمه
ويؤيده ما في كتب الحديث الشريف	احكم فقط
والفقه المذنب وما في كتب العقائد	حرره عبد الله الاسي القسبي
وفي اقوال المشايخ العمائد حرفا	خادم العلماء والفقهاء والولياء
بحرف وقد اتفق عليه جمهور	محمد عبد الكريم عفا عنه الله

الكرمية مقام دار العلم فرنجي محل
 منجرات خير البلاد لكمهتق
 في التايجه احد وعشرين خلون
 من شعبان المعظم يوم السبت
 سنة تسع وثمانين بعد الالف
 والمائتين من هجرة رسول الثقلين
 اللهم صل وسلم عليه وعلى آله وصحبه
 واخباروا ما رث وآثاركم ملك

١١٩

علام الذي لا يأتية الباطل من
 خلف تنزيل من حكيم حميد طاعت
 بر فضليت وسبق مرتبة ابو بكر خديجة
 ارشاد سيفرايد والشايقون الاولون
 من المهاجرين والانصار والذين
 اتبعوهم باحسان رضي الله عنهم



بر صاحبان انكار تارة وآراي صا
 كه چشم شان كحل كحل انصاف و
 از غبار قساوت مستحب و شير

ورضوا عنه و انرا صریح آیات بینات و قلیح جم الیه و لله در سزا و علیه
 بدیهیات اولیات که دلالت بر فضل اجسره و تیز پوشیده نما نکره ^{فصلیت}
 ابی بکر الصدیق رضا دار و آیه فارست شیخین رضی الله عنهما در قدیم وحدت
 که کسی از اصحاب درین فضل مساهم متفق بوده و کسی را از اسلاف و اخلا
 و شریک او نیست و این فضیلت آن دوران خلافت نبوده و اما آنچه گفته ام دلیل
 خصائص آنجناب است **س** بران با قادت بسیاری را در تحقیق بنفق
 این سعادت بزور بازو نیست و تا نباشد در عقائد نسفیه مذکور است و افضل
 خدای بخشنده اما **همان فخر الدین** البشیر عبد نبی ناصلاح ابو بکر
 رازی در ذیل این آیه بسیاری از الصدیق ثم عمر ثم عثمان
 از فواید و مهمات مطالب ذکر فرموده و النورین ثم علی ثم اهل بیته
 و فرموده که مرخص صحابه ابو بکر است انقی کلام المصنف و فاضل محقق
 و بران بسیاری بکلام عرب وجود و کامل مدقق فقیه الاثنانی مستجمع فضائل
 قائم فرموده من شاء الاطلاع کماتة نوع انسانی سوار الدین تقی زانی

در شرح این کلام سیر مایه علی هذا	اهل الحق ثم عثمان ثم علی رضی الله
وجدنا السلف والظاهر انهم	عنهم وحكي عن اهل الكوفة فقد
لو لم يكن لهم دليل لما حكموا	علي على عثمان وبه قال ابن خزيمة
بذلك واما نحن فقد وجدنا	انتهى كلامه ملقنا بقدر الحجة
دلائل الجانبين متعارضة	تتقوى ويرتد رب بصيرة فاما قد خيرة تتبع
كلامه آرمی در عثمان و علی اختلاف	رجال و اما دیت نموده منفی نخواهد بود
و بهین مدار کلام شرح است که قول	که مذہب صحیح جمهور محققین و اہل حاشیہ
آن محقق فقد وجدنا الحق	است از اہل تقدیریم عثمان است و قول و بسبب این
کوفه تقدیریم علی منقول است	عندنا و معتد بہ بهین است و از خلاف شریعت
و المحدثین و ائمة اهل الفیض	محمد بن قلیله نقله متطرق نیست و روشن عاقل
بن محمد علی افقاسی جوهری	استندین آنست که مسلک جمهور اہل حاشیہ
من علم حدیث الرسول من یسید الفضل	و ارباب تحقیق اختیار نمایند هر چند
علی الاطلاق ابو بکر شیعہ و باجماع	این امر بسبب مزید اشتها حاجت

بيان نذر دانا بنابر اطمینان قلوب عثمان لهذا اختارة الصحابة	استعشان زلال یقان بقل كلام للخلافة وقد مولاه وجهه اعلمه و
بعض امانت، علام بر داخته می آید اعرف بالمراتب انتهى كلام الامام	رئيس الخفا سید محمد بن محمد بن علی بن
ابن زکریا نووی رضی الله عنه بعض سادات محققین ظاهر و بیدار	در تهذیب الناس و اللغات که بر کسیه تفضیل برده علی رابر عثمان
مینویس و اجمع اهل السنة علی ان پس تحقیق که او مخالفت کرد اثنا عشر	افضلهم علی الاطلاق ابو بکرهم نذر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه
عسرو قایم جمیع رهم عثمان علی و سلم را حال آنکه ارتحال فرمود جناب	علی بن ابی طالب علیه السلام و سلم و از انها
وقدم اهل السنة من اهل الکوفة راضی بود و هرگاه که مخالفت جمیع رهم	علیاً علی عثمان و بقاء بن خنیفة فی نفسه و منیج قبیح است فکیف که مخالفت
والصحيح قول انجم هو تقدیم اصحاب اولو الاباب جناب ختمی تاب	

<p> بأشد فائمة الحفاط قاضي القضاة شيخ الاسلام ملك العلماء الامام حافظ العصر ماونى ملكات انساني البوالفضل شهاب الدين احمد بن علي عسقلاني در اصابت في تمميز اصحاب التمييز وثبت عن الثوري في ما اخرج به الخضيب بسنده الصحيح انه قال من قدم عليا على عثمان فقد انزى على اثنا عشر الف عامات رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يرضقنا التسديد والتوفيق وهو عنهم راض انتهى كلامه اعلى الله مقامه وكرم لذك من الشواهد الحدود كما لا يخفى </p>	<p> على المتبعين الفحول باقى ماند تفضيل پس در بودن آن بجهت صغر يحيى نيست حافظ ابو عبد الله در ميزان الاعتدال كه نسخه عقیده آن بفضل از دست خان شيخ نظر بين تشنت البال حاضرت نص برين مني فرموده والله المسئول ان يهدينا سواء الطريق وان يسلك بنا مسالك التحقيق و السدود والتسديد والتوفيق فانه على ما يشاء قد يروى بالاجابة جدير والله يقول الحق وهو يمهدى السبيل قاله بعينه </p>
---	---

وكتبه بقلمه العبد	نعمان الكوفي رضي الله تعالى عنه
الضئيلي انقر عياناً بالليل	واجه اهل السنة والجماعة كلام
اكثرهم زللاً واقامهم عملاً	على هذا الاعتقاد والتفضيلية
عبد العزيز وفقه الله في	فرقة مبتدعة من اقسام الروافض
يومه قبل ان يخرج الامر من	هم نحو مستفاد من فتاوى الخلاصة
يده وابصره بعبوب نفسه	والعالم المكي والتخفة
هو القوي العتيق	الكثير شاعرية وغيرها وما
افضل الناس بعد رسول الله	اجاب المفتة الاول اعني مولاي
صلى الله عليه وآله وسلم لو بكر	سيد علي اعظم فهو حق وضو
ناصديق ثم عمر بن الخطاب ثم	رسوله در المحيبي المصيب جزاها الله
عثمان بن عفان ثم علي بن ابي طالب	خيه ائمه العاصي محمد مظهر كرم
رضي الله عنهم اجمعين كما صرح	عنه عنه ساكن دريا آباد دوله
امامنا سراج الامة ابو حنيفة	تواب اقدام تلامذة ملايك العلماء

في النقي

قدوة العرفاء مولانا بحر العلوم

ابو الحسن محمد علي

عبد العلي محمد قدس سره

صح الجواب حرره

محمد كريم

عن عنه
محمد رحمت الله

الاشك في فضيلة الخلفاء على

حسب ترتيبهم في الخلافة في في الواقع انضلت خلفاء على حسب

كثرة الثواب وقد اتفق عليه ترتيبهم في الخلافة ثابت استكتبه

انجبور من سلف والخلف ابو الجيش محمد مدي عني عنه

ابو الشيخ محمد

الاسيد فضيلة الشيخين على

من عداهم من حيث كثرة الثواب اصاب المجيب كتبه اضعف

فانه متفق عليه بين جميع اهل عباد الله محمد فضل الله عني عنه

ذلك فضل الله

السنة والله اعلم حرره الرحي

عفور به القوي ابو الحسنات لاسيب في فضيلة الخلفاء على

محمد عبد الحى تجا وز الله عن نبه ترتيب الخلافة بانفسهم لا

يسبب الخلافه وعليه العلماء من المتقدمين والمتأخرين وفاته قد نطقت الاحاديث القوية من خالفهم فقد خرج من اهل السنة والجماعة والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب نفعه خادم اولياء الله الكريم محمد ابراهيم غفرله الله الرحيم ابن مولانا المولوى علي محمد المرحوم والغفور فرجني محله	بالروايات الصحيحة المستندة قد نطقت الاحاديث القوية وقد وردت الاخبار الصحيحة بان فضل الخلفاء على حسب ترتيبهم في الخلافه رضي الله عنهم اجمعين وعليه جمهور علماء اهل السنة من الاولين والآخرين ومن اعتقد سوى هذا الاعتقاد القويم فقد مال عن الصراط السوي المستقيم كتبه
هو الاعلام الجواب صحيح موافق لما في الكتب المعتبرة المعتمدة مطابق بما ثبت	المدعو بعباس بن علي عفا الله عنه ذنبه اخفي واجلي هو المصوب

الجواب الاول مقرون بالتحقيق	هو الموافق والمعين
والصواب ومن يدعى خلافه	ما احسن ما اجابه المجيب و
فهو راقض مفتر كذاب اللهم	ما اتقن ما صححو في اقام المنة
اجز المجيب عن سائر اهل السنة	وهذا التصحيح مني لاحقا ونقد
خير الجزاء وانت الشافي لاشفاء	نمقت في جواب هذا الاستفتاء
لاشفاء لك فاشفه عن الداء	سابقا امتثالا لامر المجيب لعل
كشبه العبد العاجز السراجي الى	الاعظم بحيث يسكت لنا ظم
رسمة ربه القادر الاحد ترب	المنصف ويفجده من اراد ردا
خال او ياره فحما الدين احمد	عليه يطلبه من عند هذا
اعطاه لله حبه واتباع سيد	المجيب لينزل ريب الرب
امر سلاين وحضره في زمره	وانا العبد الاسى العاصي
المساكين	الاواه محمد شامد عوا بلطف الله
افضل الدين حمد	محبت خطاياها وجعلت آخرته

خيراً من اولاه ويوم تحريزنا	أصاب المجيب الاول فجوابه
هذا عشرين من جمادى الاخرى	حق والحق احق بالاتباع وخلافه
سنة من هجرة نبينا محمدا	باطل والباطل الزم الاجتناب
المصطفى صلى الله عليه وسلم	لانه رفض ويدعة وخلاف
وعلى اله المجتبي وصحبه اخوان	للسنة والاجماع فمن شذ شذ
الصفاء خصوصاً الاربعة	في النار كتبه العاصي محمد عبد الوهاب
المتناسبة الذين وصفوا	السائق في دار العلم والعمل ونحو محل
بالرحمة والرفقة وثبتت فضيلتهم	من محلات البلدة لكن عفا الله عنه
بقريب الخلافة على الاجماع	محمد عبد الوهاب
المختار وان خرق فيه البليد	أجواب صحيح لا ريب فيه
المختار والله ولي الهداية	نمقة محمد شمس الدين عفي عنه
والتوفيق ومنه الوصول	أصاب المجيب
الى سواء الطريق فقط	نمقة محمد امان الحق عفي عنه

المجيب مصيب بهذا الجواب كسيك اعتقاد فضيات حضرت علي	ومن انكم من فضائل خلفاء
كرم التدوير بر اصحاب ثلثة مبداء	الراشد بن رضوان الله
وترتيب تفضيل خلافت منحصر بر امور	عليهم اجمعين فهو خاط ومفتقر
سيات مدني ميگمارد بلا شك	كذاب كته الراجي الى رحمة
از حيطه اهل سنت وجماعت خارج است	رب الفلق محمد لمعان الحق
وبلاريب بدائرة تفضيلية داخل كجا	غفر الله ذنوبه وسائر عيوبه
صحر به المجيب المصيب	امن اجاب فقد اصاب خيرا
ناقلا من الكتب المعتبرة	خيرا الجزاء يوم الحساب
الاقوال المعتمدة في الجواب	حرارة الراجي الى رحمة ربه
جزاء الله تعالى خيرا في يوم	الباري محمد عبد الحبار
الحساب لانه سعي لا ظهار	الملكافوري البراري
الحق ونحو الجواب بالاصواب فقط	هو العزيز الحكيم
حرارة الفقير الى رحمة ربه	

الرحيم محمد عبد العزيز

٨٦
محمد عبد العزيز
عفونه

ابن مولانا الحكيم محمد نور كريم

المرحوم المغفور الدراياكادي

هو طنا والقدرائي نسباً

الذي في هذه الرسالة حق و

الحق احق بالاتباع

كتبه جميل احمد عفا الله عنه بلكراي

اصاب المجيب الجليل اعطاه الله

الاجل الجزيل وهو يهدي الى

سواء السبيل +

كتبه محمد اعلم عفا الله عنه بلكراي

هو المصوب

قد اصاب من اجاب والله در

المجيب حيث اتى بتحقيق اتيق

وجاء بما هو احق بالتصديق

ولا شك في فضل الاصحاب

الثلاثة على الرابع ولا شك ايضاً

في فضلهم على حسب خلافهم

والاجماع من عقد عليه وقد صح

حديث لا تجتمع امق على

الضلالة ولا ريب في ان الايات

والاخبار والاثار ناطقة على

هذا المرام واقوال المشائخ

الكبار نادية باعلى النداء على

تصديق هذا الكلام ولا شك

له
سنة علوم
الاسماء علم ادب
وتحقيق باطلان
توفي في سنة ١٢٨٥
بجانب
بجانب

أيضاً في أن ترتيب الخلافة و
الفضل ما كان على الفضل الظاهر
كيف ولو كان كذلك لكان
السلطين الجائز أفضّل
عند الله على الأنبياء الذين
لم يدركوا الملك والمال والنسوة
بأمر الله منه ولعمري الفضل عند الله
هو الفضل الباطني والظاهر
تابع له ولما دلّ لايات والاحاديث
النبيهية وأقوال الصمّة والنسّاخ
على فضلهم ثبت أن فضلهم
كان بالباطن أولاً وبالذات و
بالظاهر تبعاً وبالعرض والله

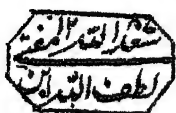
شاهد عليه وكفى بالله شهيداً
ولا شك ان الظاهر مطلقاً تابع
للباطن وليس الفضل فصل
الظاهر الذي خالف الباطن و
الله لا ينظر الى اقوالهم بل الى
احوالهم ولولا الاستعجال
لا ثبت بتصريري ما في البكال و
زدت توضيحاً حقيقته بحال
كتبه محمد امد عو بقطب الدين
الحنفى القادري الكنوى قفر
بلدة رامپور

[illegible]

ويثيب والآخر كما حقق من مذهب
 جمهور اهل السنة ان الفضل
 الكلي الذي يوجب فضل الثواب
 الاخر ويبين الخلفاء الرشدين
 على ترتيب الخلافة ومن اختار
 وراء هذا فقد سلك غير الصراط
 المستقيم وخلافه
 فقه العبد الاثم الاواه
 محمد سعد الله عفا الله عنه
 عاجناه ووقفه لما يحبه ويرضاه



ان هذا الجواب قريب بالحق
 والصواب كما لا يخفى على
 الاالياب بحرره احقر الطالب
 محمد لطف الله عفا الله عنه



شك نيت در فضليت خلفاء
 راشدين رض بر غير ايشان از صحابه و
 اما اعتقاد فضليت ايشان فيما بينهم
 بحسب ترتيب ايشان در خلافت
 وراموز ظاهره ياد در علوم باطنيه باشد
 نوجب اهل السنة والجماعة است
 فمن خالف فقد خرج من هذا
 المذهب الشريف وسلك

مسلكاً اخر والله تعالى اعلم و
علمه اتم حرارة العبد الاثيم
محمد عبد الكريم عفى عنه

غلام اكبر خان
محمد
عبد الكريم خان ولد

عبد الكريم خان ولد غلام اكبر خان
صحر الجواب والله اعلم بالصواب
نمته عبد الكريم عفى عنه

غلام اكبر خان
محمد
عبد الكريم خان ولد

هذا الجواب مطابق لكتاب اهل
السنة والجماعة

محمد عيسى
عبد الكريم خان ولد

اما بعد فقد استمسك بالحرقة
الوثقى من اقلع شواكش كونه
قلوب الشاكين بالجواب
الاسنى وينظر لما عرفت
ما اجاب فديت نفس انتكاس

الى ما اصاب

محمد عيسى
عبد الكريم خان ولد

اصحاب

محمد عيسى
عبد الكريم خان ولد

الجواب

محمد عيسى
عبد الكريم خان ولد

محمد عيسى
عبد الكريم خان ولد

محمد عيسى
عبد الكريم خان ولد

الجواب صحيح والراي نجي

٨٩
محمد نبشارت اللہ
مدرس مدر

الجواب مطابق لمذهب

اهل السنة والجماعة

مولوی محمد اسحق
محمد نور النبی ولد

محمد نور النبی علی غنی عنہ فقیہ راسپور

٨٩
سید احمد
ولد
مولوی سیف الدین

محمد مولوی سیف الدین مدرس مدر

فاضل سندھي
احمد شاہ ولد

الجواب صحيح

١٢ ٢٣

محمد حبیب اللہ
فقیہ راسپور

ما اجاب به المجيب هو الحق

الملتقى بالقبول الذي استقر

عليه اراء العلماء الفحول وهو

المؤيد بالكشف الصريح لمجمع

عليه لا كبر الاولياء واما جد

العرفاء وفيه النجاة من الشفاء

والعناء والله سبحانه الهادي

الى السبيل السواء

٨٩
محمد
محمد ارشاد حسين

اصاب من اجاب والله دد

لمن اجاب



الحنفي مذهباً والقادر مشرباً
والفساوسري ثم الصواتي وطناً

عبد الوهاب

بلدة شاهجهان پور

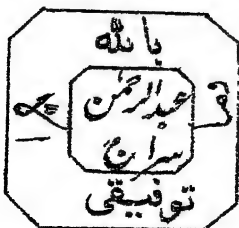
الجواب صواب محمد حسين رامپوري
ما اجاب به الاستاذ النجف قادم
الفاضل اهما جناب مولوي
محمد ارشد حسين دام فيضهم
مصححاً لهذه الفتوى فهو الحق
القراح والانصاف الصراح
وعليه اهل السنة والجماعة
رحمهم الله تعالى اجمعين
نفقه العبد الاواب محمد عبد الوهاب

قد نظرت في هذا الجواب من
اوله الى آخره فوجدته على
اعظم تحقيق واتم دقيق وعلى
اسلوب عجيب وفجر غريب
جزى الله تعالى المحيى خير الجزاء
وخشيره في زمرة الصيابة
الكبراء امين ثم امين ثم امين
خير خواه امام محمد نظام شاهجهان پور
عفا عنه الله المنعم

في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين

الأخيار وفضل الأربعة أبو بكر
 ثم عمر ثم عثمان ثم علي رضي الله
 تعالى عنهم اه ثم قال وخلافة
 الأئمة الأربعة كانت بختيار
 الصحابة واتفاقهم ورغبتهم
 ولقد نزل كل واحد منهم في عصره
 وزمانه على من سواه من الصحابة
 انتهى كلامه بالفاظه الشريفة
 ثم قال في بيان الشيعة انما قيل
 لها الشيعة لانها تشيعت
 علياً رضي وفضلوه على سائر
 الصحابة ثم قال قيل ان الشيعة
 من لا يفضل عثمان على علي رضي

والرافضي من فضل علي عثمان
 ثم ذكر في بيان عقائد
 الرافض ومن ذلك تفضيلهم
 علياً على جميع الصحابة انتهى
 أمر برقمه خادم الشريعة
 والمنهاج عبد الرحمن بن
 عبد الله سراج الخنفي مفتي
 مكة المكرمة حالاً كان الله
 لهما حامداً ومصلياً مسلماً



في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين

الحمد لله وحده وصلى الله وسلم
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين
 في قوله تعالى واقتلوا المشركين

الحمد لله رب العالمين
 على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 صلوات الله عليهم
 اجمعين
 من مائة الف
 الحمد لله رب العالمين
 على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 صلوات الله عليهم
 اجمعين

<p> والجمعة وما أنقل في هذا السؤل عمن يقول لا دخل بالتحلفاء الثلاثة في الامور الباطنية فهو نزعة شيطانية واما قوله فصل لهم فضل السياسة المدنية فقط فهو خطأ عظيم والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه اجمعين لا شك و لا ريب في افضلية الصديق ثم لقارن ثم دى النودين ثم اى الحسين على هذا ان يرب عند اهل السنة الى صراط مستقيم </p>	<p> والجمعة وما أنقل في هذا السؤل عمن يقول لا دخل بالتحلفاء الثلاثة في الامور الباطنية فهو نزعة شيطانية واما قوله فصل لهم فضل السياسة المدنية فقط فهو خطأ عظيم والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه اجمعين لا شك و لا ريب في افضلية الصديق ثم لقارن ثم دى النودين ثم اى الحسين على هذا ان يرب عند اهل السنة الى صراط مستقيم </p>
---	---

حسين
 ع


الحمد لله رب العالمين
 على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 صلوات الله عليهم
 اجمعين
 من مائة الف
 الحمد لله رب العالمين
 على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 صلوات الله عليهم
 اجمعين

الحمد لله رب العالمين
 على سيدنا محمد
 وآله الطاهرين
 صلوات الله عليهم
 اجمعين

كتاب خير من كتاب
 عليه بن محمد بن
 الخليل بن محمد بن
 المشرفة بمكة
 مسلم بن حامد
 حبيب بن عبد الله

١

كتاب خير من كتاب
 عليه بن محمد بن
 الخليل بن محمد بن
 المشرفة بمكة
 مسلم بن حامد
 حبيب بن عبد الله

<p> عنه وكرم وجهه على الخلفاء الثلاثة ابي بكر وعمر وعثمان رضي الله عنهم او يقول ما لهم فضل عليه رضي الله عنفي لانه الباطنية او يقول لادخل الاصحاب الثلاثة منون الله تداني عليهم في الوية اباصية او يقول انما حصل لهم القضيصة بعد الخلافة لامن تباين فعل معتقدى هذه الكلمات يطلق اسم التفضيلية ويحرم انه مخالف الاجماع اهل السنة ما جورين </p>	<p> كتبه الحقيق محمد بن عبد الله بن حميد وفق الخليل به بمكة المشرفة حامدا مصديا مسلما محسبا هو قلا  </p>
<p> بلدة مطهرية في مدينة يثرب نفعهم صل على سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين ما قولكم دام فضلكم علماء اهل السنة والجماعة اصحاب الشريعة والطريقة فيمن يدعي انه من اهل السنة والجماعة ويفضل عليا رضي الله </p>	<p> بلدة مطهرية في مدينة يثرب نفعهم صل على سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين ما قولكم دام فضلكم علماء اهل السنة والجماعة اصحاب الشريعة والطريقة فيمن يدعي انه من اهل السنة والجماعة ويفضل عليا رضي الله </p>

١٢١

كتاب خير من كتاب
 عليه بن محمد بن
 الخليل بن محمد بن
 المشرفة بمكة
 مسلم بن حامد
 حبيب بن عبد الله
 كتاب خير من كتاب
 عليه بن محمد بن
 الخليل بن محمد بن
 المشرفة بمكة
 مسلم بن حامد
 حبيب بن عبد الله
 كتاب خير من كتاب
 عليه بن محمد بن
 الخليل بن محمد بن
 المشرفة بمكة
 مسلم بن حامد
 حبيب بن عبد الله

كتاب خير من كتاب
 عليه بن محمد بن
 الخليل بن محمد بن
 المشرفة بمكة
 مسلم بن حامد
 حبيب بن عبد الله

2

کتابخانه ملی افغانستان
دور در ویت نام
کریستین و مال
محل الکتریک و مکان
موسیقی و آلات
کتابخانه ملی افغانستان
دور در ویت نام
کریستین و مال
محل الکتریک و مکان
موسیقی و آلات

در روز
 که سید محمد
 رسول الله صلی الله علیه
 وسلم زنده بود که افضل
 است بنی صلی الله علیه
 وسلم بعد از او که بر
 سینه یسعی بنویسند
 خاتم ذر و در دست
 طبرانی این کتب است
 این نیز بنی صلی الله
 علیه وسلم را این کتب
 بنویسند و در آن حضرت م

۱۳۴

این مقام هر چه میسر شود
تسلی بر اینان باشد و هیچ
علی و لکای که در این
از خداوند بزرگوار
تصفیاء امام است و این
السبحان و تعالی و این
بر این در کتب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

الصلابة رضي الله عنهم
 وصح من حديث بن عمر رضي
 عنهما في صحيح البخاري
 قال كنا في زمن النبي صلى الله
 عليه وسلم لا نعدل بأبي بكر
 أحدا ثم عمر ثم عثمان ثم
 نترك أصحاب النبي صلى الله
 عليه وسلم لا تفاضل بينهم
 وفي رواية إبي داود
 كنا نقول ورسول الله صلى
 عليه وسلم حي أفضل أمة
 النبي صلى الله عليه وسلم
 بعده أبو بكر ثم عمر ثم

عثمان زاد الطبراني فيبلغ
 النبي صلى الله عليه وسلم
 فلا ينكره وفي البيهقي
 والجواهر للهمم الشعراني
 عن البخاري مثل رواية
 إبي داود وزاد ثم علي ولا
 ينكر ذلك علينا انتهى قال ابن
 الهمام وصح في صحيح البخاري
 أيضا من حديث محمد بن الحنفية
 قلت لأبي يعنى عليا رضي الله
 عنه أي الناس خير بعد رسول الله
 صلى الله عليه وسلم فقال أبو بكر
 قلت ثم من قال ثم عمر وخشيت

[illegible]

فصل اول در بیان احوال و حال

الشيخ **عمر النسفي** في عقائد أهل السوق لا ثبتت فضلية
 أو شرحاً لعلامة التأني لمولى المذكور، وبه يظهر أن بكره
عبد الدين التفتازاني اغتسل من ماء أو لا نعم به انتهى
 من ما نقلناه أنفاً عن ابن إمام، قال في ثبوتهم المقام حسن
 ونسب لعلامة الخياي في مثل هذا لك، ثم إن كان
 من **عبد الرحمن المعتزلي** أظهره نقضاً بغيره لكن
 لا بد من بقاء عليه لصلو لا والله يساق لا ثبات فضلية
 من حديث أبي الدرداء المذكور انتهى وقد ذكر مثل
 من **عبد الرحمن** في بكره ما عثر به أنفاً عن الأئمة
 من هو حيد منك المذكورين إلا أنه الزاهد
عبد الرحمن في عقيدته الشهيد
عبد النبيين وأمر سليمان على أبي فضل المكي كما ترجمه
 أحد فضل من أبي بكر مشي العلامة **عبد السلام**

۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶

[illegible]

والله اعلم بالصواب
 والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

الحنفى اطل الله بقاعة	الحمد لله تعالى اما بعد فما اجاب
بمقتضى	به العالم العلامة مفتي السادة
قاضي	الاخناف ببلدة سيد الاشراف
الحمد لله عز شأنه اما بعد فما حرد	هو الحق والصواب وهذا مذ
العلامة المحقق الفهامة مفتي	اهل السنة والجماعة الذي يعول
المدينة المنورة هو الصواب	عليه ومن يقول بغيره زائع رافض
ومذهب اهل السنة والجماعة	لا يلتفت اليه ونعوذ بالله تعالى
الذي يعول عليه وغيره مذهب	من شر اهل الزينة والضلال ان نسأله
رافضى لا يلتفت اليه سبنا لا نرغم	التعقير لما يرضيه واتباع الحق واجتناب
قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا	نواهي
من لدنك رحمة اناك انت الهاب	حرمة الفقير الى الله تعالى الحمد لله
حرمة الفقير اليه عز شأنه الرئيس	تليد مشيخ العلماء المدريين بمدينة
احمد مخان مفتي الحنابلة بالمدينة المنورة	سبيلا المسلمين الشيخ يوسف الغزي

والله اعلم بالصواب
 والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

والله اعلم بالصواب
 والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

والله اعلم بالصواب
 والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

والله اعلم بالصواب
 والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

والله اعلم بالصواب
 والحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

المجيب حق والحق باطلاً

المجيب مصيب

سيد امير عفا الله عنه
المتوطن كاشغر

سيد محمد يحيى
پليشاكوري

المجيب حق والمخالف رافضي والسائل شيعي

الضعيف غلام احسن كاشغري

خاتمة الطبع

سده

الحمد لله العلي العظيم والصلوة على رسوله الكريم كه اين معجوزہ روزگار یعنی فتوای
مشتمل بر فضیلت چار یار برجمان و سابقیت تبریت خلافت از افادات
قدرة العلماء و الفضلاء حضرت مولانا سید علی اعظم صاحب قلم
پهلواروی مدظلہ العالی کی ازاو لا حضرت مخدوم جانیان سید بلال بجا
قدس سرہ ست متقمن بحقان ایل سنت و جماعت و مذہب اولیاء اللہ صلیا
کشف و استقامت سیمی بہ معیار المذہب مدلل و برہن آیات و امارات

وکتب عقائد و فقه و مستند کتب و ملفوظات مشایخ صوفیه صاحبزادان
 از هر سلسله خصوصاً سلسله عالیه قادریه و چشتیه و فردوسی و نقشبندیه و
 مجدی و غیره و مشیخه بوا میر و تحریرات و تصحیحات علمای اعلام و فضلاء
 مدرّسین برره گرامی یعنی مفتیان به چهار ندریب مکّه معظمه و مفتیان و مدرّسان
 مدینه منوره و استیاضه علمای بلده طبعیه زاد هم التذوّق و تعلیم و علمای عالم
 راسخ و لکهنه و دلی و مراد آباد و کانپور و سمانپور و پانی پت و تعلیم آباد و بلده کلکتہ و
 و مستند و محلی بدستخط و قبولیت زبدۃ العارفین اسوۃ الفاضلین شیخ العالمین
 حضرت سجاد نشین قصبہ پہلواری و سجاد نشین حضرت مخدوم الملک شیخ
 شرف الدین احمد کھنیری بهاری قدس سره که در ششماہ بھری الیف شدہ
 بود اکنون در اوائل جمادی الآخرہ ۱۲۹۲ھ حسب اجازت جناب مصنف علامہ تہا
 راجی خفران محمد عبید الرحمن بن حاجی محمد روشن خان و تربیت یافتہ خدمت
 برادر معظم محمد مصطفی خان از علما التذوّق و تبحر و در طبع نظامی واقع کانپور حلیہ
 الطبع پوشید و لباس اقسام در بر کشید

قصیده مشتمل بر چند سخنان متعلقه معیار المذہب و تاریخ طبع آن را

مولوی محمد منیر سلمه الله و رقاہ متخلص به جسر است پہلواروی

هزار حمد و ثنا بحسب فضل و منعم	که فضل اوست برون از عقل اصلا
شود بجدتش لال ملو طے خاص	رسد باوج کمالش چه مرغ و هم نام
محمدش چو بگوید بحمد کلا اخصی	که راست یار که آنرا کنون کند نجاب
مفضلیکه باخیز از غفلة ترمود	بخیر خواد اتم همه خطاب خیرا
چه غیر خلق که گراونمیدے مخلوق	نی نماید فلانق بملک بستی گام
ز نور حق چو منور شد آن سران منیر	پایدار شد ز رخ افورش چه نام
نمایان شود اوصاف آن معالما	لا اکند بد رگاد عالیش حرام
امام خلیل سل خیر و افضل آنها	چو انجم اندر سوالان و آن چو ماه تمام
رسول رحمت عالم ملازم محتاجان	مشفق است و شفیع عصات و فقام
رسد حضرت حق در جناب اقدیر	ما دم تحفه مرصیہ در و دیو سلیم
کنم مدائح اصحاب و آل او که بوند	ارعات بہت او و محامات دین اسلام

بجله آل و صحابه که کلمه خیر اند
 مرا این سپس اظهار کردن مقصد
 کسی عقیده تفضیل کرد استفتا
 چه مکی سنت و ماحی ظلمت بدعت
 عدو رافضی و حنابری و مابانی
 برای گردن تفضیلیان و بیت جان
 عقیقت و ذکر و مباحث شاغل و کاسب
 سوختیکه کند کار خلوتش جلوت
 سره که بگردش گئی بگرد و هم
^{بسیار در جمع آن سران و اصحاب}
 بجاده و شمت و عزت و علم و شرف
 بزرگشانی و تدریس و ذکر خیر و بخلق
 بدین جواب که تحریر کرد آن خیر
 هم از حدیث و هم اجماع و صحب آل نبی^ص

رسد مرا هم و رضوان این ازین سلام
 ضرور شد چو رسید درین مقام کلام
 ز عالمیکه نخواست بر او هر راست امام
 حسین مذہب سنی و حامی اسلام
 ز میبشش بگریزند این فرق صد گام
 دوام کلک گمر سلک او مثال حسام
 مطاع ما و مطیع من را و خیر انام
 بود حدتش ندید بکثرت جهان آلام
 چو آفتاب منور گشت در دم افسام
 نیافتند چو آن زان حسد بر ندعوام
 چنان بخلق شد اشتهر که عظمش شناسام
 ز قول پاک خداوند منعم منعام
 هم از عقائد و اقوال صوفیان کرام

ازین جواب به بینی تجر آن خبر
 بود حاجت تصحیح کس برین فتو
 مرتیش زموایر خوشیستن کردند
 اکنون نماند کسی را مجال انکارش
 چو این عقیده ماسنیاں شد و مطبوع

خدا بهر دو جاناش دبد جزای تمام
مگر برای طمانیتِ قلوبِ عوام
ز بسند تا بعب جمله مفتیان خطام
مگر ورا که بود بهر نفس و شیطان ارم
ز فضل ایزد کونین انا برین ایام

بگفت ملهم غنیم که طبع شد حسرت

عقیدہ تیکہ درویشی کس نکر و کلام

ایضاً منہ تاریخ طبع معیار الذہب و زعفران سے

عقائد ماہر سنت و جماعت

ایضاً سنه تاریخ تالیف معیاراً کمذہب و در شرفارسی

شعۃ پاک احباب دور مدارج چار اصحاب

ایضاً منہ تاریخ تالیف در شرع عربی

نعم الكلام ما قال المجيب 'علام هو الاتق بالانتاع من جد وواحد سواء بعدن الاتق

برای انکه در این
فوق العادیه است
ازین مسئله
متعلق به بحث
تفصیل می باشد
خفا در این بحث
و جابجاست
می آید که در این زمان
بحث علیّه
۱۵۹
مسئله
مستعمل
بعضی
در

ایضاً منہ تاریخ تالیف

کرد محمد ریوآن اعظم در روز تفضیلیه منتهای نفیس

سال تالیف بن مائت گفت روز تفضیلیه پیشک نویس

تاریخ دیگر باز جدید و عجیب از مجمع علوم و فنون مولوی احمد کبیر صاحب

ساکن قصبه پہلواری حیرت تخلص

تاریخ طبع فتوای مسمی به عیار الہدای

۱۶۰

در روز تہتم ہجرت رقم ہر پشتریت ماہ فلک طریقت گل گلستان سخاوت

نہر چہرستان فصاحت بحر علم کہ وہ علم حضرت مولوی و مولائے

سید علی اعظم صاحب و قبلہ مدظلہ کہ در شر از من احمد کبیر حیرت

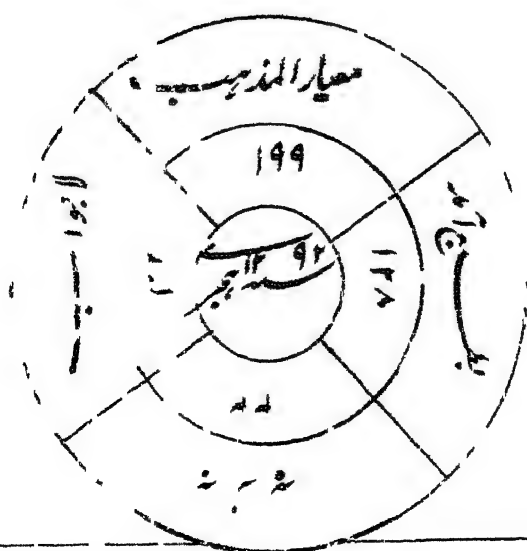
پہلواری بخیر آمدہ پسند خاطر اصحاب سخن باد و علاوہ آن از ہر عدد کہ فرض

کند تاریخ طبع بر آید و طریق استخراجش اینست کہ اگر عدد مفروض طاق باشد

از ہر خانہ یکہ خواهند شمار کنند و ہر عدد کہ از ہر خانہ را انتہای شمار بایند علیحدہ

بنویسند و باز از خانہ پہلویش ابتدا کنند و عدد خانہ را انتہای شمار از پنج ہند

زیره بانه عا در که نوشته اند علی الترتیب نوشته باشند حتی که در این مذهب
 میزان و هجده ۹۲ هجری سال مطبوع یاریده اگر عدد و فروض جفت باشد
 هر جا که خواهد بود آنگاه عدد خانه انتهای شمارنجه بیاید علی بنویسند
 خانه انتهای شمار باز مساوی قرار داده شایسته دانند این آن درست باشد
 حتی که و نمره تمام شود میزان و هجده مطبوع و در باره هر چه باشد
 و این جمیع الفاظ خواه موضوع باشد یا محل انجمن این را باید از دست
 این نسخه بدست که ازین قاصده و اگر برای احمد بدست علی و کتاب



تشریح طبع از وحید العصر فرید الدین مولوی احمد کبیر صاحب مخلص
 بحیرت ابن جناب بنی مولوی محمد فرید صاحب رحمۃ اللہ علیہ ساکن قصبہ پہلو
 کہ نہ ہر شرط ۹۲ ہجری برمی آید و اگر از زاویہ امین محرف تا زاویہ الیشر باشد
 ۱۸۵۵ عیسو ماصل گردد و اگر از زاویہ امین محرف تا زاویہ امین دیگر ۸۲۲۵ فصل
 بی کم و کاست ظاہر شود

سال المع جدید حیا المذنب		۹۲ ۱۱ ہجری	
این گنجینہ پاک بحوالہ پای قریب	بائبرہ لطیف رب	نو آئینہ مولانا	وسید نامو لو
ع	اعظم	صاحب	همہ وجوہ
اکھمل	وارنج	بیرایہ	ترکیب مطبع
درآمدہ مطبوعہ الی شیشہ	واہل بن محمد	این اجوبہ	زب این وایا حاصل
ایضاً		ہست نور شید سپر عالمان	
مولوی سیرت بنی بنیاد		سال ان نوشت بحیرت ایمان	
چونکہ فترت مطبوعہ طبع تمام شد		۱۱۲	

فہرست مضامین و بعض فوائد رجال المذہب

صفحہ نمبر	مضامین و فوائد	اسامی کتب منقول عنہا
۳	ثبوت افضلیت خلفہ رضی اللہ عنہم قبل خلافت	شرح عقائد السننی و نہایت
		احاطہ بیدار و عبارت نہایت
		طالعین و بین ہادہ و مسند
		واقعہ مست
۳	حاشیہ ثبوت تقدم درجہ اہل حضرت صدیق رہا قبل ہدایت	مرجع النبوة شیخ ابو جعفر
		محدث و ہدیہ
۴	ترتیب افضلیت از آدم علیہ السلام تا محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم	مشاہیر و کتب
	وانعقاد اجماع برین ترتیب افضلیت	قاضی تمثال علی بن محمد و
۵	ثبوت افضلیت خلف رضی اللہ عنہم	صحیح بخاری و سنن ابی داؤد
۵	حاشیہ ایضاً	تفسیر الموصوف
۸	حیث اجماع تفضیلیان از قول حضرت سفیان ثوری ر	سنن ابی داؤد
۹	ثبوت افضلیت عثمان ر	صحیح بخاری و
۱۰	حاشیہ افضلیت بر جلیلہا بر ترتیب خلافت باجماع صحابہ و انصوص	مادہ برہنہ و نہایت
۱۰	ثبوت افضلیت بر ترتیب مذکور از قول جمہور سلف	شرح عقائد السننی و نہایت
۱۳	حدیث بروایت حضرت علی رضی اللہ عنہ و فرمودن حضرت ابوبکر بلکہ خواہد شد	مشکوٰۃ شریف
	بمسبب من قسمہ و کی محب مظهر کہ سالتش کند مرا با آنکہ نیست درین دو گروہ	
	دارند کہ برائے خیر یکند از او دشمنی من بر اینکہ بہتان بندہ درین	
۱۳	حاشیہ ثبوت افضلیت کلایہ صحابہ ثلاثہ خصوصاً شیخین و حدیث سیم و ابصر فرمودن	صحیح بخاری و
	رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم شریفین ہا	

ردیف	توضیح	مضامین و فوائد	اسامی کتب و مؤلفان
۱۴	قرن	تفسیر حاشیہ جلالی و شیعہ و افضی و مبتدع و دیگر کتب کبیر و بودن تفسیر مزینہ حضرت علی بنی الدین بر اصحاب ثلاثہ رضی اللہ عنہم و تالیف فی شرح غنیۃ الطالبین	تمبید ابو شکوہ صالحی شرح مواقف و تحفہ اشاعشر و تالیف فی شرح غنیۃ الطالبین
۱۵	حاشیہ	تسبیح کون سنگینہ ہار و دست بیخبر اصلہ اللہ علیہ السلام و خلفای ثلاثہ و در دست علی رضی اللہ عنہم نیز	در اربع النبوة منقول از تمبید ابو شکوہ صالحی
۱۶	حاشیہ	مسئلہ تفسیر الخلفاء علی الترتیب اصحی است و مخالفین بن عقیقہ راضی است	شرح حقہ الکبریٰ علی فارسی
۱۹	حاشیہ	صدیق اکبر افضل اویاسی و ولید و آخرین است	شرح حقہ اکبر
۲۱	قرن	شہرت فضل صدیق اکبر عند الناس اختلاف است اما فضل و عند اعداد سہمی است کہ نہادہ شدہ و قلب شریفی	احیاء العلوم از امام محمد غزالی
۲۲	قرن	شہرت فضل حضرت عمر عند الناس از سہاست عدل است و فضل می عند اعدا از علم ہائندست کہ در حدیث عمر ان الامور ثم فی فضل می عند اللہ بقصد تشریح او در ولایت عدل و شفقت می بر خلق و این با مور باطنی است و در ترویج	احیاء العلوم
۲۲	حاشیہ	ثبوت افضلیت باطن حضرت صدیق	رسالة القدیرہ ملحقہ حضرت بہاء الدین بن قدس سرہ
۳۳	حاشیہ	مستند فہم کتاب قواعد العتقاد تفسیر امام غزالی و توفیق موافق مقام اہل السنۃ و الجماعہ و تمام کمال خواندہ شد فہم فہم شریف رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم و پسند فرمودن و سرور شدن شوق فرمودن حضرت سرور انبیا علیہ الصلوٰۃ و السلام بحال امام غزالی و حقاہق آن مع حکایت خواندن ایضا از کتب خود و اولاد بحال ایشان پسند و اولاد شوق فرمودن و سرور شدن یک افضی مع ابزاری عقیدہ باطلہ خود و زجر ہائست فرمودن اولاد و اولاد حق بنزہ انبیا و سرور و کونش از مجلس شریف	نفحات جمعی رح

ردیف	مضامین و فوائد	ملاحظات
۲۳	استشهاد و تظلم و توفیق که در احیاء العلوم واقع شده برینست که سلسله احیاء و تظلم بر وجه ترتیب از تعلیمات است عند الاولین	حاشیه
۲۴	اتصاف و کمالات صدیق اکبر مقامات عالیله بر وفق جنت و مقام انبیاء علیهم السلام	متن
۳۰	اعرف بالصدق اکمل در عرفان ولایت بودن حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه	متن
۳۱	تکلیف استقامت حضرت یار غار و مقامات ولایت انبیا الطیفین حضرت علی علیه السلام	متن
۳۲	استدلال امام غزالی بر تفضیل صدیق اکبر بر سایر اولاد انبیا و ائمه	متن
۳۳	تجلی نمودن شیخ محمد بن محمد دهلوی در تفضیل صدیق اکبر بر سایر اولاد انبیا و ائمه	حاشیه
۳۴	تذکره امدان حضرت رسول خدا صلی الله علیه و سلم با پیش مرچ از حضرت رب عزت	متن
۳۵	قائم مقام بودن صدیق اکبر رسول خدا صلی الله علیه و سلم مقامات عالیله در حدیث	متن
۳۶	بیان تعلیمات خاص اسرار آن نبی چون متذکر علی و حنین و دوام حضور و این فتوحات کیه	متن

ردیف	موضوعات	مضامین و فوائد	اسامی کتب منقوله
۳۷	متن	قطب الاقطاب بودن حضرت صدیق اکبر و غوث امیر العبادت و مقرب بودن حضرت ایشان و همچنین بقیة خلفای ثلاثه حضرت امام حسن و زمان خود با جمیع بودن این خلفای اربعه حضرت امام حسن و دیگر اخصاص محدوده آن کتاب خلافت نظامی و باطنی را در زمان خود باطنی انداخته ام	فتوحات مکیه
+	+	فائده غوث آن است که عالم بسوی او محتاج باشد که فی شرح المشنوی المولانا بحر العلوم قدس سره و سید آن است که فائق باشد بر قوم خود در تفسیر آنکه رجوع آرد خلق بسوی او در مصیبت شدت و تسایر قائلیم ماند و در سر و شدت انداخته و دفع کند آن بلاها را از انما کذا فی شرح المسلم للام النودی سرح	این فائده جدید است که در رساله نیست
۳۸	متن	ثبوت مقام قرنت که بالامی صلیقت و قدرت از نبوت است مرصدیق اکبر را و از همان مقام اشاره کرده شده است بالنسبه فی وقوفی صدره و لبس و بطن است افضل از سایر صدیقین شد	فتوحات مکیه
۳۹	متن	بسم بسم چون تمام حاصل شد مرصدیق اکبر را سر کرده شد و نفس مشرب و می و طهور و قوت آن سر و وقت خود و چون آنحضرت صلی الله علیه و سلم در مرض موت خود برای امامت نماز صدیق اکبر را فرمود حضرت مایشه رضی عنده بود که ابوبکر در رقیق القلوب و تنگبین است و دیگری را امر فرما اما رسول الله صلی الله علیه و سلم نمی شناسد و می در انجام کار بسبب همان سرگرمی شناختن دیگران پس کسی نمی تواند جدا بر در ذات وی صلی الله علیه و سلم که تجاوزه نکرده از مقام خود و خلاقان شد و عقل وی بجز ابوبکر صدیق بود که رفت بر بنی و حرد و شاکر و مضامین خود که مستگیر کرد و ببال آورد و چسبید را	فتوحات مکیه
۴۰	متن	محمد صلی الله علیه و سلم در زمان نبوت خود قطب بود و صدیق اکبر و ابوبکر و عمر و عبد الله بن ابی طالب و در زمان قطب بودند چون رسول الله صلی الله علیه و سلم	فتوحات مکیه

ردیف	موضوع	مضامین و قواعد	اسامی کاتبان و منتقدان
		وفات فخر و صدیق اکبر و قطب شد و عمر عثمان بن عبدالحکیم عبدالمطلب یعنی مادر سند و همچنین است نظام قطب الامان با روز قیامت	
+	+	فائز که در بیان اساتید با فو و حضرت غوث غفرلید شیخ عبید الله و چیلانی رضی الله عنه در مجلس بود الشان و شان من شعبان هجری مرقوم است قطب آنست که خورشید آشناسیدن و تصرف کردن او و کفر و تصرف بنی علی علیه وسلم باشد و تصرف بن قطب شن تصرف بنی چراغ باشد و حق آنکه قطب غلام یعنی کودکی بن نبغیغه نبی است و راست او آن غنیفه رسول و خلیفه حق تعالی است این خلافت باطنی است مادر سید سلیمان است قدم بر نه و این خلافت ظاهر است قطب آن کس است که حد نیست کئی از سلیمان ترک متابعت اطاعت او استی مترجم	این مدبر بدین شکل رساله است
۳۳	متن	ملاقات کردن صاحب فتوحات مکیه حضرت علی و صفی و حدیث اکبر و عمر رضی الله عنهما و آنچه تقریبات از آنحضرت مبسوط است	تألیف بریده در رساله مکتفه بریده با فو و لعلها قدس بر کبر تجلیات در مشیت نفس ذمیر
۳۴	متن	ثبوت تقضیس علی بن ابی طالب	کتاب سید شیخ خیا در حدیث محدثیه سجده تفسیر حدیث

ردیف	موضوع	مضامین و فوائد	اسامی کتب بقول عنما
۴۷	متن	ثبوت تفصیل علی ترتیب الخلافه	شرح آداب اللمعین تصنیف مخدوم جهان قطب البیت حضرت شیخ شرف الدین محمد بن سیدی بهار قدس سره
۴۸	متن	استدلال بر فضیلت از حدیث یکی دال بر فضیلت مطلقه و دیگری دال بر فضیلت مطلقه و فضیلت علم باطن بالخصوص	شرح آداب اللمعین
۴۹	متن	استدلال عقلی بر فضیلت و جامعیت صدیق اکبر علیه السلام	شرح آداب اللمعین
۵۰	حاشیه	تائید دلیل عقلی مذکور از حدیث شریف	احیاء العلوم
۵۱	متن	ایضا از صاحب شهاب و نظائر در مدح حضرت امام اعظم رح	استبصار و نظائر
۵۲	حاشیه	بیان بعضی از احوال حضرت مخدوم جهان محمد قدس سره و ذکر شرح	اجمال الاخبار از شیخ عبدالحق محدث دهلوی رح
۵۳	متن	عبارت راحت القلوب	مخطوط حضرت شیخ الاسلام شیخ فرید گنج شکر قدس سره
۵۴	متن	استدلال بر فضیلت هر چهار ائمه برتر بخلاف از آنکه محمد رسول الله و الاذین بعد الا	شرح آداب اللمعین
۵۵	متن	تخصیص باین الفاظ (برین دلیل آمده که عثمان بهتر از علی بود)	شرح آداب اللمعین
۵۶	متن	استدلال بر تقویت و برتری صدیق اکبر علیه السلام از حدیث شریف	آداب اللمعین
۵۷	متن	تقریر پسندید در شرح این قول	شرح آداب اللمعین
۵۸	متن	دلیل بر زود قوت قطبیت صدیق اکبر علیه السلام که بر زود قوت حضرت سرور کائنات صلی الله علیه و سلم از وی رحم اینطور آمده	آداب اللمعین
۵۹	متن	تقریر در بیان قوت ولایت از صدیق اکبر علیه السلام که سی و سه هزار صحابه بودند در آنوقت که صدیق اکبر بر میر رقت و خطبه خواند آنکه	شرح آداب اللمعین

ردیف	متن	مضامین و فوائد	سامی کتب منقول عنہا
۵۳	متن	پس منسج تابع راس باشد و از آب حلّی نہ باید حاصل مصلح آنکجا نماند گوشها بنا بر خصوص مستقل میناید لیکن در حقیقت انہرست و چندین صدیق اکبر و بلکہ اللہ کامل محمودا اگر چہ بطایر از جهت تعیین غیر حق و یہ می شود لیکن حقیقت اوست اگر تعیین او از نظر شش برخاستہ انتہی	مثنوی مولانا روم مع بعض فوائد شرح از بحر العلوم قدس بہا
۵۴	متن	استلال بر ثبات و جماعت حضرت صدیق اکبر و حکایت سوال اعرابی و جواب از حضرت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وسلم شعر کمال قرب و اتصال و تقریر صدیق اکبر و تجرید نوشتن مخدوم جہان معلوم شد کہ اور از محل خاص بود کہ دیگران را نبود	آداب اللمیدین ابو شیخ ضیاء الدین ابو نجیب سہروردی شرح آن از مخدوم جہان بہاری
۵۵	حاشیہ	غزل در بیان حال صدیق اکبر و تقریرش در کمالات نبوت	دیوان حضرت مولوی شاہ نیا احمد قدس سرہ
۵۶	متن	تحریر مشہور و حدیث یکے لم یفضل ابو بکر کثرۃ صلوة آخ و دیگری ماصب اللہ مشایخ فی صدری الا و قد صدقت فی صدای بکر و بیان علو در صدیق رضو حضرت مولانا مظفر علی قدس سرہا	مکتوبات بہت حضرت مخدوم الملک موسوی حضرت مولانا مظفر علی قدس سرہا
۵۷	متن	عبارت مشتملہ بمعنی حدیث ان اللہ تعالیٰ للمخلوق علامۃ و الابی بکیر ص	مکتوبات صدری
۵۸	متن	عبارت مشعر بہ تقریر صدیق اکبر و کمالات	مکتوبات صدری
۵۹	متن	در بیان حدیث ماصب اللہ فی صدری الخ و فرمودہ انی شیخی کہ (تا حال است مثل اینچنین پیر یعنی محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم مثل چندین مرید یعنی صدیق اکبر رضی اللہ عنہ دیدہ و شنیدہ نشود) یعنی چنانکہ مثل خاتم النبیین متنع و بحال است چنانکہ مثل این افضل الصّٰلِحین متنع و بحال	فوائد رکنی حضرت مخدوم الملک بہاری قدس سرہ
۶۰	حاشیہ	تایید بر ہمین معنی پیر و مرید	کچھ فیاضی منقول از

نمبر	مضامین فوائد	اسامی کتب مشتمل بر
		اقول حضرت سلطان سید شرف جهانگیر قدس سره
۵۰ متن	حدیث امام فضل ابو بکر کثرت صیام الخ	شرع تعویف
۵۱ متن	سند برو حدیث یعنی ماصب الدائم والمفضل ابو بکر الخ که بر علو مرتبه واکملیت حضرت صدیق مطلق است	درایح النبوة
۵۲ متن	عبارت شش خطی خصوصیت و منقبت عظیمه صدیق اکبر که بی اعانت و کمکی گذرد در بارگاه رسالت دشوار است	مستوبات قدوسیه که قصبه لوقه شش خطی مکتوبی حشمتی قدس سره
۵۳ متن	صدیق اکبر بار غار بود کمال جمال او این مقدار بود که پنج کسان او را میادین و آخرین مرتبه او میرسد	مکتوبات قدوسیه
۵۴ متن	درین مقام صدیق اکبر چنان بلند رفت که دست هیچ ولی از ابتدای عالم آنها گروه بن اعلامی او نگشت صورت اولیوت محمد صلی الله علیه و سلم در صحای دل پدید گشت اللف از اینجا معنی تشبیه بالنبی با صلی الله علیه و سلم که بعضی علم و معنی افضلیت آنرا قرار داده اند تصور باید کرد اینجا عجیب تقریر و دقیق صدیق اکبر با آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که محمد رسول الله در قاص توسین او ادنی زاد با دوی بیک صورت و بیک معنی لاجرم تناف خلعت بصورت حاجت نیامد که در معنی مرز و بیک معنی آمد	مکتوبات قدوسیه
۵۵ حاشیه	کجا رسانید صدیق اکبر این ادب و مقام و انوار اند بجا نودی و بی سبب که بچشمش رسانستی تبعید غلظت این فتوی بن مقدر و بخور ساحت فرزند که (انجا فی رسانید که بچشمش نرسد)	درایح النبوة

ردیف	موضوع	مضامین فوائده	اسم کتاب و مؤلف
۴۰	متن	حدیث ماصب الله الخ به تقریر خود	مکتوبات قدوسیہ
۴۱	متن	حضرت صدیق رضی اللہ عنہ قدم بکمال رسانید و در غار یار غار شد و گفت من بعد از منی را در جلیان محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم دیدم ابو بکر و علی را از فقر داشتی و عثمان و عبد الرحمن بن عوف را بر خاک گماشتی چون بفروان پیر بودی و پنج زبان شدت بلکه همه کمال بر کمال بود و هر چه کمال چربال می افزود و اگر	مکتوبات قدوسیہ
۴۱	متن	غیر صحابی اگر چه در مرتبه رفیع رسد و صاحب الایمان و صاحب تقوی و عطا گوید و بر توبه صحابه کرام نرسد که فضل صحبت فضل کلی است و آن فضل جزئی و فضل جزئی با فضل کلی برابر بود از حیث است که صدیق را گیرند و از حبس اولیای عالم فضل آمد که از ابتدائات امتنا فضل صحبت یافت ماصب الله شیخانی فی صدری الا و قد صحبت فی صدر ابی بکر شرافت	مکتوبات قدوسیہ
۴۲	متن	از علامات اهل سنت و جماعت تفصیل شش چیز است نخست پس هر که تفصیل و بر پنج چیز فشرقی را یا عشی را ولی را یا علی را پس تفصیل و همه از باب خداست است و جمیع است از اصحاب پادشاهان و امرا بر حصیان ایمان و اسلب میکنند و عاقله الدین و کمال پس چون حال ایمان انجمن شد پس از کجا حالات و مقامات خواهند بود و امتی مترجم و ملخصا	مکتوبات قدوسیہ
۴۲	متن	علی را بر جمله اصحاب فضل و به و آن را فضل است	مکتوبات قدوسیہ
۴۳	متن	حدیث لم یضلکم ابوبکر بکثرة صلوٰة ولا بکثرة صوم و انما یوتی و ترفی صدره و نگویم که علی را شجاع تر از ابوبکر بود بلکه علی شجاع و اودین ابوبکر شجاع تر گمانی را	فتاوی برهنه
۴۳	متن	شعر و معنی هر دو حدیث لم یضلکم الخ و ماصب الله الخ سه سه وین صدیق اکبر قطب حق و در همه چیز از همه برده سبق و آنچه حق از بارگاه کبریا و بیخیت در صدر شریف مصطفی آمد و آن هر دو رسیده	منطق الطیر حضرت فردالدین عطار رحمة الله علیه

پہا	پہا	مضامین فوائد	اسامی کتب منقول عنہا
		صدیق ریخت : لاہرم نابو و زو تحقیق ریخت	
+		<p>فائدہ حضرت قاضی ثناء اللہ پانے پتی قدس سرہ و بیہم مسلول بعد از قول غیبیان مائتہ جیل حضرت صدیق اکبر فرمایا چون بآن اثر مذکورہ و انسجی دانستی کہ ابوبکر جامع جمیع جہات افضلیت و کمال مشاہرت پیغمبرست من حیث الرسالہ کہے باو می برآمدی ندارد کہ پاکی طینت و کمال صفای باطن و قوت عقل و فراست و کثرت صحبت بلکه دوام صحبت از اول تا آخر و صرف ہمت بر نصرت دین برویہ اتم واجتماع اسباب و شرائط بتایید آئی و اعلان تالیف دین از دست از قوت بفعل در بدو اسلام و توسطہ و آخر یعنی بعد وفات رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و ظهور جمیع انواع عبادت بدینی و مالی بروست او کمال و فراست و علم و تقاہت آنچہ اور امید شدہ دیگر می رانید سرشہ ی دلہذا شافعی گفت کہ در دم مضطرب شدہ در رجعت الہی بگر کسی را زیر آسمان بہتر از دنیا نقتند انتہی</p>	<p>فائدہ جدیدہ است</p>
۶۲	متن	سہ ای یار غار سید و صدیق نامور بہ مجموعہ فضائل و گنجینہ معانی	اشعری شیعہ و متعلی الدین
۶۳	متن	تقریر فیض تحفہ و افضلیت صدیق اکبر و در تسمیہ صدیق و سبقتش در رسالہ افضل الطوائف و مقبول حضرت بلا توقف و نوشتہ بودن نام حضرت صدیق اکبر بر قرص آفتاب و نوشتن اشعری و انصاری و غیرہ	اشعری و انصاری و غیرہ
۶۴	متن	روزی آمدن حضرت جبریل علیہ السلام کلیم پوشیدہ در جنور سرور انبیا و پیغمبران و انوار انوار و مقبول حضرت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ آنچہ لباس مست عرض کردن حضرت جبریل علیہ السلام و انوار انوار و مقبول حضرت	اشعری و انصاری و غیرہ
		کہ در وہابہ افران شدہ بہت کہ بر واقعت صدیق اکبر بہترین باقی نماند سہ	

پایه اول	مضامین و فوائد	اسامی کتب بقول مختصرا
۱۱	<p>بیان حدیث الیوم آسد کل فرقة الخ که در مرض اخیر خود حکم بند کردن جمله رشتان ملفوظ حضرت دروازه جهان به سبک کشاده داشتن صرف یک دروازه مکان صدیق اکبر خواجہ عبید الدار احرار بحضور سلطان الانبیا صادر شد و تقریر را باب تحقیق که صدیق اکبر را قدس سره کمال نسبت جمعی حبیب خدا صلی الله علیه وسلم ثابته و اشاره نمودن آنحضرت بجانب این نسبت که بعد نسبت به بقا باین نسبت جمعی مضحکی است و رابطہ عبارت از این نسبت جمعی است سه پن در پیچ سومی یوسف بازگردد و زشکافش فرجه آنگارن +</p>	<p>متن رشتان ملفوظ حضرت دروازه جهان به سبک کشاده داشتن صرف یک دروازه مکان صدیق اکبر خواجہ عبید الدار احرار بحضور سلطان الانبیا صادر شد و تقریر را باب تحقیق که صدیق اکبر را قدس سره کمال نسبت جمعی حبیب خدا صلی الله علیه وسلم ثابته و اشاره نمودن آنحضرت بجانب این نسبت که بعد نسبت به بقا باین نسبت جمعی مضحکی است و رابطہ عبارت از این نسبت جمعی است سه پن در پیچ سومی یوسف بازگردد و زشکافش فرجه آنگارن +</p>
۱۲	<p>امایب بر یکدیگر جمع و حدیث آمده که ابو بکر و در پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنگریزه در بین گرفته می نشست تا سخن بتواند کرد و نظر و جمال آنحضرت و در خطه رابطہ محبت آنگاه میب داشت</p>	<p>متن امایب بر یکدیگر جمع و حدیث آمده که ابو بکر و در پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنگریزه در بین گرفته می نشست تا سخن بتواند کرد و نظر و جمال آنحضرت و در خطه رابطہ محبت آنگاه میب داشت</p>
۱۳	<p>نعمت کبری مقامی است بس عالی مخصوص بحضرت صدیق و حدیث امانت الدن فی حدیث آنحضرت بیان است</p>	<p>متن نعمت کبری مقامی است بس عالی مخصوص بحضرت صدیق و حدیث امانت الدن فی حدیث آنحضرت بیان است</p>
۱۴	<p>شلاقت عام است از خطه سری و باطنی و خلفای آنحضرت صلی الله علیه وسلم جامع هر دو خلافت هستند</p>	<p>متن شلاقت عام است از خطه سری و باطنی و خلفای آنحضرت صلی الله علیه وسلم جامع هر دو خلافت هستند</p>
۱۵	<p>در تالیف خلافت خطه سری و باطنی نقل عبارت شیخ و مرشد مؤلف گنج فی باطنی ملاحظه شود بنی نیا سنی که میری داده بود که رابطہ اهل سنت و جماعت باشند یعنی خلافت خطه سری و باطنی از رسول صلی الله علیه وسلم تخلیفه اول ابو بکر میری که شیخ ایشان از صدیق بعد از آن بحضرت عمر فاروق بعد از آن بحضرت عثمان بعد از آن اولاد و خلفای حضرت آنحضرت علی رضی الله عنهم رسیده و عفا و کامل کند و افضلیت خلفای شایه یوان عبد الرشید را جدا بر ترتیب خلافت اعتقاد کند (الخ) و تاکید حضرت غوث اعظم جوینپوری اندوختن سیرا برای استقامت بر امور شریعت</p>	<p>متن در تالیف خلافت خطه سری و باطنی نقل عبارت شیخ و مرشد مؤلف گنج فی باطنی ملاحظه شود بنی نیا سنی که میری داده بود که رابطہ اهل سنت و جماعت باشند یعنی خلافت خطه سری و باطنی از رسول صلی الله علیه وسلم تخلیفه اول ابو بکر میری که شیخ ایشان از صدیق بعد از آن بحضرت عمر فاروق بعد از آن بحضرت عثمان بعد از آن اولاد و خلفای حضرت آنحضرت علی رضی الله عنهم رسیده و عفا و کامل کند و افضلیت خلفای شایه یوان عبد الرشید را جدا بر ترتیب خلافت اعتقاد کند (الخ) و تاکید حضرت غوث اعظم جوینپوری اندوختن سیرا برای استقامت بر امور شریعت</p>

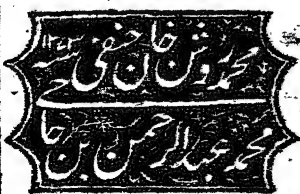
سلسلہ	مندیات ۱۰۰	اسرار شریف منقول
۴۰	<p>معنی حدیث جتنا میں، راضی غرض ہمارے کہ حکایت اہل رسول فقیر نذر مریض ولزہ افتاد ہر ازہمیت، اسے مریض و بعد و عنایت سہرت عیسیٰ اشکن رخا ویر النثر، و... بعد از ان گفت سخن و قیق نہ و صفات پاک بنی نوح الامین، و بعد از شاد و مریض و نہایت ساختن اول و شیخ کا ۲۴، ان حضرت محمد بن، ان وقت و مریض و حضرت روم و قضا علیہ السلام ای برہم، و... چونکہ در خدمت حضرت و چندی کی کہ قضا علیہ السلام کی توان، و... کشف از عماد کی توان بربط زدن و پیش کر پد</p>	<p>معنی حدیث جتنا میں، راضی غرض ہمارے کہ حکایت اہل رسول فقیر نذر مریض ولزہ افتاد ہر ازہمیت، اسے مریض و بعد و عنایت سہرت عیسیٰ اشکن رخا ویر النثر، و... بعد از ان گفت سخن و قیق نہ و صفات پاک بنی نوح الامین، و بعد از شاد و مریض و نہایت ساختن اول و شیخ کا ۲۴، ان حضرت محمد بن، ان وقت و مریض و حضرت روم و قضا علیہ السلام ای برہم، و... چونکہ در خدمت حضرت و چندی کی کہ قضا علیہ السلام کی توان، و... کشف از عماد کی توان بربط زدن و پیش کر پد</p>
۴۱	<p>فصل چہر چنگ و انما شدت مریض و میدان نقد جنس بی و در گریہ اندون پیر خلی و دستگیری عمر کی گریہ کہ تمام ہے ست بسوی شرف آو دن و کامل و در صل ساختن و فلور بازہ و وایت و طبیعت حضرت</p>	<p>فصل چہر چنگ و انما شدت مریض و میدان نقد جنس بی و در گریہ اندون پیر خلی و دستگیری عمر کی گریہ کہ تمام ہے ست بسوی شرف آو دن و کامل و در صل ساختن و فلور بازہ و وایت و طبیعت حضرت</p>
۴۲	<p>ثبوت شیخی و تفسیر حضرت عمرو زناں و تفسیر معانی و نقلی سرکہ ازہمیت و شیخ بر نہایت سنہ جماعت نباشد و حکایت و موافق کتاب بعد و حضرت رسول نباشد و حقیقت کی ازہمیت و زنان سنہ</p>	<p>ثبوت شیخی و تفسیر حضرت عمرو زناں و تفسیر معانی و نقلی سرکہ ازہمیت و شیخ بر نہایت سنہ جماعت نباشد و حکایت و موافق کتاب بعد و حضرت رسول نباشد و حقیقت کی ازہمیت و زنان سنہ</p>
۴۳	<p>استشاد و برہمیت سنہ ۵۵۵ کہ سنہ باج و عت ترک کرد و نہایت مسیح زخون خوب خورد و شیخ</p>	<p>استشاد و برہمیت سنہ ۵۵۵ کہ سنہ باج و عت ترک کرد و نہایت مسیح زخون خوب خورد و شیخ</p>
۴۴	<p>دو حدیث شریف برہمیت سنہ ۵۵۵ بیان واردات وقت خدای حضرت عثمان رضوانہ و قوت و بعدیت حضرت ۵۵۵ یعنی ہشتاد و ہجرت عام ۵۵۵ ہجرت و انور نیردن صحیحی و بدین</p>	<p>دو حدیث شریف برہمیت سنہ ۵۵۵ بیان واردات وقت خدای حضرت عثمان رضوانہ و قوت و بعدیت حضرت ۵۵۵ یعنی ہشتاد و ہجرت عام ۵۵۵ ہجرت و انور نیردن صحیحی و بدین</p>

صفت‌های رایج				صفت‌های رایج			
صفت	سطر	غلط	صحیح	صفت	سطر	غلط	صحیح
۰	۲ متن	شخصیت	غلطی داشتن	۱	۳۳	۹۰	۱۰۰
۳	۳۳	۳۳	۳۳	۲	۱۰	۱۰	۱۰
۴	۱۱ متن	نود	نود و نهمی	۳	۳۱	۱	۱
۵	۹	بنی واز	بنی از	۴	۱۳	آسمان	آسمان آبی
۶	۵	همها	همه با	۵	۱۳	۱۳	۱۳
۷	۱۱	حاشیه	اموار	۶	۳۳	۳۳	۳۳
۸	۵	دیده	دیده	۷	۳۳	۳۳	۳۳
۹	۱۳	بالوینتر	بالوینتر	۸	۳۳	۳۳	۳۳
۱۰	۳۱	نلیقادی	نلیقادی	۹	۳۳	۳۳	۳۳
۱۱	۱۳	هر چار	هر چار	۱۰	۳۳	۳۳	۳۳
۱۲	۳۵	الاندس	الاندس	۱۱	۳۳	۳۳	۳۳
۱۳	۲۰	برجت او	برجت او	۱۲	۳۳	۳۳	۳۳
۱۴	۹	روز با	روز با	۱۳	۳۳	۳۳	۳۳
۱۵	۲۳	جرو با	جرو با	۱۴	۳۳	۳۳	۳۳
۱۶	۴۶	برسول	برسول	۱۵	۳۳	۳۳	۳۳
۱۷	۴۴	بوسه	بوسه	۱۶	۳۳	۳۳	۳۳
۱۸	۶ متن	الاخیار	الاخیار	۱۷	۳۳	۳۳	۳۳
۱۹	۹	جذب	جذب	۱۸	۳۳	۳۳	۳۳

صفحة	سطر	غلط	صحیح
٦٤	١٠ متن	صحیح الجواب	تصحیح الجواب
٩٣	٩	حدود	حدود
٩٦	٨	علماء	علماء
٩٨	٢	عمر الفاروق	عمر الفاروق
١٠٠	٤	الاماني	الاصالي
١٠٢	١٩	شير شجاعتي	شير شجاعتي

تمت وصحت فائمة معيار النذير

صفحة	سطر	المدونة	المدونة
١٠٤	٨	المدونة	المدونة
١٠٤	١٤	دكر	دكر
١٠٥	٣	غياهب	غياهب
١٠٩	١١	قشت	قشت
١١٦	٢٣	ظلمة	ظلمة
١١٣	١٨	النسني	النسني
١١٤	٣	تفضيل	تفضيل
١١٩	٢٤	ربه	ربه
١٣١	٢٦	شكر الله	شكر الله
١٣٣	٩	فاضل بندي	احمد شاه ولد
١٣٣	١٣	الملتقى	الملتقى
١٣٣	١٨	النجاة	النجاة



مكتبة
محمد عبد الرحمن بن
محمد عبد الرحمن بن
محمد عبد الرحمن بن

فهرست اسما علیا و اصغیا که برین قوی تحسین و تصحیح منموده اند

اسامی	سکونت	اسامی	سکونت
امام العارفین ملا آقا محمد باقر علی بن هاشم	سجاده نشین	مولوی محمد تقی و علی صاحب	نوشته صلح جاری
امام العارفین ملا آقا محمد باقر علی بن هاشم	سجاده نشین	مولوی سید محمد الدین صاحب	کهنه فتح علی عظیم آباد
جناب مولوی آل احمد صاحب	قصبه بچلوا ری	مولوی سید محمد الدین احمد صاحب	کریا ضلع ایفنا
جناب مولوی شاه محمد صاحب	ایضا	مولوی محمد میر صاحب	قصبه بچلوا ری
مولوی شاه محمد صاحب	ایضا	مولوی محمد محمد مراد علی صاحب	نوشته فتح علی عظیم آباد
مولوی سید محمد رفیع صاحب	ایضا	مولوی بشارت حسین صاحب	جدید پور ضلع ایفنا
مولوی میر الدین صاحب	ایضا	مولوی محمد شفیع صاحب	دیهوت ضلع ملواری
مولوی صدیق احمد صاحب	عین پور ملواری	مولوی حکیم خاندان حسین صاحب	نوشته فتح علی عظیم آباد
مولوی محمد عبدالرحمن صاحب	قصبه بچلوا ری	مولوی عبدالحی صاحب	نوشته فتح علی عظیم آباد
مولوی محمد محمد رفیع الدین صاحب	ایضا	مولوی سید صاحب	پشاور
مولوی سید محمد رفیع حسن صاحب	ایضا	مولوی محمد رفیع صاحب	مید خلیف آباد
مولوی رفیع الدین احمد صاحب	ایضا	مولوی محمد کمال صاحب	ایضا
مولوی محمد شرف محمد صاحب	ایضا	مولوی عبدالعزیز صاحب	عظیم پور ضلع ملواری
مولوی محمد حسن عسکری صاحب	ایضا	مولوی محمد سید محمد حسین صاحب	نوشته فتح علی عظیم آباد
مولوی محمد نعمت مجیب صاحب	ایضا	مولوی سید احمد صاحب	عالم پور ضلع ملواری
مولوی صفت الدین صاحب	ایضا	مولوی محمد گل صاحب	جلال آباد
مولوی محمد رفیع صاحب	ایضا	مولوی میر الدین صاحب	کهنه ضلع ملواری
مولوی احمد رفیع صاحب	ایضا	مولوی محمد رفیع صاحب	نوشته فتح علی عظیم آباد
مولوی شهاب الدین احمد صاحب	ایضا	مولوی سید شهاب الدین صاحب	شهر عظیم آباد
		مولوی محمد رفیع صاحب	ایضا

اسامی	سکونت
مولوی قاضی عبدالباری صاحب	بلند کلکتہ
مولوی محمد الداد صاحب	میں سکونت
مولوی نور الدین صاحب	کلکتہ
مولوی سید غلام حسین صاحب	قصبہ بونگیر
مولوی محمد طیب صاحب	کلکتہ
مولوی غلام حسین صاحب	ایضاً
مولوی رحمت علی صاحب	ایضاً
مولوی عنایت الدین صاحب	ایضاً
مولوی عبدالباری صاحب	کلکتہ
مولوی شمس علی صاحب	ایضاً
مولوی صوفی فتح علی صاحب	ایضاً
مولوی محمد قیام صاحب	مقامی کاکہ محلہ
مولوی محمد عبدالرحمن صاحب	کلکتہ
مولوی حافظ جمال الدین صاحب	مقیم کلکتہ
مولوی عبدالرحیم صاحب	کلکتہ
مولوی ابوالکلام صاحب	ایضاً
مولوی محمد سعید صاحب	سجادہ نشین قصبہ
مولوی کریم الدین صاحب	ایضاً
مولوی محمد شاہ صاحب	ایضاً

اسامی	سکونت	اسامی	سکونت
مولوی محمد رفیع صاحب	بابا بڑہیل	مولوی محمد اظہار صاحب	بگلازم غامی تحصیل
مولوی ابو الاحیا، محمد سعید صاحب بن	شہر ملکنو	تمامی مفتی مولوی سعد اللہ صاحب	شہر راجپور
ابن الایمن ملک العلماء، سراج العاد و شمس	ایضاً	مولوی محمد ارشد حسین صاحب	ایضاً
مولوی شاہ ابو احیاء عبد اللہ صاحب	ایضاً	مولوی سید الدین صاحب	ایضاً
مولوی عبد العزیز صاحب	ایضاً	مولوی سید عبد اللہ صاحب	پشاور فرم صوت
مولوی محمد نظر احمد صاحب	ایضاً	مولوی محمد ارشد حسین صاحب	پشاور فرم صوت
مولوی ابوالکائنات محمد عبدالحی صاحب	ایضاً	مولوی لطف اللہ صاحب	راہ پور
مولوی محمد رحمت اللہ صاحب	ایضاً	مولوی عبد الکریم خان صاحب	ایضاً
مولوی ابوبکر شمس محمد مدنی صاحب	ایضاً	مولوی عہد اللہ صاحب	ایضاً
مولوی محمد فضل اللہ صاحب	ایضاً	مولوی غلام اکبر خان صاحب	ایضاً
مولوی محمد ابراہیم صاحب	ایضاً	مولوی عبد الحلیم صاحب	راہ پور
مولوی عباس علی صاحب	ایضاً	مولوی ظہور الحق صاحب	راہ پور
مولوی فخر الدین صاحب	ایضاً	مولوی محمد جعفر علی صاحب	ایضاً
مولوی محمد لطف اللہ صاحب	ایضاً	مولوی محمد عبد القادر صاحب	راہ پور
مولوی محمد عبد اللہ صاحب	ایضاً	مولوی بشارت اللہ صاحب	ایضاً
مولوی محمد ارمان الحق صاحب	ایضاً	مولوی سعید الدین صاحب	ایضاً
مولوی محمد رحمان الحق صاحب	ایضاً	مولوی محمد حقائق صاحب	فقیرا مپور
مولوی محمد عبد الباقی صاحب	ملکا پور	مولوی محمد حبیب اللہ صاحب	ایضاً
مولوی محمد عبد العزیز صاحب	ملکا پور	مولوی احمد علی صاحب	راہ پور
مولوی محمد اسماعیل احمد صاحب	بگلازم غامی تحصیل	مولوی محمد حسین صاحب	راہ پور

[illegible]

